



مسئولیت خانواده در تحقق محورهای ۷ گانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی



ویژه موسم تبلیغی فاطمیه ۱۴۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«نیاز به حامی»

❖ سلسله گفتارهای تبلیغی

- «نیاز به حامی؛ مسئولیت خانواده در تحقق محورهای ۷ گانه بیانیه گام دوم

انقلاب اسلامی»

○ حجت الاسلام رضا رحمتی (شرکت کننده برگزیده در نخستین جشنواره

تبلیغی لقمان حکیم؛ آئین هم‌افزایی گفت‌وگو با امامان اسلام ناب)

«نیاز به حامی»

فهرست مطالب

- «نیاز به حامی؛ مسئولیت خانواده در تحقق محورهای ۷ گانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» ۳
- جلسه اول: خانواده؛ اولین و مهم ترین لایه حمایتی بشر..... ۱۲
- نیاز انسان به حامی..... ۱۳
- ظلم غرب به بشرتی با تضعیف لایه حمایتی خانواده..... ۱۴
- براندازی در جمهوری اسلامی با از بین بردن مقدس بودن مادر..... ۱۶
- شکست جوامع بشری و تسلط نظام سرمایه داری..... ۱۷
- چگونه نظام سرمایه داری لایه حمایتی خانواده را تضعیف کرد؟..... ۱۸
- ۱. به بهانه حقوق زن ۱۸
- ۲. شکستن حرمت پدر به بهانه حقوق فرزند ۱۹
- پدری که حرمت ندارد، محبتش هم لذت ندارد..... ۲۰
- حمایت با حساب و کتاب..... ۲۰
- نظام سرمایه داری بد حامی به جای خانواده..... ۲۱
- حمایت آرامشی؛ مهم ترین کارکردهای خانواده:..... ۲۲
- آرامش خط قرمز زندگی..... ۲۵
- انتقاد با حفظ آرامش..... ۲۵
- آرامش شعار محوری برای خانواده..... ۲۶
- راحتی را به جای آرامش نگذاریم..... ۲۶

«نیاز به حامی»

- ۲۶..... برخی آقایان در منزل خیلی راحت هستند!
- ۲۸..... لذت نباید جای آرامش را بگیرد.....
- ۲۹..... انواع آرامش در محیط خانواده.....
- ۳۵..... حمایت آرامشی بسترساز تربیت کودک.....
- ۳۶..... ۱. خانم غرور مرد را نشکند.....
- ۴۱..... ۲. آقا دل خانم را نشکند.....
- ۴۴..... مسئولیت چه کسی برای حفظ آرامش بیشتر هست؟.....
- ۴۴..... فاطمه س بزرگ ترین حامی ولایت.....
- ۴۷..... جلسه دوم: حمایتی های تربیتی پدر و مادر از فرزند.....
- ۴۷..... مدیریت افکار عمومی.....
- ۵۰..... از بین بردن حس خودباوری و اعتماد به نفس، اصلی ترین عملیات روانی دشمن.....
- ۵۱..... معنای درست معنای اعتماد به نفس: باور توامندی ها و توانایی ها.....
- ۵۵..... حمایت های روحی و روانی: حفظ و تقویت استقلال روحی.....
- ۵۷..... پیامدهای عدم استقلال روحی.....
- ۶۱..... معنای خودت باش!.....
- ۶۲..... چند روش برای تقویت اعتماد به نفس و استقلال روحی فرزندان.....
- ۶۲..... روش اول: «تشویق و تنبیه فوری و معین ممنوع».....
- ۶۸..... روش دوم: تحقیر نکردن؛ تحقیر قاتل خاموش حس اعتماد به نفس در فرزندان.....
- ۶۹..... روش سوم: سپردن مسئولیت.....

«نیاز به حامی»

- نقش محبت پدر در شکل‌گیری استقلال روحی دختران ۷۲
- راهنمای مادر به پدر برای محبت کردن؛ نقش پنهان زن ۷۳
- جلسه سوم: «حمایت‌های اقتصادی» که فرزند در خانواده دریافت می‌کند؟ ۷۵
- اسلام به زودی غریب می‌شود؛ معنای بازگشت اسلام به غربت چیست؟ ۷۵
- آیا غربت اسلام از جهت جمعیتی است؟ ۷۵
- آیا غربت اسلام از جهت جغرافیا هست؟ ۷۷
- گسستن رابطه دین و دنیا؛ یکی از اصلی‌ترین وجوه غربت اسلام ۷۹
- سخن از رابطه معیشت و اقتصاد با معنویت؛ به انگیزه غربت زدایی از دین ۸۱
- رابطه عبادت و معنویت با زندگی؛ زندگی مسجد و محل عبادت است ۸۱
- عرفان و معنویت در متن اجتماع ۸۴
- جهاد مالی و ظرفیت‌های معنوی آن ۸۵
- مجاهد اقتصادی مقدم بر مجاهد در راه خدا ۸۶
- سیره معصومان در کسب ثروت و تجارت ۸۶
- بر حذر داشتن اهل بیت ع از دست کشیدن از کار ۸۸
- مهم‌ترین کار، یک روز قبل از ظهور ۸۹
- فضیلت عبادت عابدی که تجارت می‌کند؛ رها کردن کار عملی شیطانی ۹۰
- امام صادق (ع) مشغول کار در باغ ۹۲
- اقدامات حمایت اقتصادی در خانواده از فرزندان با رویکرد تربیتی ۹۴
۱. آشنا کردن کودکان با موضوع عرفان و معنویت در متن اقتصاد ۹۴

«نیاز به حامی»

۲. تولید ثروت در مدرسه؛ بچه ها با مدیریت پدر و مادر به سرکار بروند ۹۴
۳. معرفی تجارت به عنوان بهترین شغل ۹۶
۴. سوق ندادن فرزندان به سمت کارمند شدن ۹۷
- جلسه چهارم: «حمایت های اجتماعی» که فرزند در خانواده دریافت می کند؟ ۱۰۱
- دلایل اهمیت حساس بودن ما نسبت به جامعه ۱۰۱
۱. نقش تربیتی جامعه در شکل گیری شخصیت ما و فرزندان ما ۱۰۱
۲. ما تکالیف اجتماعی داریم ۱۰۳
۳. ما مقدرات جمعی داریم ۱۱۰
- پیامبر در مدینه مردم را به گروه های ده نفر تقسیم کردند ۱۱۱
- سیک زندگی اسلامی، مبتنی بر جمع و جامعه پذیری ۱۱۲
- سیک زندگی غربی فردگرا است نه جمع گرا ۱۱۳
- حمایت تربیتی در بستر خانواده، برانگیختن حس اجتماعی خواهی ۱۱۴
- تکنیک برانگیختن حس خوب ما یک خانواده هستیم! ۱۱۴
- چگونه فرزندان را عدالت پیشه و عدالت خواه تربیت کنیم؟ ۱۱۹
- رعایت عدالت توسط پدر ۱۱۹
- عدالت در محبت و رزق ۱۲۰
- معنای درست عدالت ۱۲۰
- عدالت یعنی رعایت تناسب ها و تفاوت ها ۱۲۱

«نیاز به حامی»

- ۱۲۲..... عدالت پدر در تقسیم محبت
- دومین شیوه برانگیختن حس عدالت خواهی در فرزندان: مبارزه پدر و مادر با دل بخواهی هایش
- ۱۲۵.....
- ۱۳۰..... عدالت مسئولین در سطح زندگی مشخص می شود
- ۱۳۱..... نان علی، خوردنی نیست
- ۱۳۲..... امام علی ع در پنج سال حکومت، آجری روی آجری نگذاشت
- ۱۳۴..... مسئول عادل به خودش سخت می گیرد نه مردمش
- ۱۳۶..... جلسه پنجم: «حمایت های سیاسی» که فرزند در خانواده دریافت می کند؟
- ۱۳۶..... مشکل اصلی مردم مدینه چه بود؟
- ۱۳۸..... عدم فهم سیاسی از ولایت، اصلی ترین مشکل مردم مدینه
- ۱۳۹..... فهم درست ولایت؛ ولایت یعنی سیاست
- ۱۴۰..... عدم درک سیاسی، یعنی فرق نگذاشتن بین نظام ولایی با نظام غیر ولایی
- ۱۴۲..... آسیب غیر سیاسی بودن مردم؛ آلت دست قرار گرفتن اهداف کثیف سیاسیون
- ۱۴۳..... علت اصلی مظلومیت ولایت احترام به فهم مردم
- ۱۴۵..... ولایت جذاب ترین بخش دین
- ۱۴۶..... غیبت یعنی عدم احساس ضرورت نظام ولایی
- ۱۴۷..... عصبان مردم مدینه نه شراب خواری نه هرزگی، بلکه عصبان سیاسی بود
- ۱۴۸..... سیاست گریزی، اخلاق سامری امت
- ۱۴۹..... چرا باید به مسائل سیاسی توجه کنیم؟

«نیاز به حامی»

۱. توجه به مسائل سیاسی، مصداق زمانه شناسی ۱۴۹
۲. توجه به مسائل سیاسی، روش قرآنی ۱۵۱
- دقت کن چه چیزی را می بوسی؟ مسائل زمان پیغمبر را ۱۵۱
- با عملکرد بد سیاسیون چطور سیاست، سفید هست؟ ۱۵۴
- چرا سیاست محل کسب نورانیت هست؟ ۱۵۵
- کار اخلاقی انبیاء فرع کار سیاسی آنها است. ۱۵۶
- سیاست، شأن امامت ۱۵۷
- حمایت سیاسی فرزندان در بستر خانواده از منظر حمایت تربیتی ۱۵۷
- سیاسی بودن پدر و مادر ۱۵۸
- تکنیک تربیت سیاسی فرزندان: «مطالعه تاریخ و داستان های تاریخی» ۱۵۸
- ضعف در حافظه تاریخی، عامل فریب دادن سیاسیون کلاش ۱۶۲
- چگونه به رشد فهم سیاسی مردم کمک کنیم؟ به چالش کشیدن شیوه غرب گرایی در
سیاست ورزی ۱۶۳
- فاطمه (س) سیاسی ترین بانوی اسلام ۱۶۵
- روضه ۱۶۷

مقدمه:

«نیاز به حامی»

۱) از آنجا که بیانیه گام دوم، نقشه راه چهل سال آتیه انقلاب است، نباید از میزکار تبلیغ کشور برداشته شود. ضرورت دارد که برای هر مناسبت تبلیغی حداقل یک محصول تبلیغی از بیانیه گام دوم ارائه شود. و البته بیانیه نیز چنین ظرفیتی را دارا است.

۲) از سوی دیگر، بر ماست که برای تحقق بیانیه، نسل آینده را تربیت کنیم. بر این اساس خانواده به عنوان پایه ترین نهاد تربیتی، بهترین گزینه برای تحقق محورهای بیانیه گام دوم است. خانواده می تواند در تحقق محورهای ۷ گانه [معنویت و اخلاق، عزت ملی و روابط خارجی، استقلال و آزاد، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، سبک زندگی] بیانیه گام دوم نقش آفرینی کند.

۳) امروز دشمن، سرمایه گذاری اساسی برای نابودی نسل و بنیان خانواده کرده اند و بر ماست که به تقویت این بنیاد الهی، برای حفظ نظام اسلامی اهتمام جدی داشته باشیم. یکی از تئوری پردازان غربی، گفته بود که برای از بین بردن انقلاب اسلامی، باید مقدس بودن مفهوم مادر را از بین ببریم. شیوه تسلط غرب بر جوامع انسانی است که انسان ها را تنها و بدون حامی می کند. و اصلی ترین لایه حمایتی بشر، یعنی خانواده را از بین می برد. موجی از اقبال به خانواده در غرب در حال شکل

«نیاز به حامی»

گیری هست همان طور که اخیر در فرانسه تظاهراتی شد مبنی بر اینکه ما خانواده می خواهیم.

(۴) دغدغه اصلی و پیام اصلی فاطمیه، حمایت از امام جامعه است. حضرت زهرا س چهل شبانه روز به دنبال حامی برای امامش بودند. ما نیز در این چهل سال پیش رو برای حمایت از ولایت در تحقق بیانیه گام دوم باید تلاش کنیم. به قول امیرالمومنین رهبر جامعه، هر چقدر هم که قوی باشد، بی نیاز از حامی نیست. فرمود: «لَيْسَ أَمْرٌ - وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزِلَتُهُ، وَجَسَمَتْ فِي الْحَقِّ فَضِيلَتُهُ بِمُسْتَعْنٍ عَنْ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - مِنْ حَقِّهِ؛ هَيْجَ كَسَى بِي نِيْزًا نَيْسَتْ مِنْهُ» یاری شود در انجام آنچه خدا از حق خودش بر گردن او انداخته است، اگر چه از نظر حق و حقیقت جایگاهش عظیم و فضیلتش در حق بزرگ باشد» یعنی امام جامعه هم باشی نیاز به حامی داری. این سلسله سخنرانی در پی مسئولیت بخشی به نهاد خانواده در تحقق محورهای ۷ گانه بیانیه است.

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۵۴.

«نیاز به حامی»

جلسه اول: خانواده؛ اولین و مهم ترین لایه حمایتی بشر

پیام: «معنویت و اخلاق» در محیط خانواده.

اشاره:

«نیاز به حامی»

یکی از نیازهای انسان، نیاز به حمایت است. اولین لایه حمایتی مستحکمی که ما در آغاز خلقت در آن قرار داریم، خانواده است. در ابتدا به نقش تمدن غرب در فروپاشی نظام خانواده و اهداف شوم آنان در تضعیف لایه حمایت خانواده اشاره نموده سپس به تبیین نقش تمدن اسلامی در تحکیم نظام خانواده و تقویت لایه حمایتی خانواده اشاره نموده و براساس یکی از آیات قرآن به اصلی ترین حمایتی که در بستر خانواده شکل می گیرد، را توضیح می دهیم یعنی حمایت آرامشی سپس به دو نوع آرامش دیداری و شنیداری که بین مرد و زن رخ می دهد پرداخته و در نهایت به راه حل های پیشنهادی برای توزیع آرامش در محیط خانواده برای تربیت فرزندان اشاره می نماییم که عبارتند از ۱. بانوان، غرور مرد را نشکنند. ۲. مردان، دل بانوان را نشکنند.

نیاز انسان به حامی

- یکی از نیازهای اساسی ما انسان ها، نیاز به حمایت است و اصلا چون ما موجودی به شدت نیازمند هستیم، به شدت نیازمند حمایت هستیم. از آغاز خلقت تا پایان حیات ما در دنیا، ما در لایه های حمایتی فراوانی قرار داریم. اولین لایه حمایتی مستحکمی که ما در آغاز خلقت

«نیاز به حامی»

در آن قرار داریم، خانواده است. فرمود: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»^۲. آن خدایی که کوه‌های با عظمت را خلق کرد، آن خدایی که زمین پهناور و سترک را آفرید و آن خدایی دریای با آن وسعت و پر تلاطم را آفرید اما به انسان که رسید چه شد که او را ضعیف آفرید؟ ما تا چشم باز می‌کنیم، دست‌ها ضعیفند، پاها ضعیفند، هیچ کاری را نمی‌توانیم خودمان به تنهایی انجام بدهیم. البته در اوج ضعف و نیاز، لطف خدا شامل حال ما می‌شود، مادر و پدر، به عنوان اولین حامیان، همیشگی ما، در کنار ما هستند.

ظلم غرب به بشرتی با تضعیف لایه حمایتی خانواده

- یکی از بزرگترین ظلم‌های تمدن غرب به بشریت این هست که مهم‌ترین لایه حمایتی بشر را، که توسط خداوند تعبیه شده، یعنی خانواده را تضعیف کرده است. مرکز مطالعات خانواده (IFS) و مرکز روندهای اجتماعی (STI)، ذیل مراکز مربوط به سازمان ملل، آمار می‌دهد. طبق این آمار رسمی و معتبر جهانی، یک سوم از کودکانی که در قاره اروپا متولد می‌شوند نامشروع هستند و این آمار در دو کشور فرانسه و سوئد

^۲. نساء، ۲۸.

«نیاز به حامی»

به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد. تطبیق اعلام صندوق جمعیت سازمان ملل در حال حاضر ۴۰ درصد کل زاد و ولدها در ایالات متحده خارج از ازدواج صورت می‌گیرد.^۴

- یکی از جامعه‌شناسان غربی کتابی نوشته هست با عنوان «جنگ علیه خانواده»، به صورت مبسوط به جنایت های غربی علیه خانواده بحث می‌کند بعد می‌گوید: مفهوم آزادی در غرب مساوی هست با بی مسئولیت نسبت به هر موضوعی از جمله خانواده بعد ادامه می‌دهد می‌گوید «ما منشورهای بسیاری برای حقوق انسانها داریم. از سازمان های ملل گرفته تا نهادهای پایین تر، اما هیچ منشور رسمی جهت تکالیف و مسئولیت ها نداریم. این روزها مصلحت سیاسی این است که مفهوم آزادی اخلاقی و مسئولیت پذیری که در خانواده ها و زندگی های سنتی هست، مثل مادری و همسری، تحقیر شود، تنزل پیدا کند، و این برای تاریخ دموکراسی مایه تاسف است.»^۵

^۳ شبکه اجتماعی طرفداری، <https://www.tarafdari.com/node/1161984>

^۴ خبرگزاری فارس، خبر شماره: ۱۳۸۷۰۰۱۳۱۷۰۰۹۱۷۰۰۱۳۹۷. به نقل از مایکل اسنایدر (Michael Snyder) نویسنده، سخنران و فعال سیاسی

^۵ کتاب جنگ علیه خانواده، www.jahannnews.com

«نیاز به حامی»

براندازی در جمهوری اسلامی با از بین بردن مقدس بودن مادر

- معمولا غربی ها، پدر مشخصی ندارند، به خاطر همین در شناسنامه نام مادر ثبت شده است. آیا مادر به تنهایی می تواند حمایت های لازم را از فرزند خود کند؟ اخیرا یکی از تظاهرات گسترده ای در فرانسه برگزار شده است توسط خانم ها و شعار آنها این بوده که «ما خانواده می خواهیم». نام این اجتماع خودشان را گذاشتند «تظاهرات برای همه»، رئیس این جنبش گفت: «خانواده باید در مرکز سیاست جای داشته باشد. از نامزدهای انتخابات می خواهیم که به مساله خانواده متعهد باشند. خانواده حضور اندکی در برنامه های سیاسی دارد و اظهارنظرهای بسیار معمولی در مورد آن صورت می گیرد.»^۶
- اخیرا یکی از تئوریسین های غربی، به نام رابین مرداک ، کسی که حداقل ۶۰ شبکه تلویزیونی به ۱۳ زبان مختلف از جمله مؤسسه تلویزیونی فاکس و شبکه معروف فاکس نیوز، ۱۳۰ روزنامه و مجله معتبر مانند دیلی تلگراف، وال استریت ژورنال، تایمز، نیویورک پست

^۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، خبر شماره ۸۲۲۶۸۳۵۲، مدافعان خانواده در فرانسه تظاهرات

«نیاز به حامی»

را به راه انداخته است. او می گوید: «برای نابودی ایران، باید در خصوص کلمه مقدسی به نام خانواده هزینه کردن و من قصد دارم تا موضوع مادر را در دستور کار خودم قرار دهم. در ایران مادر خانواده همه چیز را مدیریت می کند و اگر مادر را به لجن بکشیم تمام این جامعه به لجن کشیده می شود»^۷ شما می ببیند طرف لات و الوات هم باشد، روی دست و بازوش خالکوبی کرده «عشق است مادر». ببینید چقدر دقیقه نشانه گرفته است؟ اگر ما بخواهیم با ایران مقابله کنیم، باید مقدس بودن مفهوم «مادر» را از چشمان مردم ایران بیندازیم. بعد گفته است: «در سال ۲۰۲۰ کلمه ی مادر را در ایران بی معنا خواهم کرد...».

سندهای بالادستی، مثل سند ۲۰۲۰ دنبال چنین اهدافی هست.

شکست جوامع بشری و تسلط نظام سرمایه داری

- چرا تمدن غرب به دنبال تضعیف لایه حمایتی خانواده هست؟ زمانی که زن و شوهر و فرزندان، در خانواده، حمایت مالی، عاطفی و جانی نشوند. نقطه آغاز شکست جوامع بشری، بعد از شکست جوامع بشری،

«نیاز به حامی»

مثل آب خوردن نظام سرمایه داری بر مردم مسلط می شوند. و آنها درست تشخیص دادند کدام نقطه را بزنند.

چگونه نظام سرمایه داری لایه حمایتی خانواده را تضعیف کرد؟

۱. به بهانه حقوق زن

- چگونه نظام سرمایه داری، لایه حمایتی خانواده را تضعیف کرد؟ گاهی به بهانه حقوق زن، گفت حق زن است که به کار برود. بعد پست ترین کارها را به زنان دادند. مردان را نسبت به زنان بی مسئولیت بار بیاورند!

^۸. «ویل دورانت می گوید: «این واژگونی سریع عادات و رسوم محترم و قدیمتر از تاریخ مسیحیت را چگونه تعلیل کنیم؟ علت عمومی این تغییر، فراوانی و تعدد ماشین آلات است.» آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است... یک قرن پیش در انگلستان کار پیدا کردن بر مردان دشوار گشت. اما اعلانها از آنان می خواست که زنان و کودکان خود را به کارخانه ها بفرستند. کارفرمایان باید در اندیشه سود و سهام خود باشند و نباید خاطر خود را با اخلاق و رسوم حکومتها آشفته سازند. کسانی که ناآگاه بر «خانه براندازی» توطئه کردند کارخانه داران وطن دوست قرن نوزدهم انگلستان بودند. نخستین قدم برای آزادی مادران بزرگ ما قانون ۱۸۸۲ بود. به موجب این قانون، زنان بریتانیای کبیر از آن پس از امتیاز بی سابقه ای برخوردار می شدند و آن اینکه پولی را که به دست می آوردند حق داشتند برای خود نگه دارند. این قانون اخلاقی عالی و مسیحی را کارخانه داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه ها بکشانند. از آن سال تا به امسال سودجویی مقاومت ناپذیری آنان را از بندگی و جان

«نیاز به حامی»

اخیرا برخی از خانم های غربی ها وقتی فهمیدند حکم نفقه در اسلام را علاقه مند به اسلام شده اند و می گویند نفقه مردان به زنان، چه حکم پیشرفته ای هست. غربی ها زن را نابود کردند.

۲. شکستن حرمت پدر به بهانه حقوق فرزند

- گاهی حرمت پدر را شکستند، به بهانه حقوق کودک؛ یک خط مستقیم تلفن گذاشتند، به بچه ها گفتند هر وقت، احساس کردید پدر و مادر شما را اذیت می کنند کافی به این شماره زنگ بزنید، دست بسته پدرت را می بریم. با قانون به ظاهر خوشگل و قشنگ علیه خانواده اقدام کردند. این ضربه بزرگی به لایه حمایتی خانواده بود. پدری که حرمت نداشته باشد، زن نمی تواند از ناحیه او احساس حمایت کند. فرزندان نمی توانند از لحاظ عاطفی به تکیه کنند و احساس حمایت کنند.

کندن در خانه رهاشده، گرفتار بندگی و جان کندن در مغازه و کارخانه کرده است.»(مجموعه آثار

ج ۱۹، مطهری، مرتضی)

«نیاز به حامی»

پدری که حرمت ندارد، محبتش هم لذت ندارد

- دختر به شدت نیاز به حمایت عاطفی پدر دارد. دختری که از حمایت عاطفی پدر، بهره مند نباشد، در جامعه آسیب پذیر خواهد شد. مقوله حجاب یک بخشی ربط دارد به اینکه آیا پدر در خانه حرمت دارد یا خیر؟ یک استادی می گفت خانمی که معلم بود آمد پیش من و گفت من تمام دختران مدرسه را محجبه کردم ولی نتوانستم دختر خودم را محجبه کنم مشکل از کجاست؟ آن استاد می گوید از او پرسیدم؟ شما گاهی به پدر امر و نهی می کنی؟ گفت بله چطور . گفتم مشکل همین جاست. پدری که حرمت ندارد، محبتش هم خریدار ندارد. محبت هم کند مزه ندارد. دختر از پدری که حرمت دارد محبت بچشد لذت می برد، به دنبال بی حجابی و خود نمایی و گدایی محبت از دیگران نمی رود.

حمایت با حساب و کتاب

- البته حمایت از فرزندان توسط پدر یا مادر باید حساب شده باشد. حمایت عاطفی، مالی و بسیاری از حمایت های دیگر، زمانی اثر مثبتی دارد که به جا و به موقع باشد وگرنه حمایت های بی جای پدر یا مادر،

«نیاز به حامی»

هم آسیب زنده خواهد بود. الان ما پدیده مواجه هستیم به نام «فرزند سالاری»، این هم از نظر تربیتی به فرزند ضربه می زند. حمایت های بی حساب و کتاب فرزند، دودش در چشم خود فرزند می رود.

نظام سرمایه داری بد حامی به جای خانواده

- آدم ها در غرب خیلی تنها و بی حامی هستند. دولت انگلیس وزیر جدیدی را با عنوان "وزیر امور تنهایی" منصوب کرده که به گفته نخست وزیر این کشور با هدف رسیدگی به "واقعیت تلخ زندگی مدرن" صورت گرفته است! وقتی در غرب، انسان ها تنها شدند و بدون حامی!

- بعد از اینکه غرب، نظام خانواده که نظام حمایتی بود را از بشریت گرفت؛ چه اتفاقی افتاد؟ خودش را به عنوان حامی معرفی کرد. آن ها به خوبی می دانند این بشر که نمی تواند بدون حامی زندگی کند. خودش را به عنوان حامی معرفی کرد. البته این حمایت، هزینه هم دارد. وقتی منافعش در خطر باشد تو را بی حامی رها می کند، حمایت با

^۹ خبرگزاری ایسنا، خبر شماره ۹۶۱۰۲۷۱۴۹۳۶

«نیاز به حامی»

شرط و شروط هست. اما حمایت در خانواده بدون کمترین چشم داشتی، هست. مادر، عالی ترین حمایت ها را نسبت به فرزندان ارائه می کرد. من به شما یک خبر وحشتناک و تاسف برانگیز بدهم؛ در آمریکا، مردم آمریکا ساعتی ۴۰ دلار می دهند و محبت یک مادر را خریداری می کنند!

- این ته ماجرای تمدن غربی آمریکایی هست. اما در تمدن اسلامی ماجرا کاملا فرق می کند. در این جا خانواده، محور تمام روابط هست. هیچ کسی نباید لایه حمایتی خانواده را تضعیف کند. حتی اگر پدر و مادر، کافر بودند، نباید این لایه حمایتی قطع شود. آقا پدر یا مادر کافر هست، عقایدش با شما فرق می کند؟ حق نداری بی احترامی کنی.

حمایت آرامشی؛ مهم ترین کارکردهای خانواده:

- مهم ترین کارکرد خانواده، در قرآن کریم در یک آیه قرآن بیان شده است. هر خانم و آقای در محیط خانواده حداقل سه مدل حمایت از همدیگر هدیه می گیرند و نوش جان می کنند. اولین و اصلی ترین حمایتی که در محیط خانواده شکل می گیرد، حمایت آرامشی هست.

«نیاز به حامی»

- در سوره روم آیه بیست و یک، می‌فرماید: «از نشانه‌های خدا این است که برای شما زوج قرار داد تا شما در کنار یکدیگر به آرامش برسید! وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا».
- اول آیه می‌فرماید خانواده از آیات الهی هست. ما باید به خانواده نگاه آیه ای به عنوان آیات الهی داشته باشیم. قداست نهاد خانواده در حد و اندازه های آیات الهی هست.
- بعد می‌فرماید همسران شما را از جان شما آفرید. این به هم پیوستگی روحی، شاه کار خداست. از جان شما آفرید. وقتی می‌گویید خانم یعنی جانم. جالب هست نقطه های خانم را که تغییر دهی می‌شود جانم. یعنی هر بدی و بد اخلاقی به خانمت کردی در واقع به خودت بدی کردی. به جان خودت.
- اینجا یک بحث دامنه داری هست که نمی‌خواهم بپردازم و آن این هست که رابطه عاطفی چه زمانی شکل می‌گیرد قبل ازدواج یا بعد از ازدواج؟ بعضی‌ها به بهانه اینکه ما می‌خواهیم بالاخره ارتباط عاطفی داشته باشیم می‌روند سراغ روابط قبل از ازدواج در حالی که این رابطه

۱۰. روم، ۲۱.

«نیاز به حامی»

عاطفی بعد از ازدواج به عنوان هدیه ازدواج از طرف خدا به زوجین داده می شود. البته بعضی ها این سرمایه را نابود می کنند.

- مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! از کاری در شگفتم و به راستی هم که شگفت آور است! مردی با زنی ازدواج می کند که هرگز، نه او آن زن را دیده و نه آن زن، او را؛ اما همین که ازدواج صورت می گیرد و مرد، وارد بر زن می شود، با یکدیگر [دوست و] همدم می شوند و هیچ چیز برای آن دو، دوست داشتنی تر از دیگری نیست. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «و خداوند، میان شما مهر و دوستی قرار داد». «إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَقَدْ عَجِبْتُ مِنْ أَمْرٍ وَإِنَّهُ لَعَجَبٌ، إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ وَ مَا رَأَاهَا وَ مَا رَأَتْهُ قَطُّ حَتَّى إِذَا ابْتَنَى بِهَا اصْطَحَبَهَا وَ مَا شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيْهِمَا مِنَ الْآخِرِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»

- اما خانواده به عنوان آیت الهی هدف اول از تشکیل آن، چه هست؟ رسیدن به آرامش.

^{۱۱}. تفسیر التعلبی: ج ۷ ص ۲۹۹.

«نیاز به حامی»

آرامش خط قرمز زندگی

- آرامش را را باید خط قرمز خودمان قرار دهیم، سرمان رفت، نباید آرامش در خانه از بین برود!

انتقاد با حفظ آرامش

- اگر خانم و آقا می خواهند از همدیگر انتقاد کنند نباید به گونه ای باشد که آرامش بهم بخورد! بگو حیف من می خواستم حرف درستی، یا درستی به همسرم بزنم، مرد یا زن فرقی نمی کند و این حرف درشت، تند و تیز، بسیار درست، بسیار مهم است، منتهی اگر حرف را بزنم الان آرامش بهم می ریزد! پس بی خیال اول آرامش، بعدها، سر آرامش می توانیم این حرف را باهم بزنیم. اول آرامش!
- شاید شما یک انتقادی از شوهرت کنی که شوهرت درست بشود ولی آرامشش بهم بریزد برای همیشه، یا برای مدت طولانی! خب این انتقاد را نکن!

«نیاز به حامی»

آرامش شعار محوری برای خانواده

- شاید خانم بگوید: «ایشان با رفتار بد خودش؛ آرامش من را بهم زده»
خب با حفظ آرامش این را منتقل کن! انتقام نگیریم از همسرمان، آرامش را به شعار محوری برای خانواده مان، تبدیل کنی. زن و مرد به دنبال این باشند که آرامش را به همدیگر هدیه کنند.

راحتی را به جای آرامش نگذاریم

- بنابراین فایده اول خانواده، آرامش است! نه چیز دیگر. اگر شما در خانواده، راحتی را آدم بگذارد جای آرامش! چه اتفاقی می افتد؟ خودت و خانواده‌ات را نابود می کنی! برای اینکه راحت باشی آرامش طرفت را از بین می بری!

برخی آقایان در منزل خیلی راحت هستند!

- بعضی از آقایان در منزل خیلی راحت هستند. زیر پوش می پوشد از بس کهنه هست بدن نما و نخ ما شده است. شلوار می پوشد شش خستکه حالا از باب مزاح عرض می کنم ولی در خانه خیلی شلخته هست می گویی چرا؟ می گوید می خواهم راحت باشم.

«نیاز به حامی»

- در حالی حضرت فرمود در منزل شیک بپوشید. امام باقر ع را دیدند: «لباسی پوشیده قرمز، می گوید ناخودآگاه خنده‌ام گرفت حضرت فرمود: من می دانم چرا می خندی اما این لباس را به خاطر همسرم پوشیدم.» «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ وَعَلَيْهِ مَلْحَفَةٌ حُمْرَاءُ شَدِيدَةُ الْحُمْرَةِ فَتَبَسَّمْتُ حِينَ دَخَلْتُ فَقَالَ إِنِّي أَعْلَمُ لِمَ ضَحِكْتَ ضَحِكْتَ مِنْ هَذَا الثَّوْبِ عَلَى إِنْ التَّقِيَّةَ أَكْرَهْتَنِي عَلَى لُبْسِهَا!».

- یک لباس شیک برای خانه تهیه کنید. فرمود این موجب افزایش حبابی همسرت می شود. همانطور که دوست داری او برای تو شیک بپوشد او هم این شیک پوشی را از تو می خواهد.

- بعضی خانم ها به نظم منزل حساس هستند، مرد خسته و کوفته می آید خانه می خواهد راحت باشد، لباسش سر جایش در نمی آورد. آقا باید مراقب نظم باشد بگو آرامش مهم تر از راحتی هست. البته یک حرفی می خواهم بزنم لطفا آقایون گوش های خودشان را بگیرند، خانم ها هم مراقب باشند که زیاد به نظم حساس نباشند وگرنه هم آرامش

۱۲. کافی، ج ۱۳، ص ۳۱.

«نیاز به حامی»

خودشان را به هم می ریزند و هم آرامش آقایان را به هم می ریزند. بعد سر آرامش، می شود سر نظم به توافق رسید.

لذت نباید جای آرامش را بگیرد

- لذت نباید جای آرامش را بگیرد و حرف اول را در خانواده بزند. فرمود مومن غذا می خورد به میل همسرش.^{۱۳} خانم شما چی دوست داری؟ مهم نیست چی درست کردی؟ اما منافق این طوری نیست به میل خودش می خورد^{۱۴} کافی هست خانم غذای مورد علاقه آقا را درست نکرده باشد زمین و زمان را به هم می زند آرامش را بهم می زند تو چرا آش و ماش درست کردی؟^{۱۵}
- در خاطرات شهید چمران، خانم شهید چمران نقل می کند که روزی که مصطفی به خواستگاری اش آمد مامان به او گفت: «شما می دانید این دختر که می خواهید با او ازدواج کنید چطور دختری است؟ این صبحها

^{۱۳} « الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ » (کافی: ج ۴ ص ۱۲ ح ۶)

^{۱۴} « وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ » (همان)

^{۱۵} علیرضا پناهیان، تعریف خانواده خوب، جلسه اول، سال ۱۳۹۲.

«نیاز به حامی»

که از خواب بلند می‌شود هنوز رفته که صورتش را بشوید و مسواک بزند کسی تختش را مرتب کرده لیوان شیرش را جلو در اتاقش آورده و قهوه آماده کرده‌اند. شما نمی‌توانید با مثل این دختر زندگی کنید، نمی‌توانید برایش مستخدم بیاورید اینطور که در خانه‌اش هست.» مصطفی خیلی آرام اینها را گوش داد و گفت: «من نمی‌توانم برایش مستخدم بیاورم، اما قول می‌دهم تا زنده‌ام، وقتی بیدار شد، تختش را مرتب کنم و لیوان شیر و قهوه را روی سینی بیاورم دم تخت» و تا شهید شد، اینطور بود. حتی وقت‌هایی که در خانه نبودیم در اهواز در جبهه اصرار می‌کرد خودش تخت را مرتب کند. می‌رفت شیر می‌آورد خودش قهوه نمی‌خورد ولی می‌دانست ما لبنانی‌ها عادت داریم، درست می‌کرد!

انواع آرامش در محیط خانواده

- در یک تقسیم بندی، هر خانم و آقا حداقل دو مدل آرامش در خانه برقرار باشد. وگرنه خانه که در عربی به آن مسکن می‌گویند. مسکن یعنی محل آرامش، محل بی‌قراری زن و مرد می‌شود. مرد از خانه

«نیاز به حامی»

فراری است زن هم به نوعی. اما این دو مدل آرامش چیست؟ یکی آرامش دیداری، دیگری آرامش شنیداری. آرامش دیداری، شیک پوشی مرد و زن در خانه یک مدل آرامش دیداری هست که عرض کردم.

- حضرت فرمود سالی چهار دست لباس برای خانمت تهیه کن. «یکسوها فی كُلِّ سَنَةٍ أَرْبَعَةَ أَثْوَابٍ؛ ثَوْبَيْنِ لِلشَّتَاءِ وَ ثَوْبَيْنِ لِلصَّيْفِ» البته همه اینها به شرط فراهم شدن و گشایش مالی است. پیغمبر فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَأْخُذُ بِأَدَبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا وَسَّعَ عَلَيْهِ اتَّسَعَ وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ؛ مؤمن، اخلاق خداوند عز و جل را می گیرد. هرگاه خداوند، به او گشایش می دهد، او نیز گشاده دستی می کند و هرگاه از او باز می گیرد، او هم دست ننگه می دارد!». البته این خرید لباس غیر از مدگرایی است و آنچه در مدگرایی نکوهش شده است اولاً نوع پوشش است و ثانیاً دور انداختن لباسی که هنوز کهنه نشده است. خانم های محترم لباس ها را الان می گویند لباس مجلسی، لباس برای مجلس.

^{۱۷}. کافی، ج ۵، ص ۵۱۲.

^{۱۸}. کافی، ج ۴، ص ۱۲.

«نیاز به حامی»

در حالی که اصل مجالس در خانه هست. خانم و آقا به چشمان همدیگر احترام بگذارند.

- اسحاق بن عمار از اصحاب امام صادق ع می‌گوید به حضرت گفتیم: آیا مؤمن می‌تواند ده پیراهن داشته باشد؟ امام فرمود: «آری». گفتیم: بیست پیراهن چه؟ فرمود: «آری [اشکالی ندارد]». گفتیم: سی تا چه؟ فرمود: «آری. این اسراف نیست؛ اسراف، آن است که لباس بیرون (میهمانی‌ات) را لباس کار و دم‌دستی قرار دهی». «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِ عَشْرَةَ أَقْمَصَةٍ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ عَشْرُونَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ ثَلَاثُونَ قَالَ نَعَمْ لَيْسَ هَذَا مِنَ السَّرْفِ إِنَّمَا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بَدَلْتِكَ!». دینی داریم که به عطر زدن و لباس پوشیدن و تمیز بودن این قدر اهمیت می‌دهد. آدم از دین لذت می‌برد.

- در احوالات امام (ره) هست که همیشه از چند متری اتاق امام بوی عطر به مشام می‌رسید آقا همیشه یک شانه و آینه کوچک کنار دست

۱۹. کافی، ج ۶، ص ۴۴۱.

«نیاز به حامی»

خود داشتند و از دو شیشه عطر که یکی در جانماز و دیگری در طاقچه بود استفاده می‌کردند.^{۲۰}

- امام بسیار تمیز و مرتب بود. زیرپوش ایشان باید زودبه‌زود شسته شود و حتماً باید اتو شود و از نظر رنگ هماهنگ باشد و اگر چنانچه پیژامه گشاد باشد و یک‌قدری باز باشد، ایشان نمی‌پوشند. باید همه جای آن یک اندازه باشد و نظم داشته باشد. دستمال ایشان باید اتو شود.^{۲۱}
- روزی یکی از دوستان امام کاظم (ع) خدمت امام (ع) رسید و با ایشان سلام و احوال‌پرسی کرد. خوب در چهره امام (ع) نگاه کرد و دید حضرت محاسن خود را با رنگ سیاه، آراسته است؛ به‌گونه‌ای که چهره امام (ع) بسیار جوان‌تر شده بود. از امام (ع) پرسید: «فدایت شوم، آیا محاسن خودتان را رنگ نموده‌اید؟» امام (ع) پاسخ داد: «بله؛ زیرا آراستگی نزد خدا پاداش دارد. از آن گذشته، رنگ کردن و آراستگی ظاهری موجب افزایش حفظ عفت زنان و پاک‌دامنی همسران می‌شود. زنانی بودند که به سبب عدم آراستگی همسران خود، به فساد و گناه و

^{۲۰} پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۲۰۰.

^{۲۱} برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۱۵۹ به نقل از مصطفی کفاش زاده.

«نیاز به حامی»

تباهی راه یافتند». حضرت فرمود آیا تو خوشحال می شوی که همسرت را شلخته و بدون آراستگی و شیک بودن ببینی؟ گفتم نه حضرت فرمود خانم شما هم همین طور هست. «رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اخْتَضَبَ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، اخْتَضَبْتَ؟! فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ التَّهَيَّئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ وَ لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بَتَرَكَ أَزْوَاجَهُنَّ التَّهَيَّئَةَ. ثُمَّ قَالَ: أَيْسْرُكَ أَنْ تَرَاهَا عَلَى مَا تَرَكَ عَلَيْهِ إِذَا كُنْتَ عَلَى غَيْرِ تَهَيَّئَةٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَهُوَ ذَاكَ!»^{۲۲}

- دومین آرامش، آرامش شنیداری هست. روان شناسان می گویند برای حفظ آرامش، لحظات اول، لحظات طلایی هست. مراقب باشید این لحظات طلایی را خراب نکنید. خانم محترم وقتی آقای شما وارد منزل شد. گفتار شما در این لحظات اولی خیلی حساس هست در برقراری آرامش یا بی قرار آقا. مراقب باشید دقایق اولیه که آقا داخل منزل شده است، حرف منفی نزنید. چرا این چیز را که گفتم نخریدی؟ حالا آقا کلی خرید کرده این سفارش شما از قلم افتاده. حالش را گرفتی. خانم حال آقا را خوب کن.

^{۲۲}. کافی: ج ۵ ص ۵۶۷.

«نیاز به حامی»

• مردی، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: زنی دارم که هرگاه وارد [خانه] می‌شوم، به استقبالم می‌آید و هرگاه [از خانه] خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند، و هرگاه مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: چرا اندوهگینی؟ اگر غمِ روزی‌ات را می‌خوری، غیر تو (خداوند) آن را برایت ضمانت کرده است، و اگر غمِ آخرت را داری، پس خداوند بر اندوهت بیفزاید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند، کارگزاری دارد و این زن، یکی از کارگزاران اوست. برای او نصف پاداش شهید در نظر گرفته شده است». «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّتْنِي وَإِذَا خَرَجْتُ شِيعَتْنِي وَإِذَا رَأَتْنِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يَهْمُكَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَإِنْ كُنْتَ تَهْتَمُ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَزَادَكَ اللَّهُ هَمًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ»^{۲۳} چرا خدا به این خانم اجر نصف شهید را می‌دهد؟ می‌دانی چرا؟ چون خانم، خودش را فدا کرد، برای برقراری موضوع با عظمتی به نام «آرامش»، باورتون می‌شود که خانم‌ها با برقراری آرامش در خانه به مقام شهداء می‌رسند؟ خیلی ساده، با چند تا تکنیک ساده همسرداری، برای برقراری آرامش؟

۲۳. الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹.

«نیاز به حامی»

یکی اینکه برخورد اول، با روی گشاده بود. رفتن از منزل و بازگشت منزل با روی گشاده بود. چند قدم تواضع کرد، چقدر خدا این خانم را بالا می برد و ترفیع درجه می دهد به خاطر تواضع به همسرش.

- البته برخی آقایان می گویند تو رو خدا این خانم به استقبال ما نیاید. چرا؟ می گویند خانمم غور می زند. غور زدن یعنی برهم زدن آرامش شنیداری. بعد دومین تکنیک همسرداری بسیار ساده، آرامش دادن در موضوع رزق و روزی هست. خوش به حالی خانمی که غم و غصه را از دل آقا در زمینه اقتصادی بردارد. حقیقت هست که خدا نصف اجر شهید را به او بدهد. این مرد چقدر انرژی می گیرد که بهتر برای رفع مشکلات اقتصادی تلاش کند.

حمایت آرامشی بسترساز تربیت کودک

- اما اینها آرامش های شنیداری و دیداری فرع ماجرا هست، آن کارستانی که موجب برقرار آرامش در خانه می شود، چیز دیگری هست که الان می خواهم عرض کنم. ما برای تربیت فرزند نیاز به آرامش دیگری داریم. این ها یعنی آرامش شنیداری و دیداری، آرامش های که زن و مرد به همدیگر می دهند. اما برای تربیت فرزند ما نیاز

«نیاز به حامی»

به آرامش دیگری داریم. اگر این آرامش در خانه برقرار شد، می شود از تربیت فرزند حرف زند وگرنه اصلا نوبت به تربیت فرزند نمی رسد. حالا ان شاء الله جلسات بعد ما از حمایت های تربیتی که فرزندان در محیط خانواده دریافت می کنند بحث خواهیم کرد. اما تا این دو آرامش پدید نیاید نوبت به حمایت های تربیتی فرزندان از ناحیه پدر و مادر نمی رسد.

۱. خانم غرور مرد را نشکند

- آن دو حمایت آرامشی بسترساز تربیت کودک چیست؟ یکی اینکه خانم، حرمت پدر را نشکند. غرور مردش را نشکند. مادرها، پدر را سلطان منزل برای کودک تلقی کنند. شاید پدر از نظر شخصیتی ساده تر از مادر هست؛ پشت صحنه مادر مشورت بدهد بگوید پدر این حرف درست هست این را بگو بعد بیاید به بچه ها بگوید باید این را از پدر نظر بگیریم.
- مادرهای محترم، دخترها و پسرها را شما مدیریت نکنید به بچه های خودتان ضربه می زنید؛ شما باید مامان باشید. مستقیم نگوید بیا من نظر بدهم. بابا را تخریب و تحقیر نکن بچه ات را نابود کردی. یک

«نیاز به حامی»

رکن تربیتی را زدی داغون کردی فشار آوردی روی خودت. الان نه بابا دارد نه مامان دارد. مامان باید منعطف باشه حالا یک مادر سلطان بانو پیدا کرده است.

- بچه ای که بدون پدر بزرگ می شود به مراتب از نظر روانی خیلی سالم تر هست از بچه هایی که نه پدر دارد نه مادر. بچه ای که نه پدر دارد نه مادر، کدام بچه است؟ بچه ای هست که مادرش هم نقش پدر را ایفا می کند هم نقش مادر؛ بعضی پدرها هم زرنگ هستند، می خواهند خودشان را درگیر نکنند، از زیرش در می رود. می گوید خانم خودت بچه ها را جمع کن دیگر!
- مادرها امر و نهی رو بندازید روی دوش پدرها، بگذارید حرف آخر را او بزند. آقای شما نمی فهمد پدر ساده است! به او یاد بدهید. آگه بچه ات را دوست داری بگذار پدرش برایش پدری کن! تو پدر نشو! پشت پایش را می خورید!

^{۲۴}. علیرضا پناهیان، مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت و تعادل روحی فرزند،

«نیاز به حامی»

• یک پدر و پسری در خانه امیرالمؤمنین(ع) مهمان بودند. بعد از صرف غذا، حضرت برای شستشوی دست مهمان، خودشان به روی دست پدر آب ریختند و او دست خودش را شست. ولی حضرت روی دست پسر آب نریختند بلکه از فرزندشان (محمد حنفیه) خواستند این کار را انجام دهد. بعد حضرت به محمد حنفیه فرمودند: من نمی‌خواستم به این آقا پسر بی‌احترامی کنم، بلکه ادب رعایت کردم. چون احترام پدر با پسر مساوی نیست و خدا دوست ندارد با پدر و پسر یکسان رفتار شود. من چون برای پدرش آب ریختم، اگر برای پسر نیز آب بریزم، او را با پدرش مساوی گرفته‌ام و لذا از تو خواستم برای او آب بریزی تا احترام پدرش حفظ شود. و اگر این پسر به تنهایی(بدون حضور پدرش) مهمان من بودند، خودم برای او آب می‌ریختم، (ثُمَّ جَاءَ قَنْبَرٌ بِطَسْتٍ وَإِبْرِيْقٍ مِنْ خَشَبٍ وَمَنْدِيلٍ لِلْيَيْسِ وَجَاءَ لِيُصَبَّ عَلَيَّ يَدَ الرَّجُلِ مَاءً فَوَثَّبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَأَخَذَ الْإِبْرِيْقَ لِيُصَبَّ عَلَيَّ يَدَ الرَّجُلِ... فَلَمَّا فَرَغَ نَاوَلَ الْإِبْرِيْقَ مُحَمَّدَ ابْنَ الْحَنْفِيَّةِ وَقَالَ: يَا بَنِيَّ لَوْ كَانَ هَذَا الْإِبْنُ حَضْرَتِي دُونَ أَبِيهِ لَصَبَبْتُ الْمَاءَ عَلَيَّ يَدِهِ وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْبَى أَنْ

«نیاز به حامی»

يُسَوِّ بَيْنَ ابْنٍ وَ أَبِيهِ إِذَا جَمَعَهُمَا مَكَانٌ لَكِنْ قَدْ صَبَّ الْأَبُ عَلَى الْأَبِ
فَلْيُصَبِّ الْأَبْنُ عَلَى الْأَبْنِ^{۲۵}

• ببینید چطور امیرالمومنین احترام یک پدر را نگه می دارد. آقای جمی یکی از اطرافیان امام خمینی قدس سره می گوید: یک بار به محضر امام خمینی در جماران رفته بودم، در همان موقع یکی از مسئولین کشوری برای ارائه گزارش کارهای تحت مسئولیت خود، به حضور امام آمد. پدر سالخورده او نیز به همراهش به دیدار آمده بود، وقتی که می خواست حضور امام برسد خودش جلوتر از پدر حرکت می کرد پس از تشریف به خدمت امام پدرش را معرفی کرد. امام نگاهی به آن مسئول نموده و فرمود: این آقا پدر شما هستند؟ گفت: بله. امام فرمود: پس چرا جلوتر از او راه افتادی و وارد شدی؟^{۲۶}

• وقتی که آن دو نفر از حضرت امیر خواستند که با حضرت زهراس ت ملاقات کنند. و حضرت امیر اصل ماجرا را تعریف کردند. حضرت زهرا س فرمود: «خانه خانه ای تو هست و من هم کنیز تو هستم؛ الْبَيْتُ

^{۲۵}. احتجاج، ۲/۴۶۰ و مجموعه ورام، ۲/۱۰۷.

^{۲۶} داستان دوستان، ج ۱، ص ۱۶۱.

«نیاز به حامی»

بَيْتِكَ وَالْحَرَّةَ أُمَّتِكَ^{۲۷} آدم تازه می فهمد این جمله کلیدی حضرت زهرا س به همسرش را چقدر مهم است. اینجا شان همسری دارد. خیلی حرف هست که بانویی که عالم به طفیل وجود او خلق شده است به همسرش می گوید من کنیز تو هستم. چند نفر از خانم های مذهبی چنین جمله ای را به همسرانشان تا به حال گفته اند؟ بعضی از خانم ها می گویند حاج آقا بله همسر حضرت زهرا س، امیرالمومنین بود همسر ما که امیرالمومنین نیست؟ ببینید اگر همسرش ما هم کف و هم شان شما هست؟ پس او برای شما همان جایگاه امیرالمومنین در همسری را دارد. درست هست که امام علی ع با حضرت زهرا س هم کفو بودن. اما اگر هم کفو دیگری برای حضرت زهرا س پیدا می شد؛ یک مومن عادی باز هم حضرت زهرا س به او چنین جمله را می فرمود. اگر همسرش ما هم هم کفو شما هست که هست. یعنی این همه مومنین هم کفو نیستند؟ پس شما از لحاظ تربیتی باید جایگاه او را حفظ کنی. حالا جرات نمی کنم بگویم به او بگویی من کنیز تو هستم.. بهترین خانم، خانمی هست که نسبت به همسر تعبیر این هست که ذلیل باشد. خانم ایده آل چنین خانمی هست. رسول الله ص فرمود: «إِنَّ خَيْرَ

^{۲۷}. بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۳۰۳.

«نیاز به حامی»

نِسَائِكُمُ الْوُلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا ؛ بهترین زنان شما زنانی هستند که پسر فرزند بسیار مهربان پاک دان باشد در مقابل خانواده خودش عزیز باشد در مقابل شوهرش ذلیل باشد^{۲۸} اگر در این حد و اندازه زنی به مردش تواضع کرد. بی شک بچه های آماده دریافت حمایت های تربیتی می شوند.

۲. آقا دل خانم را نشکند

- اما مهم ترین تکنیکی که پدر در خانه برای برقراری آرامش باید نسبت به مادر رعایت کند چیست؟ پدر دل مادر را نشکند. پدر هم باید محبت به مادر را به عنوان ملکه خانه به فرزندان یاد دهد. پدری باید کاری کند بچه ها یک دل رحمی به مادر پیدا کنند که وقتی مامان یه کلمه گفت اگر اینکار را بکنی دلم را می شکنی! بچه سقف روی سرش آوار می شود. تمام شد چرا؟ چون بابا یاد داده هست دل مامان را نشکنی. درست! ترکیبی قشنگی هست. بابا باید فرمان بدهند بچه ناراحت می

^{۲۸}. کافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

«نیاز به حامی»

شود عیب نداره مادر جیران می کند! می کشد کنار می گوید بابا! به این دلیل دستور داد.

- مرد باید مثل نهری در خانه خودش، مهربانی و محبت به همسرش را جاری کند. نه فقط محبت داشته باشد این محبت را ابراز کند. امام صادق ع فرمود: «لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ وَهِيَ الْمَوَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَ مُحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا وَ حُسْنَ خُلُقِهِ مَعَهَا وَ اسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَ تَوْسِيعَتُهُ عَلَيْهَا؛ شوهر، در رابطه با همسرش، از سه چیز، بی نیاز نیست: سازگاری با او، تا بدین وسیله، سازگاری و محبت و عشق او را به خود جلب کند؛ خوش خوئی با او، و دلبری از او، با آراستن خود در چشم وی؛ و فراهم آوردن گشایش در زندگی او.»^{۲۹} دل مادر را دائم به دست بیاورد. زبان شاکرانه داشته باشد. شیک پوش باشد گشاده دست باشد.

- مامان باید فضا را طوری در خانه مهیا کند که بچه تا بابا را دید رو پا بایستد! و از آن طرف بابا بگوید دست مامانت رل ببوس! نقش ها رو قاطی نکنیم! مرد پادشاه هست زن ملکه! مامان باید غرور پدر را حفظ

^{۲۹}. تحف العقول، ص ۳۲۳.

«نیاز به حامی»

کند در خانه؛ به بچه بگوید اگر بابا گفت نه اصرار نکنی ها! پشت صحنه بچه ها را آماده کنید بچه ها مرد بار می آیند. وگرنه پسرها موجودات لوٲ و تُتری می شوند.

- اگر چنین محیط تربیتی مبتنی بر آرامش شکل گرفت و این دو نشکستن ها اتفاق نیفتاد. شما مثل آب خوردن می توانی فرزند تربیت کنید. . مقام معظم رهبری به زیبایی این مشکل را حل می کنند ایشان می فرمایند: «بعضی ها می گویند که شما می گوئید فرزند زیاد [داشته باشید]، خب اگر [فرزندان] زیاد شدند در خانه، تربیتشان نمی توانیم بکنیم؛ این حرف غلط است. تربیت فرزندان، تربیت تک تک فرزندان نیست، تربیت محیط خانواده است. محیط خانواده که خوب بود، چه بچه یکی باشد چه پنج تا باشد، فرقی نمی کند، خوب تربیت می شوند. به طور طبیعی، به طور غالب خوب تربیت می شوند» (۹۵،۹،۱۵) اگر محیط تربیتی مناسبی فراهم شود در چنین محیطی می شود چند فرزند را بدون دغدغه تربیت کرد. این محیط در تربیت یک اصالت دارد. در محیط تربیتی باید آرامش برقرار باشد نه آشوب. راه حلش هم همان دو نشکستن هست. به دیوار منزل بزنیم مادران غرور مردان را نشکنید پدران دل مادران را نشکنید.

«نیاز به حامی»

مسئولیت چه کسی برای حفظ آرامش بیشتر هست؟

- مرد یا زن چه کسی بیشتر مسئولیت برای حفظ آرامش در خانه دارد؟ زن و مرد هرکدام در این زمینه نقش‌هایی دارند، ولی خانم‌ها از قدرت روحی بیشتری برخوردار هستند! آقایان یک مقدار بیشتر قاطی هستند، درگیر کارند، حواس‌شان بالاخره زیاد نیست، خانم‌ها می‌توانند نقشه بکشند، طراحی و بازی‌گری کنند، این قدرت را خدا به زن داده! قدرت‌هایی خدا به خانم‌ها داده، بیشتر از آقایان در تنظیم روابط خانواده. به دلیل این قدرت بیشتر مسئولیت بیشتری دارند.

فاطمه س بزرگ‌ترین حامی ولایت

- فاطمه س چه در نقش همسری چه در نقش شیعه برای امامش، بهترین حامی و بزرگ‌ترین حامی بود. پیامبر پرسید علی جان همسرت را چگونه همسری دیدی؟ حضرت فرمود بهترین حامی برای طاعت خدا فاطمه جان همسرت را چگونه همسری دیدی؟ حضرت فرمود بهترین همسر. فاطمه خوب حامی هست برای علی در طاعت خدا. لذا هیچ

^{۳۰} « المناقب لابن شهر آشوب: سَأَلَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ؟ قَالَ: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ. وَ سَأَلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَتْ: خَيْرُ بَعْلِ. »

«نیاز به حامی»

وقت فاطمه س از نداری های خانه ای علی گلابه نکرد. امیرالمومنین پیوسته در جهاد و مبارزه بودند زندگی جهادی داشتند. اما یکبار لب به شکایت باز نکرد گاهی سه روز در خانه چیزی نبود. امام علی گلابه می کرد فاطمه جان چرا به من نگفتی؟ فاطمه قرار هست حامی علی در راه خدا باشد.

• چه حمایت گر خوبی هست فاطمه چه حمایت گر خوبی هست علی بن ابی طالب. در جریان هجرت پیامبر به مدینه امام علی ع ماموریت پیدا کرد مادرش و یک خانم دیگر و حضرت زهرا را به عنوان دختر رسول الله به مدینه بیاورد در راه راه زن ها و کسانی که دنبال پیامبر بودند جلوی این کاروان را گرفتند حضرت امیر دفاع جانانه ای کرد از فاطمه زهرا س چه حامی هست علی! ^{۳۱}حتما دل فاطمه در این صحنه

۳۱ «خَرَجَ عَلِيٌّ (ع) بِفَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ بْنِ هَاشِمٍ، وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ الزُّبَيْرِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ - وَ قَدْ قِيلَ هِيَ ضِبَاعَةٌ - وَ تَبِعَهُمْ أَيْمَنُ ابْنُ أُمِّ أَيْمَنٍ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ أَبُو وَقْدٍ رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَجَعَلَ يَسُوقُ بِالرَّوْحِلِ فَأَعْتَفَ بِهِمْ، فَقَالَ عَلِيٌّ (ع): أَرْفُقْ بِاللَّسْوَةِ يَا أَبَا وَقْدٍ، إِنَّهُنَّ مِنَ الضَّعَائِفِ. قَالَ: إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُدْرِكَنَا الطَّالِبُ - أَوْ قَالَ: الطَّلَبُ - فَقَالَ عَلِيٌّ (ع): أَرْبِعْ عَلَيَّكَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لِي: يَا عَلِيُّ، إِنَّهُمْ لَنْ يَصِلُوا مِنِ الْآنَ إِلَيْكَ بِمَا تَكْرَهُهُ. ثُمَّ جَعَلَ - يَعْنِي عَلِيًّا (ع) - يَسُوقُ بِهِنَّ سَوْقًا رَفِيقًا وَ هُوَ يَرْتَجِزُ وَ يَقُولُ:

لَيْسَ إِلَّا اللَّهُ فَارْفَعْ ظَنِّكَ يَكْفِيكَ رَبُّ النَّاسِ مَا أَمَّاكَ

«نیاز به حامی»

نلزید شاید حضرت پیش خودش می گفت کسی که حامی مثل علی دارد چه باک از این طوفان ها دارد. علی هم به عشق فاطمه زره اش را فروخت گفت کسی که حامی مثل فاطمه دارد چه نیازی به زره دارد. نفس فاطمه نگاه فاطمه وان یکاد فاطمه پشت سر علی هست.

• بمیریم چشم حسودان کور باد ندیدند این زوج آسمانی چند بهار بیشتر طول نکشید. علی جان زره ات را برای مهر فاطمه فروختی جبران می

و سَارَ فَلَمَّا شَارَفَ ضَجْنَانَ أَدْرَكَهُ الطَّلَبُ، وَ عَدَدَهُمْ سَبْعَةٌ فَوَارِسٍ مِنْ قُرَيْشٍ مُسْتَلْتَمِينَ، وَ نَامَتْهُمْ مَوَلِيٌّ لِحَرْبِ بْنِ أُمِيَّةٍ يُدْعَى جَنَاحًا، فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ (ع) عَلِيَّ أَيْمَنَ وَ أَبِي وَاقِدٍ، وَ قَدْ تَرَاءَى الْقَوْمُ، فَقَالَ لَهُمَا: أُنِيخَا الْإِبِلَ وَ اعْقَلَاهَا، وَ تَقَدَّمَ حَتَّى أَنْزَلَ النَّسْوَةَ، وَ دَنَا الْقَوْمُ فَاسْتَقْبَلَهُمْ (ع) مُنْتَضِبًا سَيْفَهُ، فَأَقْبَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا: أَ ظَنَنْتَ أَنْكَ يَا عُدْرَ نَاجٍ بِالنَّسْوَةِ! ارْجِعْ لَأَبَا لَكَ. قَالَ: فَإِنْ لَمْ أَفْعَلْ قَالُوا: لَتَرْجِعَنَّ رَاغِمًا، أَوْ لَتَرْجِعَنَّ بِأَكْثَرِكِ شِعْرًا وَ أَهْوَنُ بِكَ مِنْ هَالِكِ، وَ دَنَا الْفَوَارِسُ مِنَ النَّسْوَةِ وَ الْمُطَايَا لِيُثَوِّرُوهَا، فَحَالَ عَلِيٌّ (ع) بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَهَا، فَاهْوَى لَهُ جَنَاحَ بَسِيْفِهِ، فَرَأَخَ عَلِيٌّ (ع) عَنْ ضَرْبَتِهِ وَ تَخْتَلَّهُ عَلِيٌّ (ع) فَضْرَبَهُ عَلِيٌّ عَاتِقَهُ، فَاسْرَعَ السَّيْفُ مُضِيًّا فِيهِ حَتَّى مَسَّ كَاتِبَةَ فَرَسِهِ، فَكَانَ (ع) يَشُدُّ عَلَى قَدَمِهِ شِدًّا الْفَرَسِ، أَوْ الْفَارِسِ عَلَى فَرَسِهِ، فَشَدَّ عَلَيْهِمْ بَسِيْفَهُ وَ هُوَ يَقُولُ:

خَلُّوا سَبِيلَ الْجَاهِدِ الْمُجَاهِدِ آلَيْتُ لَأَعْبُدُ غَيْرَ الْوَاحِدِ

فَصَدَّعَ عَنْهُ الْقَوْمُ وَ قَالُوا لَهُ: أَعْنِ عَنَّا نَفْسَكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ. قَالَ: فَإِنِّي مُنْطَلِقٌ إِلَى ابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِيَثْرِبَ، فَمَنْ سَرَهُ أَنْ أَفْرَى لِحْمِهِ وَ أُرِيْقَ دَمَهُ فَلْيَتَعَقِبْنِي أَوْ فَلْيَدِنْ مِنِّي. ثُمَّ أَقْبَلَ عَلِيٌّ صَاحِبِيهِ أَيْمَنَ وَ أَبِي وَاقِدٍ فَقَالَ لَهُمَا: أَطْلَقْنَا مُطَايَاكُمَا.

ثُمَّ سَارَ ظَاهِرًا قَاهِرًا حَتَّى نَزَلَ ضَجْنَانَ، فَتَلَوْمَ بِهَا قَدْرَ يَوْمِهِ وَ لَيْلَتِهِ «(امالی طوسی، ص ۴۷۱)

«نیاز به حامی»

کنم. فاطمه حامی تو هست. پشت در پهلوی فاطمه. میانه کوچه صورت فاطمه. همه جا فاطمه س حامی بود.

جلسه دوم: حمایتی های تربیتی پدر و مادر از فرزند

پیام: نقش پدر و مادر در «تقویت اعتماد به نفس و استقلال روحی» فرزندان

مدیریت افکار عمومی

- ما در جهانی زندگی می کنیم که همه می خواهند ما را «مدیریت» کنند. اصلا برای مدیریت من و شما علم و دانش تولید کرده اند به نام «مدیریت افکار عمومی». چگونه می شود افکار را کنترل کرد. چه کار

«نیاز به حامی»

کنم آن طور که من دلم می خواهد طرف مقابل فکر کند. فراتر از مدیریت افکار عمومی، علمی را تولید کرده اند به نام «مدیریت راهبردی» بعد طراحی کرده اند موضوعی به نام «عملیات روانی». در این مدیریت راهبردی برای مدیریت افکار عمومی و عملیات روانی حرف اول و آخر را رسانه می زند. رسانه یکی از مهم ترین ابزارها برای مدیریت افکار و عملیات روانی هست. همه اینها یک هدف بیشتر ندارند و آن تاثیر گذاری بر روی علاقه ها و عقاید و عمل انسان هست. و چقدر سخت هست که پای فیلم و سریالی، شبکه اجتماعی بنشیننی و تاثیر پذیری یا این تاثیر پذیری ها را تو متوجه بشوی و مدیریت کنی و بگویی این تاثیر را می پذیریم یا این تاثیر را نمی پذیریم. و ما معمولا این تاثیرات را چه خوب چه بد می پذیریم؛ ؟ چون ما معمولا منفعل و تاثیر پذیر زندگی می کنیم.

• هنر، هنرش این هست که با جاذبه اش با بسیاری از جذابیت های سمعی و بصری تو را مسحور خودش می کند بعد آن خوراک فکری خودش را به خوردت می دهد. زینتش می کند. امام حسن ع فرمود: «عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيَجْنُبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ؛ در شگفتم از کسی که درباره

«نیاز به حامی»

خوراک جسم خود می‌اندیشد چگونه درباره خوراک فکر خود نمی‌اندیشد؟ شکمش را از آنچه زیانبار است پرهیز می‌دهد، اما در سینه خود چیزهایی می‌سپارد که مایه نابودیش می‌شود.^{۳۲} خوراک فکری ات را چه کسی با چه انگیزه ای برای تو تهیه می‌کند؟ شما وقتی رستوران تشریف می‌بری، قبل از اینکه غذا را میل کنی اول غذا رو نگاه می‌کنی بررسی می‌کنی، چه اتفاقی می‌افتد که به خوراک فکری ات می‌رسی از دم می‌خوری. اگر دهان شما محل دریافت خوراک جسم تو هست. چشم و گوش شما، محل دریافت خوراک شما هست و از آنجا تغذیه می‌شوی.

● رسانه دیداری و رسانه شنیداری در نهایت تو را بی‌اراده می‌کند. این بی‌ارادگی در ادبیات دینی ما نامش می‌شود عبد؛ متنها با دو رویکرد یکی عبد الله و دیگری عبدشيطان. فرمود: «مَنْ أَصْعَىٰ إِلَىٰ نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ؛ هر که به گوینده‌ای گوش سپارد، او را بندگی کرده است؛ اگر آن گوینده از خداوند عزوجل بگوید

۳۲. الدعوات، ص ۱۴۴.

«نیاز به حامی»

شنونده خدا را عبادت کرده و اگر از طرف شیطان بگوید شیطان را عبادت کرده باشد.^{۳۳} گاهی کنترل خودت را دست خدا می دهی گاهی کنترل خودت را دست دشمن خدا می دهی. اگر کنترل خودت را دست خدا دادی او تو را به مقصد می رساند اما اگر کنترل خودت را به دست شیطان دادی او تو را به هلاکت می رساند.

- ما برای اینکه بتوانیم در عملیات روانی و مدیریت افکار عمومی دچار آسیب فکری معرفتی، آسیب احساسی و آسیب رفتاری نشویم به عنوان سه حوزه وجودی خودمان باید با شیوه های عملیات روانی دشمن و فنون مدیریت افکار عمومی آشنا باشیم. ما در مدارس احساس ضرورت می کنیم جغرافیا، ریاضی و ... آموزش می دهیم ولی نمی دانم کجا و کی می خواهیم سواد رسانه را فرا بگیریم.

از بین بردن حس خودباوری و اعتماد به نفس، اصلی ترین عملیات روانی دشمن

- یکی از اصلی ترین عملیات های روانی دشمن، برای مدیریت ما، این هست که می آید احساس خودباوری و اعتماد به نفس را از ما می

۳۳. کافی، ج ۶، ص ۴۳۴.

«نیاز به حامی»

گیرد. اگر شما از یک فرد یا جامعه اعتماد به نفس را بگیری. در واقع او را از نظر روانی خلع سلاح کردی. یک اسیر به تمام معناست. هر بلایی می توانی سر آن جامعه بیاوری. منافعش را بگیری مقاصد خودت را پیش ببری.

- البته ما در ادبیات دینی چیزی به نام اعتماد به نفس نداریم بلکه همه جا اعتماد به خدا داریم. علامه طباطبایی می فرماید: «فضیلت آن چیزی است که خدای تعالی آن را فضیلت بداند، پس این که غربیها می گویند آدمی باید اعتماد به نفس داشته باشد، و بعضی از نویسندگان ما نیز دنبال آنان را گرفته اند حرف درستی نیست، چون دین خدا چنین چیزی را به عنوان فضیلت نمی شناسد، و مذاق قرآن کریم نیز آنچه خدای تعالی در قرآن کریمش فضیلت دانسته اعتماد به خدا و افتخار به بندگی او است»

معنای درست معنای اعتماد به نفس: باور توأمندی ها و توانایی ها

- اما منظور ما از اعتماد به نفس اینجا به این معنا هست که شما باور کنی استعدادها و توانایی های خدادادی خودت را. بنابراین ریشه عدم اعتماد به نفس، احساس ضعف هست. خدا به هرکسی استعدادهایی

«نیاز به حامی»

عنایت کرده است. بعضی ها کافر به استعدادهای خودشان هستند. کفر یعنی منکر توانمندی های بالفعل و بالقوه خودشان هستند.

- هیچ کسی حق ندارد خودش را تحقیر کند. تو برای خودت کسی هست. تو چرا فکر می کنی کسی نیست. شما طلای ناب هستید نقره ناب هستید. این تعبیر امام صادق ع هست به عنوان شخصیتی که مردم شناس هست حضرت فرمود: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ»^{۳۴}. دین می آید استعدادهای شما را کشف می کند. دین برنامه ای است برای شکوفا شدن استعدادها. در شهرها دیده اید باشگاه های معروف می گویند ما مدرسه فوتبال داریم؟ استعداد یابی می کنیم برای تیم خودمان. دین همان باشگاهی هست که هر کسی در آن ثبت نام کند استعدادیابی می شود. استعدادهای او به شکوفایی می رسد.

- دین از عمار و مقدادی که در آن جامعه جایگاه اجتماعی ندارند، عمار و مقدار می سازد. شما می بینید مسلمان به سرعت قله های علمی جهان را فتح می کنند و پایه گذار تمدن در نیمی از جهان می شوند. همین الان با همة موانعی که بر سر راه ما وجود دارد ما در هسته ای

۳۴. کافی، ج ۸، ص ۱۷۷.

«نیاز به حامی»

به کجا رسیدیم؟ وقتی غربی‌ها متوجه چنین توانمندی در ما شدند اول انکار کردند اما بعد شگفت زده شدند. چطور شما با این همه موانع به این نقطه رسیدید؟

- آدمی یا ملتی که اعتماد به نفس نداشت خودش را باور نداشت توانمندی‌های خودش را منکر شد، می‌شود موجودی وابسته. و این وابستگی ریشه در عدم اعتماد به نفس دارد. امام خمینی ره می‌فرماید: «اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیایم، همه وابستگی‌ها تمام می‌شود. اینکه ما وابسته شدیم، در اقتصاد وابسته هستیم، در- عرض می‌کنم که- فرهنگ وابسته هستیم، در همه چیز وابسته هستیم، مبدأ این همین است که در فکر وابسته هستیم.» (۲۸ شهریور ۱۳۵۸). ببینید امام ره چقدر دقیق چینش کردند. فرمودند وابستگی فرهنگی، وابستگی اقتصادی ریشه در وابستگی فکری دارد. دشمن قبل از اینکه کشوری را از نظر فرهنگی یا اقتصادی وابسته کند اول می‌رود سراغ وابستگی فکری. اما در تمدن حسین ما وابستگی نداریم، روی پا ایستادن داریم.
- مگر به این سادگی می‌توان از وابستگی نجات پیدا کنیم؟ باید از پایه شروع کنیم یعنی مدرسه، خانه. سیاست مدارن هم به عنوان مربیان جامعه، در اینکه به یک جامعه احساس خودباوری یا احساس

«نیاز به حامی»

وابستگی بدهند به شدت موثر هستند. امام علی ع فرمود: «مردم به حاکمان خودشان شبیه تر هستند تا به پدرانشان؛ النَّاسُ بِأُمَّرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»^{۳۵} این شباهت، شباهت تربیتی هست. امام ره و مقام معظم رهبری در طول این چهلۀ انقلاب سرخطی که به جامعه دادند «ما می توانیم» بود. البته برخی از سیاسیون هم مرتب گفتند ما نمی توانیم. با این باور، مقابل بسیاری از توانایی های ما ایستادند لذا شما می بینید ما در صنایع دفاعی حرف اول را در منطقه می زنیم. اما در صنعت خودرو لنگ پراید هستیم.

- شما می دانید ما از کجا به ساخت موشک رسیدیم؟ باورتان نمی شود ولی این طوری هست که پدر موشکی ایران ورودی سال ۷۷ رشته مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف بود. از سال سوم به دنبال فعالیت های پژوهشی بود. یک روز آمده بود توی اتاق و گفت "پاشو بریم یه چیزی نشونت بدم". یک ماهی تابه برداشت و رفتیم توی حیاط خوابگاه. دست کرد توی جیبش و یک پاکت آورد بیرون. ماده خمیری مانند سفیدی را انداخت توی ماهی تابه. کبریت بهش زد و گفت «در

^{۳۵}. تحف العقول، ص ۲۰۸.

«نیاز به حامی»

رو!». دویدیم پشت درخت‌ها. چند ثانیه بعد یک دفعه ماهی تابه گر گرفت. مثل فشفشه این طرف و آن طرف می‌رفت. آتش که تمام شد، رفتیم سر وقت قابلمه. قدر یک کف دست سوراخ شده بود. مصطفی از اینترنت یک جور سوخت موشک را پیدا کرده بود؛ داشت درصد مواد را آزمایش می‌کرد. ما ساخت موشک را از ماهی تابه شروع کردیم.^{۳۶} این فرق ما می‌توانیم با فرق ما نمی‌توانیم هست.

حمایت‌های روحی و روانی: حفظ و تقویت استقلال روحی

- یکی از حمایت‌هایی که در خانواده، فرزندان دریافت می‌کنند. حمایت‌های روحی و روانی هست. پدرها و مادرها باید به گونه‌ای برخورد کنند که بچه‌ها روی پای خودشان بایستند خصوصاً از سن ۱۴ سال تا ۲۱ سال؛ فرآیند شکل‌گیری استقلال روحی هست البته قبلاً هم یه جاهایی اشکال ندارد
- یکی از جملاتی که به عنوان ذکر ورد زبان پدران محترم لازم هست همیشه سر زبانش باش این هست دخترم پسر م «خودت باش!» گلم

^{۳۶} ساییت ابر و باد، خاطرات شه‌ءاء - <http://www.abrobad.net/fa>

«نیاز به حامی»

جانم «خودت باش!». خیلی بچه های با کلاسی تربیت خواهند کرد؛ پدر و مادرهای باکلاسی دارند اگر این جمله طلایی را بچه ها از بچگی در ذهنش یادداشت کرده باشند و یادگاری شده باشد! وقتی از او می پرسی ماشاء الله چقدر شما استقلال روحی داری آره یادش بخیر! پدرم همیشه به من می گفت «خودت باش!» به به! دیدی بعضی از این آدم های موفق را تو بعضی برنامه ها می آورند. ای کاش از این طور آدم ها هم دعوت کنند وقتی از او می پرسند راستی راز موفقیت تو چی بود؟ بگوید پدرم همیشه می گفت خودت باش!^{۲۷}

- اگرچه بچه ها در آغاز زندگی به شدت علاقه دارند تقلید کنند؛ اما از یک جای به بعد، دوست دارند دیگر تقلید نکنند؛ این فرآیند رشد بچه های ماست. از این نقطه حساس که بچه دوست دارد مستقل باشه؛ مادر باید خیلی حواس جمع باشد! مبادا به گونه ای رفتار کند! که مانع استقلال روحی بچه هاش بشود!

^{۲۷} علیرضا پناهیان، مهدیه تهران-اصول تزکیه-۲.

«نیاز به حامی»

- دیدید بعضی بچه ها دوست دارند کارهای بزرگ های را انجام بدهند ماما باید اجازه بدهد بلکه فرصت و زمینه تولد و بروز چنین حسی را فراهم کن! مثلا بگویند دخترم یا پسرم بیا تو ماشاء الله بزرگ شدی بیا این کار را به تو می سپرم! بچه اولش شاید امتناع کند! ماما آخه من! نه عزیزم تو بسم الله را بگو من کمکت می کنم خودت راه بیفتی!
- متاسفانه بعضی از مادران دقیقا برعکس عمل می کنند نه تنها به بچه فرصت تمرین استقلال روحی نمی دهند! بلکه مانع شکل گیری استقلال روحی در فرزندان خودشان می شوند. به اصطلاح خودمان بچه ننه بار می آورند! تا بچه کاری می خواهد خودش انجام بدهد می گویند نه تو هنوز بچه هستی! در واقع تیشه به ریشه شخصیت بچه اش می زند؛ بعضی ها می گویند آتش زدم به مالم! بعضی از مادرها آتش می زنند به شخصیت بچه هایشان.

پیامدهای عدم استقلال روحی

- پایه بسیاری از خوب شدن ها و بد شدن ها همین استقلال روحی داشتن یا نداشتن است؛ بله مسئله این هست. آدم ها اکثرا اسیر موج

«نیاز به حامی»

های اجتماعی هستند؛ آدم هایی که استقلال روحی ندارند در فتنه ها، به هم دیگر نگاه می کنند.

- فاطمة زهرا(س) دست بچه هایش را گرفت و چهل روز در خانه مهاجرین و انصار را زد که بیایید من را کمک کنید؟ (حَمَلَهَا فاطمه) عَلِيٌّ عَلِيٌّ أَتَانِ عَلَيْهِ كِسَاءٌ لَهُ خَمَلٌ فَدَارَ بِهَا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فِي بُيُوتِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَ مَعَهَا وَ هِيَ تَقُولُ يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ انصُرُوا اللَّهَ فَإِنِّي ابنة نبيكم و قد بايعتم رسول الله ص يوم بايعتموه أن تمنعوه و ذريته مما تمنعون منه أنفسكم و ذراريتكم ففؤا لرسول الله ص ببيعتكم! فاطمة زهرا(س) می آمد و این گونه می فرمود: «يا معشر المهاجرين و الأنصار انصروا الله» خدا را کمک کنید «فإني ابنة نبيكم» من دختر پیغمبر شما هستم! «و قد بايعتم رسول الله ص» شما با پیغمبر خدا بیعت کرده اید! شما قرار گذاشته اید از بچه هایش دفاع کنید! یک کمی جلوتر نوشته «فما أعانها أحدٌ و لا أجايبها و لا نصرها» هیچ کس به فاطمه جواب نداد! هیچ کس به فاطمه کمک نکرد! یک نفر به فاطمه(س) جواب داد. او می گوید: برگشتم و

^{۳۸}. اختصاص مفید، ۱۸۴.

«نیاز به حامی»

پرسیدم یا فاطمه «فَمَعِيَ غَيْرِي؟» آیا با من کسی دیگر هم هست تو را کمک کند؟ فاطمه زهرا(س) فرمود: «لَا مَا أَجَابَنِي أَحَدٌ» هیچ‌کس تا حالا به من جواب نداده است! برای کمک کردن به فاطمه زهرا س نگاه کردن به دیگران آیا دیگران فاطمه را کمک کرده اند؟ بعد برگشت گفت دیگران که کمک نکرده اند من چه کاری از دستم بر می آید؟ از این تیپ آدم ها در مدینه بودند. آدم های که استقلال روحی نداشتند.

• آدمی از این موج های کوبنده و نابود کننده منحرف کننده، نجات پیدا می کنند که در خانه بزرگ شدند که خیلی تمرین کردن مشق کردند خودت باش. دهن بین نباش! . نگو من یکی از اینها هستم بگو من فرق می کنم. امام کاظم (ع) می فرماید: «لَا تَكُونَنَّ إِمْعَةً قُلْتُ وَ مَا الْإِمْعَةُ قَالَ تَقُولُ أَنَا مَعَ النَّاسِ وَ أَنَا كَوَاحِدٍ مِنَ النَّاسِ»^۳ امعه نباشید؛ یعنی نگویند من هم یکی از مردم و مثل مردم هستم. نباید هر کاری که مردم کردند شما هم انجام دهید. ممکن است مردم اشتباه بکنند. نگو: «همه مردم این طوری عمل می کنند، پس من هم این طوری عمل می کنم!» مستقل باش، خودت باش!

۳۹. الاختصاص، ص ۳۴۳.

«نیاز به حامی»

- «إمعة» یعنی هرکسی هر کاری می‌کند، تو هم همان کار را بکنی! یک‌کمی فکر کن. شاید دیگران عقل‌شان نرسد خیلی کارها را بکنند، تو خودت باش! چقدر لذت دارد که آدم، خودش باشد و ابتکار عمل داشته باشد. خانواده‌ها در بعضی موارد - که رفتار مردم، درست نیست - خلاف مردم رفتار کنند تا استقلال را به بچه‌ها آموزش بدهند. بعضی کارهایی که مردم انجام می‌دهند، بیهوده است.

- چرا ما این قدر بر ولایت تأکید می‌کنیم؟ چون مهم‌ترین کارکرد ولایت، درست‌کردن آدم‌های مستقل است؛ آدم‌هایی که جلوی کسی خم نشوند و تحت تأثیر کسی قرار نگیرند و وقتی دیدند یک‌کاری را باید انجام بدهند، آن را انجام دهند و به حرف این و آن، نگاه نکنند. اگر به حق انتخاب خودت اعتنا کنی و خوب بررسی کنی، خداوند کمک می‌کند که اشتباه نکنی و اگر هم اشتباه کردی، خدا جبران می‌کند. عمار بعد از جنگ جمل، گفت: دیدید که خدا حق را پیروز کرد؟ برخی به او گفتند: چون علی پیروز شده است، از او طرفداری می‌کنی! عمار گفت: اگر علی یک طرف و همه مردم دنیا مقابلش باشند، اگر علی شکست بخورد یا پیروز بشود، اگر علی غریب باشد یا در اوج فتح و پیروزی باشد،

«نیاز به حامی»

من با علی خواهم بود... یعنی من کسی نیستم که تحت تأثیر جو، در کنار علی (ع) قرار گرفته باشم!

معنای خودت باش!

- پدران و مادران محترم وقتی شما به فرزندت مرتب می گویی: «خودت باش» یعنی تحت تأثیر حرف دیگران، نگاه دیگران قرار نگیری! مسخره کردن دیگران روی تو تأثیر نگذارد آمار گرفتند اکثر دخترهایی که حجاب رو می گذارند کنار چرا شما کنار می گذارید؟ گفتند تحت تأثیر حرف و نگاه دیگران! معلوم می شود مادر در این خانه مهارت استقلال روحی را با فرزندش تمرین نکرده است. از ترس سرزنش. وای خدای من. اگر دیدی اکثر مردم راه غلط را انتخاب کردند و تو در واقع داری خلاف مسیر زندگی آنها زندگی می کنی نترس! اگر مردم یک سبک زندگی غلط انتخاب کردند تو انتخاب نکن.

^{۴۰} علیرضا پناهیان، ارزش حق انتخاب، جلسه سوم،

<http://panahian.ir/post/?gsc.tab=۵۳۸۳#http://panahian.ir/post/>

«نیاز به حامی»

- خانم شهید محمد علی رهنمون نقل می کند که شنیده بودیم نماز جماعت و اول وقت برایش اهمیت دارد، ولی فکر نمی کردیم این قدر مصمم باشد! صدای اذان که بلند شد، همه را بلند کرد؛ انگار نه انگار عروسی است، آن هم عروسی خودش! یکی را فرستاد جلو، بقیه هم پشت سرش، نماز جماعتی شد به یاد ماندنی.

چند روش برای تقویت اعتماد به نفس و استقلال روحی فرزندان

روش اول: «تشویق و تنبیه فوری و معین ممنوع»

- برای تقویت روحیه اعتماد به نفس و استقلال روحی فرزندان، چند روش را پیشنهاد می کنیم. یکی اینکه بیاید تصمیم بگیرید که بچه را وابسته به تشویق و تنبیه نکنید. چون یکی از معنای خودت باش و مستقل بودن این هست که بچه ها تحت تاثیر تشویق و تنبیه قرار نگیرند. بعضی ها گدای تشویق دیگران هستند! خواهش می کنم تا جایی که ممکن دارد، بچه ها را مادران محترم، تشویق و تنبیه فوری نکنند. تا یک کاری خوبی کرد نگو آفرین بچه من! این بچه خلاقیت را از دست می دهد. شما کلا به بچه هایت مهربانی کن نه به دلیل کار

«نیاز به حامی»

خوبی که انجام داد. محبت را کپی نکنیم! کلا محبت کنیم؛ تشویق فوری؛ به استقلال روحی بچه ها ضربه می زند. بعدا که بزرگ شد می گوید چی کار کنم که هزار نفر برای من کف و سوت بزنند!

- تشویق و تنبیه فوری و معین استقلال روحی او را از بین می برد؛ شخصیت بچه خراب می شود. حضرت فرمود: «اگر از تو تعریف کردند خوشحال نشو و اگر تو را سرزنش کردند ناراحت نشو بعد فرمود اگر همه مردم شهر تو بگویند خوب هستی خوشحال بشوی یا همه بگویند تو بد هستی تو ناراحت بشوی تو از دوستان ما نیستی؛ إِنَّ مَدِحَّتَ فَلَا تَفْرَحُ وَإِنْ ذُمِّمْتَ فَلَا تَجْزَعُ وَاعْلَمْ بِأَنَّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيًّا حَتَّىٰ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ مِصْرِكَ وَقَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ سَوَاءٌ لَمْ يَحْزُنْكَ ذَلِكَ وَ لَوْ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَمْ يَسُرَّكَ ذَلِكَ.» (تحف العقول، ۲۸۴). بچه که شرطی بار آمده است. اگر این کار خوب را انجام بدهی تشویقت می کنم، اگر این کار بد را انجام بدهی تو را تنبیه می کنم، دائم تحت تأثیر تشویق و تنبیه قرارگرفته، نمی تواند از تعریف دیگران خوشحال نشود، از اخم

«نیاز به حامی»

دیگران ناراحت نشود. بلکه تشویق و تنبیه داریم اما غیر معین در ابهام و فوری هم نباشد. یکی در میان بگذریم.^{۴۱}

- در خاطرات فرزندان امام هست که امام کلاً خیلی کم تنبیه می‌کرد اما روی موضوع حق الناس خیلی حساس بود. حاج احمد آقا می‌گوید: «ما کودک بودیم و گاهی شیطننت می‌کردیم و با بچه‌ها به دکان مردم می‌رفتیم و سبدی را می‌انداختیم و فرار می‌کردیم. تا اینکه یک روز مغازه‌دار جلوی آقا را گرفت و از من شکایت کرد. آقا که از این رفتار من ناراحت شده بود، وقتی وارد خانه شد، مرا صدا کرد و گفت: این چه کاری بود که کردی؟ من که ترسیده بودم، نگاهی کردم و سرم را به زیر انداختم. آقا گفت: صبر کن من بروم لباسم را دریاورم آن وقت تو را می‌زنم و من همان جا ایستادم. لباس را درآوردند و گفتند: صبر کن بروم دست و رویم را بشویم تا بیایم تو را بزنم و من همان جا ایستادم... بالاخره کتک خوردم چون هر چه آقا به من فرصت دادند، متوجه نشدم

^{۴۱} علی‌رضا پناهیان، تقوا طرحی برای اداره جامعه،

[.gsc.t=۴۸۴۴#ht t p://panahian.ir/post/](http://panahian.ir/post/?gsc.t=۴۸۴۴#ht t p://panahian.ir/post/)

«نیاز به حامی»

و همان‌جا ایستادم.» (پدر مهربان، ص ۱۰۷) امام فرصت می‌دهد. تنبیه فوری نمی‌کند. آخرش هم تنبیه می‌کند اما با تأخیر!

- مدرسه‌ای که بچه‌ها را منفعل بار بیاورند. اسیر نمره و حضور و غیاب و تشویق و تنبیه کنند، استقلال روحی بچه‌ها را نابود کرده‌اند. دختر امام می‌گوید که امام به ما می‌فرمود: «شما مدرک نخواهید، دنبال مدرک نروید، شما علم را به خاطر علم بودنش نخواهید نه به خاطر اینکه بروید حالا یک ورقه و کاغذی بنویسند، دست شما بدهند و بگویند شما این‌قدر خواندید ولی شما بی‌سواد باشید، آن به درد نمی‌خورد، شما علم را به خاطر علم بودنش نخواهید، این همه کتاب هست، بروید بخوانید، این همه مطالعات آزاد.»^{۲۲}

- گاهی بچه‌های ما اینقدر خودشان نیستند، که خوشبختی خودشان را بر لبخند دیگران استوار هست. بدبختی شان به اخم و تخم دیگران وابسته است. بعضی‌ها اینقدر خودشون نیستند، سعی می‌کنند همیشه شبیه دیگران باشند. نه متفاوت باش! مادرهای محترم همیشه به فرزندان بگویند متفاوت باش! تیب می‌زند تا متفاوت باشد! بگو تیب

^{۲۲}. پدر مهربان، ص ۱۲۵.

«نیاز به حامی»

بزن ولی تقلید نکن از فلان بازیکن یا بازیگر! خودت باش! بازیگر نباش! متفاوت هم می خواهی باشی باش! فقط یادت باشد خودت باش!

• برایت مهم نباشد دیگران تو را تشویق می کنند یا تمسخر! مگر فرقی می کند! « یونس یکی از اصحاب امام رضا(ع) بود. گروهی از مردم بصره که تقریباً همشهری‌های ایشان بودند، آمدند؛ آن وقت یونس برگشت گفت آقا! اینها من را اذیت می کنند، خیلی حرف به من می زنند. آقا فرمود تو برو توی اتاق. یونس رفت توی اتاق. آنها آمدند اتفاقاً شروع کردند از یونس بدگویی کردن. امام رضا(ع) هم حالا سکوت کردند، زیاد نمی شد با آنها حرف بزنند، آنها خیلی ضعیف تر بودند نسبت به یونس، درک نمی کردند. بعد از اینکه رفتند، یونس آمد با یک داغ دلی گفت: «آقا! یا امام رضا! دیدید اینها چه کار می کنند؟ چقدر حرف به من می زنند؟ حرف های بی ربط، مثلاً من این جور نیستم ها!» امام رضا(ع) جمله ای فرمودند، چقدر زیباست این جمله، اینها مقاومت انسان را در مقابل مذمت ها افزایش می دهد. فرمود: «يَا يُونُسُ فَمَا

«نیاز به حامی»

عَلَيْكَ مِمَّا يَقُولُونَ إِذَا كَانَ إِمَامُكَ عَنْكَ رَاضِيًا؟^{۴۲} یعنی یعنی چه اشکالی دارد، که حالا چهارتا حرف نامربوط به تو می‌زنند، وقتی امامت از تو راضی است، دیگر حالا هرچه می‌خواهند بگویند، بگذار بگویند. برو راحت زندگی کن! خودت را خلاص کن! خیلی خوب هست به این قدرت برسی! تحت تاثیر دیگران نباش! خودت حساب کن رفتارت درست هست یا نه!

- فرزند شما اگر استقلال روحی داشته باشد جو گیر محیط و فضا نمی‌شود. فضای مجازی، روی او تاثیر نمی‌گذارد بلکه او هست که روی فضای مجازی تاثیر گذار هست. مادرها شما خیلی موثر در شکل دهی استقلال روحی فرزندانان هستید؛ مادر صدتا لباس دارد باز به مناسبت می‌شود می‌گوید بروم یک لباس بخرم چرا مادر این لباس را پوشیدی؟! می‌گوید آن لباس های قبلی را که دیدند می‌خواهم یک لباس جدید! نه خودت باش! مادر! خودت را گم نکن! مادر اینها را به بچه ات یاد نده انگاری شما خیلی تحت تاثیر حرف و حدیث دیگران هستی داری به فرزندت منتقل می‌کنی!

^{۴۲}. رجال کشی، ج ۲، ص ۷۸۲.

«نیاز به حامی»

روش دوم: تحقیر نکردن؛ تحقیر قاتل خاموش حس اعتماد به نفس در فرزندان

- روش دوم برای افزایش خودباوری و اعتماد به نفس و استقلال روحی فرزندان این است که مادران و پدران محترم، بچه ها را تحقیر نکنند. مادر و پدری که بچه اش را تحقیر کرد در واقع اعتماد به نفس بچه را از او می گیرد. تا ضعفی در بچه ات دیدی بگو عیبی نداره تازه ما فهمیدیم تو این نقطه ضعف را داری حالا بیا من به تو کمک می کنم این نقطه ضعف برطرف شود. تا ضعفی دیدی دیگر آتیش نترس به نقاط قوتش و بگو تو از دم آدم نمی شوی. تو که بدرد نمی خوری. تحقیر کردن یعنی اصلی ترین سرمایه شخصیتی فرزند را نفت ریختی آتش زدی. یک حرف بی راه بزنی ای کاش بنزین می ریختی بچه ات را آتیش می زدی اما بنزین تحقیر نمی ریختی روی بچه ات شخصیتش را آتش بزنی. می خواهم بگویم چقدر تحقیر کردن بچه در سوزاندن شخصیت او بدتر از آتش زدن بچه هاست. تحقیر قاتل خاموش حس اعتماد به نفس در فرزندان هست.

- بچه ای که زیاد تحقیر شد کم کم در او بدترین بدی سر می زند یعنی تکبر. امام صادق ع فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لَذَلَّةٌ وَجَدَهَا

«نیاز به حامی»

فِي نَفْسِهِ ؛ هیچ مردی تکبر نمی ورزد یا زورگویی نمی کند مگر به خاطر احساس تحقیر و خاری که در وجودش احساس می کند»^{۴۴}.
این آقا پسر یا دختر خانم وقتی رفت منزل خودش، در ارتباط با همسرش می خواهد اثبات کند که بزرگ هست اما به شیوه غلط با زورگویی با تکبر.

روش سوم: سپردن مسئولیت

- روش سوم برای برای تقویت خودباوری و اعتماد به نفس این هست که ما باید به بچه ها اعتماد کنیم و به آنها مسئولیت بدهیم. ما خیلی دیر به بچه ها مسئولیت می دهیم، بچه مدرسه ای، نقطه مقابل بچه مسئولیت پذیر هست. مدارس ما محل واگذاری مسئولیت ها به بچه ها نیست. می گویم هنوز بچه هست در حالی که خداوند متعال فرمود من کسی که به سن ۱۸ سالگی می رسد با او مثل یک انسان کامل و رشد یافته برخورد می کنم. او را خیلی حساب می کنم. روی او خیلی حساب باز می کنم. توقع من خدا از او مثل توقع از یک مرد چهل ساله

^{۴۴}. کافی، ج ۲، ص ۳۱۲.

«نیاز به حامی»

و کامل هست. ۱۸^{۴۵} سالگی سن رشدیافتگی هست اما در خانه و جامعه ما دیر به فرزندانمان مسئولیت می دهیم و اصلاً نمی دانیم بنا داریم بچه ها را بی مسئولیت بار بیاوریم. بچه های که بی مسئولیت بار آمد اعتماد به نفس خودش را هم از دست می دهد. این مهم ترین آسیب هست. وقتی شما مسئولیت به بچه دادی او احساس می کند کسی شده است. کم کم خودش را باور می کند. توانمندی های خودش را پیدا می کند.

- شما در سیره پیامبر می بیند به جوانان اعتماد می کرد و به آنها مسئولیت های بزرگی می سپرد. جوان گرایی در واگذاری مسئولیت ها در سیره نبوی به عنوان پایه تمدن اسلامی موج می زند. مردم مدینه به پیامبر گفتند یک نفر را به عنوان مبلغ برای تبلیغ اسلام برای ما بفرست. پیامبر

^{۴۵} «الإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل: «أَوْ لَمْ نُنْعَمْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ»:

تَوْبِيخٌ لِأَبْنِ ثَمَانٍ عَشْرَةَ سَنَةً.» (خصال: ص ۵۰۹ ح ۲).

«نیاز به حامی»

بعد از فتح مکه یک جوان ۲۱ ساله را به عنوان استاندار یا فرماندار شهر مکه قرار داد.^{۴۶}

- امیرالمومنین فرمود: «إِذَا احْتَجَّتْ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ، فَاسْتَبِدَّ بِبِدَايَةِ الشُّبَّانِ، فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَأَسْرَعُ حُدْسًا، ثُمَّ رُدَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رِيِّ الْكُهُولِ وَالشُّيُوخِ لِيَسْتَعْقِبُوهُ وَيُحْسِنُوا، الْإِخْتِيَارَ لَهُ فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ؛» هرگاه در کاری که برایت پیش آمده است احتیاج به مشورت پیدا کردی ابتدا آن را با جوانان در میان بگذار؛ زیرا جوانان تیز هوش تر و از سرعت حدس بیشتری برخوردارند سپس درباره ی آن با میان سالان و پیران رایزنی کن تا عیبش را بیابند و نیکش را برگزینند؛ چرا که آنان از تجربه بیشتری برخوردارند.^{۴۷} وقتی شما به جوان مسئولیت دادی، از جوان مشورت گرفتی و نظر خواستی، این حس خودباوری را در او تقویت کردی. واقعا خودش را پیدا می کند. فقط حس نیست یک حقیقتی پشت این هست و آن شکوفا شدن استعدادها.

^{۴۶} «وَلَّى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَتَابَ بْنِ أَسِيدٍ وَعُمَرُوهُ إِحْدَى وَعِشْرُونَ سَنَةً أَمْرَ مَكَّةَ وَ أَمْرَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ وَهُوَ أَوْلُ أَمِيرٍ صَلَّى بِمَكَّةَ بَعْدَ الْفَتْحِ جَمَاعَةً.» (السيرة الحلبية: ج ۳ ص ۱۰۴).

^{۴۷} . شرح نهج البلاغة: ج ۲۰ ص ۳۳۷ ح ۸۶۶.

«نیاز به حامی»

نقش محبت پدر در شکل‌گیری استقلال روحی دختران

- یکی از راههای حفظ استقلال روحی بچه‌ها، خصوصا دخترها؛ محبت پدر به دختران هست. مادرها گاهی غافل هستند از اینکه پدر باید به دخترش زیاد محبت کند. پدر متوجه نیست، جنس زن را نمی‌شناسد؛ نمی‌داند این دخترخانم نیاز به توجه دارد! در روایت هست که دخترش را خوشحال کن قیامت خدا او را خوشحال می‌کند! رسول الله ص: «مَنْ فَرَّحَ اِثْنِي فَرَّحَهُ اللهُ يَوْمَ الْحُزْنِ»^{۴۸}
- دختری که پدرش او را لبریز از محبت کرده است؛ معلوم می‌شود فرآیند استقلال روحی را خوب طی کرده است! این دختر تحت تاثیر محبت دیگران، کمتر قرار می‌گیرد.
- دختری که از پدرش محبت چشید، نیازی به توجه دیگران ندارد، نیاز به توجه دیگران نداشت، یکی از چیزهایی که درست می‌شود حجاب هست.

^{۴۸}. تنبيه الغافلین: ص ۳۵۲ ح ۵۲۶.

«نیاز به حامی»

- چرا در خانواده های مذهبی دختر غیر مذهبی می شود؟! خواهش می کنم اگر یک روزی خدای نکرده پدر و مادر خواستند دعوا کنند؛ مامان و بابا یواشکی دعوا کنند! اگر حرمت پدر در خانه ایی شکست دیگر محبت این پدر قیمت ندارد! حنای این پدر پیش دختر رنگی ندارد! بعد اگر پدری به دخترش محبت نکند! یا محبتش بی اثر بشود با حرمت شکنی! دیگر محبت مادر جای این محبت پدر را پر نمی کند! خیلی ظلم بزرگی هست!

راهنمای مادر به پدر برای محبت کردن؛ نقش پنهان زن

- مادرهای محترم پدران را به محبت کردن به دختر راهنمایی کنند. بگویند آقا راستی امروز یادمان رفت به دخترمون محبت کنی! زنگ بزنی! هوایش را داشته باشی! مثلا روز دختر هست مادر هدیه بخر! بگو بابا برو به این به دخترمان هدیه بده! عجب چیزی هست این نقش پنهان زن در خانواده، غوغاست. خانه روی دست مامان می گردد ولی بچه یه ذره چنین احساسی نمی کنند فکر می کنند بابا همه کارست. این

^{۴۹} علیرضا پناهیان، استقلال روحی دختران، سال ۱۳۹۲.

«نیاز به حامی»

مادر جایش وسط بهشت هست. اخلاص بالاتر از این! غایت دین فرمود اخلاص! مادری مخلصانه! خودش را حذف می‌کند بعد پدر را راهنمایی می‌کند. وای چه مادری!

- چقدر پیامبر اهل محبت کردن به دخترش فاطمه زهرا س بود خدا می‌داند. آنقدر محبت می‌کرد برخی از خانم‌های پیامبر حسادت می‌کردند می‌گفتند یا رسول الله چرا اینقدر به فاطمه ابراز محبت می‌کنی او را می‌بوسی؟ حضرت می‌فرمود من از دخترم فاطمه بوی بهشت را استشمام می‌کنم.^{۵۱} ولی نمی‌دانم چه شد. بهشت علی را به آتش کشیدند.

^{۵۰} «الْإِخْلَاصُ غَايَةُ الدِّينِ» (عیون الحکم، ص ۱۹)

^{۵۱} « قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُكْتَبُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ ع فَفَضِبَتْ مِنْ ذَلِكَ عَائِشَةُ وَ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) إِنَّكَ تُكْتَبُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ ع فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَا عَائِشَةُ إِنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَادْنَانِي جِبْرَائِيلُ ع مِنْ شَجَرَةٍ طُوبَى وَ نَاوَلَنِي مِنْ ثَمَارِهَا فَأَكَلْتُهُ - فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ حَوْلَ اللَّهِ ذَلِكَ مَاءٌ فِي ظَهْرِي - فَوَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَمَا قَبَّلْتُهَا إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا » (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۲)

«نیاز به حامی»

جلسه سوم: «حمایت های اقتصادی» که فرزند در خانواده دریافت

می کند؟

پیام: تربیتی اقتصادی کودکان: چگونه فرزندان را به سوی تولید ثروت سوق

دهیم؟

اسلام به زودی غریب می شود؛ معنای بازگشت اسلام به غربت چیست؟

- سخن خود را با حدیثی از پیامبر شروع می کنم که فرمود اسلام با غربت آغاز کرد و به زودی غریب خواهد شد. «رَسُولُ اللَّهِ صَ إِنِّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا»؟ قسمت اول حدیث مشخص هست. اما منظور پیامبر از قسمت دوم چیست؟

آیا غربت اسلام از جهت جمعیتی است؟

- معنای بازگشت اسلام به غربت چیست؟ وجه غربت اسلام چیست؟ به چه دلیل اسلام غریب می شود؟ آیا غربت اسلام از حیث جمعیت هست؟ ما الآن چند میلیارد مسلمان داریم. چرا داعش تولید شد؟

^{۵۲}. عبون اخبار الرضاع، ج ۲، ص ۲۰۲.

«نیاز به حامی»

وزیر اسبق خارجه آمریکا در کتاب خودش با عنوان «گزینه‌های دشوار» برگشت گفت من در میان ۱۱۲ کشور جهان گشتم و هماهنگی‌ها را انجام دادم تا داعش تولید شد.^{۵۳} داعش را آمریکا تولید کرد؛ حالا چرا؟ داعش نتیجه چی بود؟ داعش نتیجه این بود که غرب دید سونامی اسلام‌خواهی و اقبال به اسلام دارد غرب و آمریکا را با خودش می‌برد. چقدر از این ستارگان بازیگر تا بازیکن، سربلندی‌های غربی مسلمان شدند حتی خانم‌هایشان حجاب انتخاب کردند. طرف تا ته ماجرا را رفته الان دیده خبری نیست دور زده برگشته بعد در ایران عده تازه می‌خواهند راهی که آن‌ها رفته‌اند و برگشته‌اند را دوباره تکرار کنند؟

- آمریکایی‌ها در مراکز علمی خودشان بررسی کردند دیدند چقدر به این دین اسلام گرایش پیدا می‌کنند. وحشت‌زده گفتند بگذارید یک جریانی را درست کنیم تا اسلام هراسی را به‌جای اسلام‌خواهی جا

^{۵۳} <https://www.isna.ir/news/۹۳۰۵۱۵۰۷۱۹۴/ht t ps://www.ihilaryi-کلینتون-داعش-را-خودمان->

ساختیم

^{۵۴} [ht t p://www.afghanpaper.com/body.php?id=۷۳۱۴۹](http://www.afghanpaper.com/body.php?id=۷۳۱۴۹)

«نیاز به حامی»

بیندازیم. با این حال جمعیت اسلام هر روز رو به رشد هست. پس غربت اسلام از حیث جمعیت نیست.

- البته برای کاهش جمعیت اسلام برنامه‌های خاص دارند. اُفت جمعیتی که در ایران رخ داده در جهان بی‌سابقه بوده معلوم هست که روی این موضوع کار شده است. ایران سریع‌ترین نرخ کاهش جمعیت تاریخ بشر را دارد. رکورد زده است.^{۵۵}

- در حالی که جمعیت یک برگ برنده بزرگ در دست هر حاکمیتی هست. جمعیت قدرت آفرین هست الآن چین در سازمان ملل حق و تو دارد؟ به نظر شما به چه دلیل؟ فقط به این دلیل که جمعیت دارد.

آیا غربت اسلام از جهت جغرافیا هست؟

- آیا غربت اسلام از جهت جغرافیا هست؟ این هم نیست. چراکه مسلمانان در حساس‌ترین نقطه در عالم یعنی خاورمیانه قرار دارند.

^{۵۵} <https://www.hanshahrionline.ir/news/۲۰۱۰۴۰> - ایران - سریع - ترین - نرخ -

کاهش - جمعیت - تاریخ - بشر - را - دارد

«نیاز به حامی»

سرشار از منابع طبیعی مثل نفت و ... مسلمانان از لحاظ جغرافیا در بهترین موقعیت قرار دارند. چه از حیث وسعت، چه از حیث امکانات.

- غرب اگر امروز خودش را روی پا نگه داشته است نه فقط به دلیل تلاش و صنعت خودش بوده بلکه به خاطر غارت همین امکاناتی است که در جغرافیای مسلمانان و مظلومان عالم بوده است.

- همین امروز فرانسه اگر فرانسه هست با فروش اسلحه و به راه انداختن جنگ اقتصادش را می چرخاند. اسلحه به عربستان می فروشد تا در یمن قتل عام کنند. مجامع بین المللی که دم از حمایت از حقوق بشر می زنند کجا هستند؟

- اگر یک نفر در ایران به خاطر جرمی سزاوار حکم اعدام شود فریادشان بلند می شود و حقوق بشرا اما در یمن رسماً عربستان به کمک سلاح های غربی کودک کشی راه انداخته،^۶ گجاست فریاد حقوق بشری این مجامع بین المللی؟ در سکوت مرگ بار رفته اند.

^{۵۶} . <https://fa.alantv.net/news/۳۴۵۱۷۵۶> / تازه-ترین-آمار-جنایت-رژیم-

سعودی-در-یمن-قتل-عام-صدها-هزار-نفر-حاصل-۳-سال-جنگ-با-ملتی-مظلوم

«نیاز به حامی»

گسستن رابطه دین و دنیا؛ یکی از اصلی ترین وجوه غربت اسلام

- امروز اسلام نه از حیث جمعیت و از حیث جغرافیا هیچکدام در غربت نیست. پس معنای حدیث نبوی چه می شود که اسلام به زودی غریب می شود؟
- شاید این غربتی که پیامبر درباره اسلام پیش بینی کرده است آن باشد که بنی العباس انجام داد. بنی العباس ۵۰۰ سال کار کرد تا یک حرف را جا بیندازد^{۵۷} و واقعا حرف غلطش را درست نشانه گرفت و در فکر مسلمانان جا انداخت.
- حدیث جعلی ساختند که علامه عسگری در کتاب نقش ائمه در احیاء دین آورده هست این حدیث جعلی است ولی هست که گفته اند پیامبر-*- از کنار گروهی که مشغول تلقیح (گرده پاشی) بر درخت خرما هستند می گذرد و کار آنها را مشاهده می کند، به آنها می فرماید: اگر این کار را نکنید بهتر است، اگر این عمل را انجام ندهید،

^{۵۷} «حضرت امام نیز مسئله جدا بودن سیاست از روحانیت را تازه نمی داند، بلکه طرح آن را در زمان بنی امیه و قوت گرفتن آن را در زمان بنی عباس می داند.» محمد علی برزنجویی؛ مروی بر اندیشه جدایی دین از سیاست و نقش امام در احیای پیوند دین و سیاست. «طرح مسأله جدا بودن سیاست از روحانیت، چیز تازه ای نیست. این مسأله در زمان بنی امیه طرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت.» (امام خمینی ره؛ ۲۵ مرداد ۱۳۶۱)

«نیاز به حامی»

خرما بهتر خواهد شد. فرمان پیامبر-*- را مسلمانان جوان اجرا نمودند. نتیجه این شد که خرمای آن سال شهر مدینه خراب شد. روز دیگری پیامبر از نخلستان گذشت و خرما های خراب شده را مشاهده کرد که چون به دستور او گرده پاشی نکرده اند، همه فاسد شده است. سؤال فرمود: خرماهای شما چرا خراب شده است؟ گفتند شما فرمان دادید که گرده گیری نکنید، خرما شما بهتر می شود، ما نیز گرده گیری نکردیم خرمای ما فاسد شد! فرمود: شما کار دنیای خود را از من بهتر می دانید، شما به امور دنیای خود از من آگاه ترید.^{۵۸} از دل چنین نگاهی جدایی دین از سیاست در آمد.

- اگر امام فرمود: «والله اسلام تمامش سیاست هست»^{۵۹} این حرف از عرفان امام نشأت گرفته است. که هنوز بعد از چهل سال خیلی ها به این حرف امام کافر هستند. عرفان امام انقلاب راه می اندازد. به قول حضرت امام فارغ از خود شدم و کوسِ انالحق بزدم همچو منصور خریدار سر دار شدم. عرفان امام او را به سیاست کشاند. عرفان امام، امام را انقلابی کرد.

^{۵۸} علامه عسکری، نقش ائمه در احیاء دین، ج ۱، ص ۲۳۶.

^{۵۹} صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۰.

«نیاز به حامی»

- بنی امیه و بنی العباس به قدری این حرف غلط را قوی جا افتاد که بعد از چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز جای کار هست. هنوز این فکر طرفدارانی دارد. آن حرف غلط این بود که باید پیوند بین دین و دنیا را گسست. دین را محدود به نماز و روزه و فروعات دینی کرد. گفت دین برای شما دنیا برای ما.

سخن از رابطه معیشت و اقتصاد با معنویت؛ به انگیزه غربت زدایی از دین

- وقتی ما سخن از رابطه معیشت و اقتصاد با معنویت میکنیم در واقع می خواهیم از دین غربت زدایی کنیم. الان در کشور جریانی است که به صورت قوی معتقد به این حرف هست که باید اسلام را از صحنه زندگی مردم حذف کرد. می گوید دین به زندگی و دنیای مردم چه کار دارد؟

رابطه عبادت و معنویت با زندگی؛ زندگی مسجد و محل عبادت است

- خداوند متعال، عبادت و معنویت را در متن زندگی تعبیه کرده است. این گونه نیست که برای اینکه انسان خودسازی کند، کار و زندگی خودش را رها کند و گوشه مسجدی بنشیند. نه اسلام زندگی را مسجد و محل عبادت کرده است. فرمود: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ

«نیاز به حامی»

فِي طَلَبِ الْحَلَالِ؛ عبادت ده بخش است؛ نه بخش آن، جُستن روزی حلال است» شما چقدر به این حرف باور دارید؟ یعنی اگر شما پیش خودتان عبادت را ده قسمت کنید حاضرید پیش خودتان بگویید نه قسمت عبادت، کاری بود که من کردم.

- آیا واقعاً ما به زندگی چنین نگاهی داریم؟ یعنی هرکسی صبح رفت سرکار و ظهر یا شب به منزل برگشت حس کند عبادت کرده است. مثل اینکه نماز خوانده روزه گرفته حج رفته؟ چنین حسی در انسان پیدا می‌شود یا خیر؟ اگر این حس پیدا شد یعنی من نگاه درستی به دین و زندگی ندارم.
- زندگی و بندگی دو مقوله جدای از هم نیستند. جدا دیدن این دو از هم هم به زندگی آسیب می‌زند و هم به بندگی، چقدر این روایت را باور کردیم که امام صادق ع فرمود: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ آن‌که خانواده خویش را از حلال روزی می‌دهد، مانند مجاهد در راه خدا است.»

۶۰. کافی، ج ۵، ص ۸۸.

«نیاز به حامی»

- به نظر می‌رسد این باور عمومی در بین ما نیست. شاید اگر در فرهنگ کاری ما مسلمانان تلاش و کار، عبادت و مجاهده بود. کارگاه من عبادتگاه من است. میزان ساعات کار مفید در کشور ما این قدر پایین نبود.
- آیا ما مسلمانان را به «عبادت کار» می‌شناسند ما را با پرکاری می‌شناسند؟ می‌گویند چقدر این‌ها کار می‌کنند؟ و اگر بیرسند چرا این‌ها این قدر پرکارند جواب ما این است که کارگاه من عبادتگاه من است. کارخانه من عبادتگاه من است.
- بین مؤمنین مسابقه برای عبادت عظیم کار و پرکاری دیده می‌شود؟ اگر نمی‌شود معلوم است که ما باید نگاهمان را نسبت به عبادت و نگاهمان را نسبت به کار عوض کنیم.
- تا این نگاه ما به اقتصاد عوض نشود مشکلات اقتصادی ما حل نمی‌شود تا معنویت در ثروت در جامعه توضیح داده نشود نوبت به حل مشکلات اقتصادی نمی‌رسد.

«نیاز به حامی»

عرفان و معنویت در متن اجتماع

- ما دینی داریم که عرفان و معنویت را نه در خانقاه، نه در بیتوته کردن در بیقوله‌ها، بلکه در متن اجتماعی ترین و سیاسی ترین حرکت یعنی مبارزه با دشمن و در متن زندگی قرار داده است. پیامبر فرمود: «إِنَّمَا رَهْبَانِيَّةٌ أُؤْتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^{۶۱}
- اگر کسی دنبال خلوت برای معنویت هست برود سراغ جهاد؛ بعد در همان دین ما در کنار و مقدم بر جهاد جانی، جهاد مالی اقتصادی را قرار داد. فرمود: «وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَوَأَخْرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^{۶۲}
- کار و کارآفرینی، سکوی پرواز به عالی ترین مقامات معنوی مثل مقام شهداء است. ما به این دین افتخار می‌کنیم که بندگی را با زندگی گره ناگسستنی زده است.

۶۱. امالی صدوق، ص ۶۶.

۶۲. مزمل، ۲۰.

«نیاز به حامی»

جهاد مالی و ظرفیت‌های معنوی آن

- در قرآن کریم خداوند متعال ۹ مرتبه مقدس‌ترین مفهوم یعنی جهاد را کنار مال گذاشت. تا شاید نگاه ما به مال عوض شود. هر بار که خواست از جهاد با اموال سخن بگویند در هر ۹ مورد کنار جهاد با اموال، سخن از جهاد با جان کرد و جهاد با اموال را مقدم بر جهاد با جان کرد. شما باورتان می‌شود که در اسلام به کار شما، به فعالیت اقتصادی شما این قدر ارزش دهند و این قدر بهاداده‌اند که نامش را جهاد بگذارند که مقدس‌ترین مفهوم در دین ماست.

- فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد!» خدا انگیزه سازی می‌کند برای بندگانش می‌فرماید می‌خواهید شما را به تجارتی راهنمایی کنم که از عذاب دردناک نجات پیدا کنید؟ بعد در ادامه می‌فرماید چند کار کنید ۱- ایمان به خدا و رسولش بیاورید ۲- با اموالتان و با جانتان در راه خدا جهاد کنید. «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ

«نیاز به حامی»

تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید!^{۶۴}

مجاهد اقتصادی مقدم بر مجاهد در راه خدا

- حتی در برخی روایات ما مجاهد اقتصادی را مقدم بر مجاهد در راه خدا کرده‌اند؛ امام رضا ع فرمود: «الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ هر که از فضل خدا آن را می‌جوید که خانواده‌اش را تأمین کند، پاداشی برتر از جهادگر در راه خدا دارد.»^{۶۵}

سیره معصومان در کسب ثروت و تجارت

- اهل بیت ع خودشان به دنبال تجارت و ثروت بودند نقل شده که روایی می‌گوید امام صادق علیه السلام هزار و هفتصد دینار به پدرم داد و فرمود: با این پول برای من تجارت کن! سپس افزود: آگاه باش

۶۴. صف، ۱۱

۶۵. کافی، ج ۵، ص ۸۸

«نیاز به حامی»

که من به سود آن رغبتی ندارم - هرچند سود نیز چیز دوست داشتنی است - بلکه من دوست دارم خداوند مرا در معرض فایده‌هایش مشاهده کند. پدرم گفت: صد دینار سود بردم، آن‌گاه با امام علیه السلام دیدار کردم و گفتم: «صد دینار برای تو سود بردم. امام علیه السلام از این خبر بسیار خوشحال شد و فرمود: آن را بر سرمایه‌ام اضافه کن محمد می‌گوید: پدرم مرد و پول امام صادق علیه السلام در دستش باقی بود. پس امام علیه السلام طی نامه‌ای به من نوشت: خداوند ما و تو را عافیت دهد! من نزد ابومحمد هزار و هشتصد دینار دارم. این پول را به وی دادم تا با آن تجارت کند. آن را به عمر بن یزید تحویل بده! محمد می‌گوید: وقتی در نوشته‌های پدرم نگاه کردم، مشاهده کردم در آن نوشته است هزار هفتصد دینار از ابوموسی نزد من است که برای وی یکصد دینار تجارت شده و سود داشته است.

عبدالله بن سنان و عمر بن یزید او را می‌شناسند.» «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُدَّافِرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ «۱»: «أَعْطَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَبِي الْفَا وَ سَبْعَمِائَةِ دِينَارٍ فَقَالَ لَهُ أَتَجَرِّبُهَا ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ لِي رَغْبَةٌ فِي رِبْحِهَا وَإِنْ كَانَ الرِّيحُ مَرْعُوبًا فِيهِ وَلَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ مُتَعَرِّضًا لِفَوَائِدِهِ قَالَ فَرَبِحْتُ لَهُ فِيهَا مِائَةَ دِينَارٍ ثُمَّ لَقِيْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ رَبِحْتُ لَكَ فِيهَا مِائَةَ

«نیاز به حامی»

دِينَارٌ قَالَ فَفَرِحَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ بِذَلِكَ فَرَحًا شَدِيدًا فَقَالَ لِي أَثْبَتَهَا فِي رَأْسِ مَالِي قَالَ فَمَاتَ أَبِي وَ الْمَالُ عِنْدَهُ فَأَرْسَلَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَكَتَبَ عَافَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ إِنَّ لِي عِنْدَ أَبِي مُحَمَّدٍ أَلْفًا وَ ثَمَانِمِائَةَ دِينَارٍ أَعْطَيْتَهُ يَتَجَرُّ بِهَا فَادْفَعَهَا إِلَيَّ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ قَالَ فَفَنظَرْتُ فِي كِتَابِ أَبِي فَإِذَا فِيهِ لِأَبِي مُوسَى عِنْدِي أَلْفٌ وَ سَبْعِمِائَةَ دِينَارٍ وَ أُتَجِرُ لَهُ فِيهَا مِائَةٌ دِينَارٍ - عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ وَ عُمَرُ بْنُ يَزِيدٍ يَعْرِفَانَهُ. ۶۴

بر حذر داشتن اهل بیت ع از دست کشیدن از کار

- حضرت بر حذر می‌داشتند دوستان خودشان را از اینکه از کار دست بکشند. «برید به محمد بن مسلم گفت از امام صادق ع از کاری مکه می‌خواهم انجام دهم بی‌رس. به درستی که در دست من اموالی و اماناتی از مردم هست و من با این اموال کار می‌کنم و می‌خواهم از دنیا کنار بکشم و حق هرکسی از صاحبان حق را بیردازم؟ محمد بن مسلم از امام صادق ع درباره این کار بپرسید و او را از ماجرا مطلع کرد و گفت نظر شما چیست؟ حضرت فرمود ای محمد آیا او می‌خواهد با خودش بجنگد؟ نه این کار رو انجام ندهد بلکه بگیرد و عطاء کند با تکیه و

۶۴. کافی، ج ۵، ص ۷۶.

«نیاز به حامی»

توکل بر خداوند؛ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَكَانَ خَتَنَ بُرَيْدٍ الْعَجَلِيِّ قَالَ
بُرَيْدٌ لِمُحَمَّدٍ: سَلْ لِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ شَيْءٍ أُرِيدُ أَنْ أَصْنَعَهُ. إِنَّ لِلنَّاسِ
فِي يَدِي وَدَائِعٍ وَآمَوَالًا وَأَنَا أَتَقَلَّبُ فِيهَا وَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَتَخَلَّى مِنَ الدُّنْيَا
وَأَدْفَعُ إِلَى كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ. قَالَ: فَسَأَلَ مُحَمَّدٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ ذَلِكَ
وَخَبَرَهُ بِالْقِصَّةِ وَقَالَ: مَا تَرَى لَهُ؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَيْدَاؤُكُمْ نَفْسُهُ بِالْحَرْبِ؟
لَا وَ لَكِنْ يَاخُذُ وَيُعْطِي عَلَى اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ»^{۶۷}

مهم ترین کار، یک روز قبل از ظهور

- اگر به من و شما بگویند فردا ظهور اتفاق می افتد؛ به نظر شما چه کاری مهم تر هست که یک روز قبل از آمدن امام زمان باید آن را انجام داد؟ امام صادق ع می فرماید که هیچ کاری مهم تر از کار کردن نیست؛ چقدر برای اهل بیت کار و تلاش اقتصادی شیعیان مهم است؛
- چقدر برای اهل بیت کار و تلاش اقتصادی شیعیان مهم است؛ که فرمود:
«اگر گمان کردی یا خبر یافتی که فردا این امر [قیام حضرت قائم ع] تحقق می یابد، [باز هم] جست و جوی روزی را وامگذار؛ و اگر

^{۶۷}. کافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

«نیاز به حامی»

می‌توانی سر بارِ کسی نباشی، چنین کن؛ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ ظَنَنْتَ أَوْ بَلَغْتَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ كَائِنٌ فِي غَدٍ فَلَا تَدَعَنَّ طَلْبَ الرِّزْقِ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَكُونَ كَلًّا فَافْعَلْ^{۶۸}

- خودسازی می‌خواهی؟ کار. معنویت می‌خواهی؟ کار. چقدر خوب است که آدم بالای سر کارگاهش بنویسد: «کارگاه من عبادتگاه من هست»، آدم یادش نرود برای چه سرکار آمده است؛ سرکار نرود.

فضیلت عبادت عابدی که تجارت می‌کند؛ رها کردن کار عملی شیطانی

- فضیلت عبادت عابدی که تجارت می‌کند خیلی بیشتر از عابدی است که کار و تلاش را رها کرده است؛ این را امام صادق ع فرمود. راوی نزد امام صادق علیه السلام رفتیم. از ما پرسید که عمر بن مسلم چه می‌کند. گفتیم: «کارش به خیر و صلاح است؛ اما تجارت را رها کرده است». امام صادق علیه السلام سه بار فرمود: «این کار شیطان است». [آن‌گاه فرمود:] «آیا نمی‌داند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بارِ کاروانی را که از شام می‌آمد، خرید و از آن چندان سود برد که

^{۶۸}. کافی، ج ۵، ص ۷۹.

«نیاز به حامی»

وام‌هایش را پرداخت و بخشی را بین خویشانش تقسیم کرد؟ خداوند می‌فرماید: «مردانی که بازرگانی و داد و ستد، آنان رای از یاد خدا بازمی‌دارد...». قصه پردازان می‌گویند: " این امت تجارت نمی‌کرده‌اند". دروغ می‌گویند؛ البته این امت نماز ابتدای وقت را رها نمی‌کرده‌اند؛ و این بهتر از آن است که کسی در نماز حضور یابد، اما تجارت نکند». الکافی عن أسباط بن سالم: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلْنَا عَنْ عُمَرَ بْنِ مُسْلِمٍ مَا فَعَلَ؟ فَقُلْتُ: صَالِحٌ وَلَكِنَّهُ قَدْ تَرَكَ التَّجَارَةَ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَمَلُ الشَّيْطَانِ! ثَلَاثًا أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اشْتَرَى عَيْرًا أَتَتْ مِنْ الشَّامِ فَاسْتَفْضَلَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنَهُ وَقَسَمَ فِي قَرَابَتِهِ؟! يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» يَقُولُ الْقُصَّاصُ: إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَكُونُوا يَتَّجِرُونَ. كَذَبُوا! وَلَكِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَدْعُونَ الصَّلَاةَ فِي مِيقَاتِهَا، وَهُوَ أَفْضَلُ مِمَّنْ حَضَرَ الصَّلَاةَ وَ لَمْ يَتَّجِرْ.»

۶۹. نور، ۳۷.

۷۰. کافی، ۵ / ۷۵ / ۸.

«نیاز به حامی»

امام صادق (ع) مشغول کار در باغ

• معنویت را برای ما در متن زندگی گذاشته‌اند، در متن کار و کسب روزی گذاشتند. خود اهل بیت ع در امر کار و تلاش کردن پیش تاز بودند. کار می‌کردند و باکار معنویت کسب می‌کردند. «شخصی می‌گوید روزی هوا بسیار گرم بود و من به یکی از نواحی مدینه می‌رفتم. در راه امام صادق ع را که بدنی فریه و سنگین داشت، دیدم که به دو غلام سیاه یا دو تن از موالی تکیه داده‌است. با خودم گفتم: سبحان الله! شیخی از شیوخ قریش در یک چنین وقتی و با چنین حالی در پی دنیاست! باید او را نصیحت کنم. نزدیکش رفتم و سلام کردم. در حالی که عرق می‌ریخت با حالت تشر، جواب سلام مرا داد. من گفتم: خداخیرت دهد، شیخی از شیوخ قریش در چنین ساعتی و با چنین حالی در پی دنیا! اگر با این حال اجلت در رسد چه می‌کنی؟! حضرت فرمود: اگر در چنین حالی باشم و مرگم فرا رسد، در حال طاعتی از طاعات خداوند عزوجل هستم؛ طاعتی که با آن خودم و خانواده‌ام را از محتاج شدن به تو و مردم باز می‌دارم. ترس من از این است که در حال انجام معصیتی از معاصی خداوند عزوجل باشم و مرگ مرا در رسد؛ خَرَجْتُ إِلَى بَعْضِ نَوَاحِي الْمَدِينَةِ فِي سَاعَةِ حَارَّةٍ فَلَقَيْتَنِي أَبُو

«نیاز به حامی»

جَعْفَرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَكَانَ رَجُلًا بَادِنًا ثَقِيلًا وَهُوَ مُتَكِيٌّ عَلَيَّ غُلَامَيْنِ
أَسْوَدَيْنِ أَوْ مَوْلِيَيْنِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي سُبْحَانَ اللَّهِ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا أَمَا لَأَعْظَنَّهُ فِدَنَاتٍ مِنْهُ
فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ بِنَهْرٍ وَهُوَ يَتَصَابُ عَرَقًا فَقُلْتُ أُصْلِحَكَ
اللَّهُ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ
الدُّنْيَا أَرَأَيْتَ لَوْ جَاءَ أَجْلُكَ وَأَنْتَ عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالِ مَا كُنْتَ تَصْنَعُ—
فَقَالَ لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَأَنَا عَلَيَّ هَذِهِ الْحَالِ جَاءَنِي وَأَنَا فِي [طَاعَةِ
مِنْ] طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَكْفُ بِهَا نَفْسِي وَعِيَالِي عَنْكَ وَعَنِ النَّاسِ وَ
إِنَّمَا كُنْتُ أَخَافُ أَنْ لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَأَنَا عَلَيَّ مَعْصِيَةٍ مِنْ مَعْاصِي اللَّهِ
فَقُلْتُ صَدَقْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَرَدْتُ أَنْ أَعْظِكَ فَوَعَّظْتَنِي.﴾^{۷۱}

- خودسازی می خواهی؟ کار. معنویت می خواهی؟ کار. قدیم برای رفتن به محل کار آدابی داشتند وضو می گرفتند، گویا تلاش برای رزق و روزی را مقدس می شمردند.

^{۷۱}. کافی، ج ۵، ص ۷۳.

«نیاز به حامی»

اقدامات حمایت اقتصادی در خانواده از فرزندان با رویکرد تربیتی

۱. آشنا کردن کودکان با موضوع عرفان و معنویت در متن اقتصاد

- دومین حمایت تربیتی که فرزندان در خانواده دریافت می کنند، حمایت اقتصادی هست. خانواده بستری هست که بچه باید فراگیرند که تولید ثروت، نه تنها بد نیست بلکه در اسلام تشویق شده است. با انگیزه های درست سراغ اقتصاد بروند. پیوست فرهنگی برای اقتصاد در ذهن و دل بچه هایمان ایجاد کنیم. او به عمق جانش بفهمد عرفان و معنویت در متن زندگی و فعالیت اقتصادی قرار دارد.

۲. تولید ثروت در مدرسه؛ بچه ها با مدیریت پدر و مادر به سرکار بروند

- قدم دوم در حمایت تربیتی این هست که از کودکی فرزندان را با موضوع تولید ثروت آشنا کنیم. و مدرسه نقشه جدی در این موضوع دارد.
- نظام آموزش و پرورش که کار کردن، تولید کردن، تولید ثروت کردن را به دانش آموزها یاد ندهد، نظام آموزش و پرورش غلطی است. چنین نظام آموزش و پرورش نه تنها جوان ها را و نوجوان های آن جامعه را

«نیاز به حامی»

از رسیدن به قله‌های بالا محروم می‌کند، بلکه در حق نوجوان‌ها خیانت می‌کند، چون آنها را بد بار می‌آورد. اگر پدر و مادری بتوانند فرزندان خود را در چنین مدارسی نگذارند، به فرزندان خود خدمت کرده‌اند!

- این خیانت است که به یک نوجوان و به یک کودک دبستانی، کار کردن آموزش ندهی و بخواهی فقط حافظه او را پر کنی؛ و اگر فقط حافظه او را پر کنی او را به بردگی کشیده‌ای؛ به بردگی ذهنی. انگار به او گفته‌ای: «من از تو می‌خواهم به عنوان یک رباط هوشمند استفاده کنم، با شخصیت انسانی تو کاری ندارم! تو حیوان باش اما یک شخصیت هوشمندی باش و به جای رباط برای من کار کن، من با حافظه تو کار دارم!»

- مدرسه‌ای که بچه‌هایش را به زحمت نیندازد برای تولید ثروت، برای انجام کار، برای فعالیت خلاقانه برای بدست آوردن نان(نه فعالیت خلاقانه برای ساختن کاردستی). این مدرسه به بچه‌ها خیانت کرده

«نیاز به حامی»

است؛ اگرچه صبح تا به شب قرائت قرآن، و دعای فرج به بچه‌ها یاد

بدهد!

۳. معرفی تجارت به عنوان بهترین شغل

• قدم سوم این است که تجارت را به عنوان بهترین شغل در دل و ذهن فرزندان جا بیندازیم و البته در کنار آن اقدامات عملی هم انجام دهیم. اگرچه تقریباً بیشتر مشاغلی که وجود دارد جای خودشان محترم هستند، اما در بین مشاغلی که وجود دارد برخی مشاغل شرافت بیشتری دارد و در اسلام بیشتر به آن تأکید کرده است. به نظر شما دین ما به چه شغلی بیشتر تشویق کرده است؟

• امام صادق ع فرمود: «مَنْ طَلَبَ التِّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً قَالَ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً إِنْ تَسَعَتْ أَعْشَارَ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ؛ هر کس در پی تجارت رود، از مردم بی‌نیاز می‌شود». گفتم: «هر چند پُر

^{۷۲} علی‌رضا پناهیان، دانشگاه امام صادق ع، سال ۱۳۹۵.

<http://panahian.ir/post/gsc.tab=۳۳۹۴#ht>

«نیاز به حامی»

خانوار باشد؟» فرمود: «[آری]؛ هر چند پُر خانوار باشد. همانا نه درهم روزی در تجارت است.»

- شغل پیشنهادی دین که واقعاً رمز و رازی دارد. بالاخره اهل بیت ع دستشان به قواعد حیات می‌رسیده خیلی دقیق فرمودند نه قسمت روزی در تجارت هست؛ یعنی بقیه تقریباً سرکار هستند. شما فکر کنید امروز رفتی اداره کار آفرینی یا همین بنگاه‌های که پیشنهاد کار می‌کنند. بعد به شما بگویند یک نفر در این اتاق نشسته که تمام علوم اقتصادی را بلد هست. به شما فرصت می‌دهند چند لحظه بیشتر وقت ایشان را نگیری بعد شما می‌پرسی آقا من چه شغلی را انتخاب کنم. آن استاد و اقتصاد دادن بگوید تجارت. چرا؟ چون به تجربه اثبات شده هر کسی تجارت کند هر چند با سرمایه کم و کوچک به بن‌بست نخورده است. نه قسمت ثروت در اینجاست. شما چقدر حرف او را باور می‌کنید؟ خب امام صادق ع استاد کل اقتصاد به شما این حرف را می‌فرماید چرا ما گوش نمی‌دهیم.

۴. سوق ندادن فرزندان به سمت کارمند شدن

«نیاز به حامی»

- قدم بعدی برای حمایت اقتصادی تربیتی فرزندان، این است که فرزندان را به سمت کارمند شدن سوق ندهیم.^{۷۳} عمار ساباطی می گوید به امام صادق علیه السلام گفتیم: «مردی است که تجارت می کند؛ آیا روا است که خود را اجیر و کارمندی و خود را استخدام کنم یا آن چه را در تجارت کسب می کند، به دست آورد؟» فرمود: «نباید خود را اجیر و کارمند سازد؛ بلکه باید از خدا روزی بخواهد و تجارت کند؛ که اگر خود را اجیر سازد، روزی را از خویش بازداشته است.»؛ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: الرَّجُلُ يَتَّجِرُ فَإِنْ هُوَ آجَرَ نَفْسَهُ أُعْطِيَ مَا يُصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ. فَقَالَ: لَا يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ وَ لَكِنْ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَتَّجِرُ فَإِنَّهُ إِذَا آجَرَ نَفْسَهُ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّزْقَ.^{۷۴}
- استاد کل اقتصاد به شما می گوید اگر کارمند بشوی راه روزی را به روی خودت بستی. حالا شما ببین در کشور ما چه فرهنگی هست؛ که همه دوست دارند کارمند بشوند. نه تاجر.

^{۷۳} علیرضا پناهیان، دانشگاه امام صادق ع، ج ۹،

<http://panahian.ir/post/gsc.tab=5023>

^{۷۴}. کافی، ج ۵، ص ۹۰.

«نیاز به حامی»

• در کشورهای اروپایی اکثر بچه‌های با استعداد یهودی‌ها، رشته اقتصاد را انتخاب می‌کنند. الان صهیونیسم‌ها که در جهان مسلط هستند از این مدل کارها را از کودکی آموزش می‌بینند. به نوع دهکده ای دارند به نام «دهکده اشتراکی» بعد آنجا به بچه‌ها آموزش می‌دهند که هر کسی به اندازه توان خودش کار می‌کند و به اندازه نیازش از درآمد عمومی استفاده کند. همه چیز در این دهکده، مال همه اهالی آن جامعه است و در عین حال، مال هیچ‌یک از آنان نیست.^{۷۵}

• در روایت دیگری امام صادق ع فرمود: «مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلِيَّ نَفْسِهِ الرِّزْقَ. وَ كَيْفَ لَا يَحْظُرُهُ وَ مَا أَصَابَ فِيهِ فَهُوَ لِرَبِّهِ الَّذِي آجَرَهُ هَر كَسٍ خُودَ رَا اجِير سَاَزَد، رُوزِي رَا از خُويش بَاَزْدَاشْتَه است؛ و چگونهُ رُوزِي رَا از خُود بَاَزْنَدَاَرَد، دَر حَالِي كِه آنچِه وِي بَه دَسْت آوَرَد، از آن كَسِي اسْت كه او رَا بَه اجِيرِي گَرْفْتَه اسْت»^{۷۶}

• امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) فرمود: تا می‌توانی مزدبگیر نباش، بلکه خودت تولید کن، خودت تجارت کن و پولت دست خودت باشد؛

^{۷۵}. kibbutz. ویکی پدیا ذیل واژه «کببوتص» به معنای تعاون.

^{۷۶}. کافی، ج ۵، ص ۹۰.

«نیاز به حامی»

یعنی یا تاجر باش یا تولیدکننده و کارفرمای خودت باش. «إِنْ اسْتَطَعْتَ

أَلَّا يَكُونَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ ذُو نِعْمَةٍ فَأَفْعَلْ»^{۷۷}

^{۷۷}. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

«نیاز به حامی»

جلسه چهارم: «حمایت های اجتماعی» که فرزند در خانواده دریافت

می کند؟

پیام: چگونه فرزندان را عدالت پیشه و عدالت خواه تربیت کنیم؟

دلایل اهمیت حساس بودن ما نسبت به جامعه

۱. نقش تربیتی جامعه در شکل گیری شخصیت ما و فرزندان ما

- عوامل مختلفی در «تربیت» و شکل گیری شخصیت ما موثر هستند. گاهی این عوامل «بیرونی» هستند و گاهی این عوامل «درونی». «خانواده» اولین نهادی است که هم از بیرون و هم از درون، در تربیت ما و فرزندان ما موثر هستند.
- اما آیا قوی تر از خانواده هم عاملی هست که تاثیرگذار بر تربیت ما باشد؟ بله «جامعه»، جامعه ای که انسان در آن زندگی می کند، فوق العاده قوی تر از خانواده در شکل گیری شخصیت انسان موثر هست. فرمود: «مردم به زمانه ی خودشان شبیه ترند تا به پدر؛ النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ

«نیاز به حامی»

أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ^{۷۸} این حاکی از قدرت جامعه دارد. حالا ما چقدر باید روی جامعه، برای تربیت و تزکیه خودمان و خانواده مان حساس باشیم؟

- جالب هست به شما بگویم اتفاقاً انبیاء هم به عنوان مربیان جامع که به دنبال اصلاح و تزکیه بودند اول سراغ جامعه می رفتند. به قول مقام معظم رهبری انبیاء نیامده اند فرد فرد مردم را تزکیه کنند، مدرسه بازی و موعظه کاری و تربیت فردی، کار انبیاء نیست، انبیاء محیط جامعه را مهیا می کنند.^{۷۹} پس ضرورت اول برای حساسیت نسبت به جامعه، تاثیر گذاری فوق العاده جامعه بر تربیت افراد هست.

۷۸. خصائص الأئمة ۱۱۵.

۷۹. مقام معظم رهبری: «نه امام جعفر صادق(ع)، نه جدش پیغمبر اسلام(ص) و نه همه انبیای عالم، روششان این روش‌ها نبوده؛ مدرسه بازی و موعظه کاری و تربیت فردی، کار انبیاء نیست. انبیا فقط یک پاسخ دارند به این سوال، که چگونه می توان انسان‌ها را ساخت؟ چگونه می توان انسان‌ها را بر طبق الگوهای صحیح الهی تربیت کرد؟ یک جواب دارند، آن جواب این است، انبیا می‌گویند برای ساختن انسان باید محیط متنا سب، محیط سالم، محیطی که بتواند او را در خود بیوراند، تربیت کرد و بس. انبیا می گویند دانه دانه نمی شود قالب گرفت کارخانه باید در ست کرد. انبیا می‌گویند اگر بخواهیم ما یکی یکی آدم‌ها را در ست کنیم شب می شود و عمر می‌گذرد جامعه لازم است، نظامی لازم است، باید در منگنه یک نظام، انسان‌ها به شکل دلخواه ساخته بشوند و بس، فقط همین و بس.»(طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن هدف‌های نبوت

ص ۳۸۵). و «پیغمبر خدا برای چه می آید؟ گفتیم که پیغمبر می آید برای به تکامل رساندن انسان، می آید برای تخلیق دادن انسان ها به اخلاق الله، می آید برای کامل کردن و به اتمام رساندن مکارم اخلاق آنچه که گفتیم مضمون احادیث است؛ بعثت لاتمم مکارم الاخلاق پیغمبر برای ساختن انسان می آید، برای به قوام رساندن این مایه ای که نامش انسان است، می آید. از چه راهی و از چه وسیله ای پیغمبر استفاده می کند برای ساختن انسان، چه جوری انسان ها را پیغمبر می سازد؟ مدرسه درست می کند؟ مکتب فلسفی درست می کند؟ پیغمبر صومعه و جایگاه عبادت درست می کند؟ گفتیم نه؛ پیغمبر برای ساختن انسان کارخانه انسان سازی درست می کند. پیغمبر ترجیح می دهد که ده سال بیست سال، دیرتر موفق بشود اما آنچه می سازد یک انسان و دو انسان و بیست انسان نباشد؛ کارخانه انسان سازی درست کند که به طور خودکار انسان کامل پیغمبر پسند تحویل بدهد. پس پیغمبر برای ساختن انسان ها و به قوام آوردن مایه انسان، از کارخانه انسان سازی استفاده می کند. کارخانه انسان سازی چیست؟ کارخانه انسان سازی، جامعه و نظام اسلامی است. این جا آن نقطه پیچ، نقطه اساسی توجه و تکیه حرف است. همه می گویند پیغمبر انسان می خواهد بسازد همه می گویند پیغمبر برای تعلیم و تربیت می آید و همه این را می فهمند؛ آنچه باید فهمید، آنچه که با دقت باید فهمید این است که پیغمبر یکی یکی گوش انسان ها را نمی گیرد به کنج خلوتی ببرد در گوششان زمزمه مهر خدا بنوازد پیغمبرها مکتب علمی و فلسفی تشکیل نمی دهند تا یک مکتب شاگرد در دست کنند، این شاگردها را بفرستند تا مردم را در اقطار عالم هدایت کنند. پیغمبر کارش از این قرص و قائم تر استوارتر و ریشه دارتر است. چه کار می کند؟ یک کارخانه ای که از آن کارخانه جز انسان بیرون نمی آید می سازد و آن کارخانه، جامعه اسلامی است.» (طرح کلی اندیشه اسلامی جلسه ۲۳ ولایت ص ۵۱۵)

«نیاز به حامی»

- دلیل دوم برای حساس بودن نسبت به جامعه این هست که خداوند در «تکالیفی که بر عهده بندگان می گذارد، «جامعه» را لحاظ می کند. با ما برخورد «جمعی» می کند.
- بعضی ها باور ندارند که جدای از من، مایی هم داریم. می گوید به من چه که فلان اتفاق در جامعه افتاده. بالاخره ما، ما هستیم، این ما را زیاد جدی نمی گیرد. باید روی این ما به جای من خیلی کار کنیم.
- همان طور که ما «تکالیف فردی» داریم، «تکالیف اجتماعی» هم داریم. و بسیاری از اوقات ما فقط به خاطر اینکه «تکالیف اجتماعی» خودمان را زمین گذاشتیم چوب می خوریم. اینقدر نماز خوان های که به جهنم می روند فقط به این دلیل که تکالیف اجتماعی خودشان را زمین گذاشتند.
- مردی پیر از عابدهای بنی اسرائیل، مشغول نماز بود که دید دو طفل خروسی را گرفتند، و پرش را می کنند و آن خروس ناله و فریاد می کند، پس آن عابد همان طور مشغول نماز بود و آن حیوان را نجات نداد و از بچه ها جلوگیری نکرد. پس خداوند به زمین وحی فرمود آن عابد را فرو بر و تا آخر دنیا فرو ببرد. امام صادق ع می فرماید تا

«نیاز به حامی»

الان آن آقای نماز گذار دارد عذاب می کشد، نمازگذاری که نسبت به تکلیف اجتماعی خود بی تفاوت بود، حالا ببینید نمازخوان‌هایی که فریاد مظلوم، دل‌شان را تکان نمی‌دهد. خدا می خواهد چطور با آنها برخورد کند؟ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: كَانَ رَجُلٌ شَيْخٌ نَاسِكٌ يُعْبُدُ اللَّهَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَبَيْنَا هُوَ يُصَلِّي وَهُوَ فِي عِبَادَتِهِ، إِذْ بَصُرَ بِغُلَامَيْنِ صَبِيَّيْنِ، قَدْ أَخَذَا دِيكًا وَهُمَا يَنْتِفَانِ رِيشَهُ، فَأَقْبَلَ عَلَى مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْعِبَادَةِ، وَلَمْ يَنْهَهُمَا عَنْ ذَلِكَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ: أَنْ سِيخِي بَعْدِي، فَسَاخَتْ بِهِ الْأَرْضُ، فَهُوَ يَهْوِي فِي الدَّرْدُورِ أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ.»^{۸۰}

- بسیاری از اوقات معصیت‌های ما «ترک تکالیف اجتماعی» هست. اما نمی‌دانم چرا وقتی معصیت ترک تکالیف اجتماعی را انجام می‌دهیم دچار حس گناه و معصیت نمی‌شویم. پیامبر فرمود: «مسلمان نیست کسی که شبانه روز، اهتمام به امور مسلمین ندارد؛ مَنْ أَصْبَحَ لَأَيِّهْتُمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^{۸۱} آیا واقعا زمانی که ما نسبت به جامعه بی تفاوت بودیم، حس می‌کنیم از مسلمانی خارج شدیم؟ بوی کفر را

^{۸۰}. امالی طوسی، ص ۶۷۰.

^{۸۱}. کافی، ج ۳، ص ۴۱۷.

«نیاز به حامی»

از وجود خودمان به خاطر زمین گذاشتن تکالیف اجتماعی خودمان احساس می‌کنیم؟ چشم‌ت را باز کردی باید بگردی ببینی چه خبر از جامعه؟ در جامعه چه اتفاقی افتاده است؟ من چه تکلیفی نسبت به جامعه ام دارم؟ اینطوری نباشی، فرمود مسلمان نیستی. این دین ماست. دین اجتماعی، آیه الله شاه آبادی استاد عرفان امام که حضرت امام کمتر از «روحی فدا» برای ایشان نمی‌گفتند. می‌فرمود مشکل جامعه اسلامی که این همه گرفتاری دارد این هست که دین را انفرادی توضیح داده‌اند. ما به دین انفرادی بسنده کرده ایم.^{۸۲}

^{۸۲} آیه الله شاه آبادی: «مدت زمانی است که مملکت اسلامی مبتلا به امراض مزمنه و مهلکه شده است. در این موقع مشاهده می‌شود که جمعی از متدینین در محافل و مجالس اظهار دردمندی و تاسف بر اسلام می‌نمایند ولی غافل از اینکه باید درد را معالجه نمود و مذاکره مرض و تعداد آن، معالجه درد نخواهد بود و چون راه علاج، بعد از دانستن سبب مرض است، پس اگر نظر عمیقانه بفرمایی، می‌یابی که اسباب مرضه چند چیز است: غرور (مسلمین به حقانیت خود) که منشاء تحویل دادن میدان دعوت است به معاندین، و موجب قناعت نمودن به اسلام انفرادی و ترک تبلیغات و امر به معروف و نهی از منکر شده... خلاصه، قرآن مجید با اسلام انفرادی مناسبت ندارد، زیرا که قرآن نمی‌فرماید به تنهایی نماز کن، بلکه علاوه بر آن، تولید نمازگزار و اقامه صلوه را در عهده مسلمین گذارده...» (شذرات المعارف آیت الله محمدعلی شاه‌آبادی (ره) - ص: ۲۳ تا ۶۵)

«نیاز به حامی»

علت غربت امیرالمومنین، کوتاهی مردم در تکالیف اجتماعی نه تکالیف فردی

• علت غربت امیرالمومنین این بود که مرد در تکالیف اجتماعی خودشان

کوتاهی کردند. نه تکالیف فردی. کافی بود یک جمع دور حضرت جمع

شوند. فرمود اگر چهل نفر یار داشتیم قیام می کردم.^{۸۳} حضرت زهرا س

به دنبال این بود که مردم را نسبت به تکالیف اجتماعی خودشان متوجه

کند. در خطبه فدکیه شما ملاحظه می کنید جامعه انصار را چالش می

کشد از اینکه چرا به تکالیف اجتماعی خودشان عمل نمی کنند؟ «إِيهَا

بَنِي قَبِيلَةٍ أَهَضِمِ تَرَاثَ أَبِي - وَ أَنْتُمْ بِمَرَايَ مِنِّي وَ مَسْمَعِ وَ مُنْتَدِي وَ

مَجْمَعِ تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمْ الخَبْرَةُ وَ أَنْتُمْ ذُو العَدَدِ وَ العَدَّةِ وَ الأَدَاةِ

وَ القُوَّةِ وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَ الجَنَّةُ تُؤَافِكُكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ وَ تَأْتِيكُمْ

الصَّرْحَةُ فَلَا تُعِيشُونَ وَ أَنْتُمْ مُوصُوفُونَ بِالكِفَاحِ مَعْرُوفُونَ بِالخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ

وَ النُّخْبَةِ الَّتِي ائْتُنَّجِبُ وَ الخَيْرَةُ الَّتِي اخْتَبِرْتَ لَنَا أَهْلَ البَيْتِ قَاتَلْتُمُ العَرَبَ

وَ تَحْمَلْتُمُ الكَدَّ وَ التَّعَبَ وَ نَاطَحْتُمُ الأُمَّمَ وَ كَافَحْتُمُ البَهْمَ لَا نَبْرَحُ أَوْ

تَبْرَحُونَ نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الإِسْلَامِ وَ دَرَّ حَلَبُ

^{۸۳} « لَوْ وَجَدْتُ يَوْمَ بُوَيْعِ أَخَوْتَيْهِمُ الَّذِي عَيْرْتَنِي بِدُخُولِي فِي بَيْعَتِهِ أَرْبَعِينَ رَجُلًا كُلُّهُمْ عَلَيَّ مِثْلَ صَبْرَةِ الأَرْبَعَةِ الَّذِينَ قَدْ وَجَدْتُ لَمَّا كَفَفْتُ يَدِي وَ لَنَاهُ ضُتَّ القَوْمُ وَ لَكِنْ لَمْ أَجِدْ خَامِ سَا » (سليم،

«نیاز به حامی»

الْأَيَّامِ وَ خَضَعَتْ ثَغْرَةَ الشَّرْكِ وَ سَكَنْتْ فَوْزَةَ الْإِفْكِ وَ خَدَدَتْ نِيرَانُ
الْكُفْرِ وَ هَدَّاتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ فَأَنَّى حُزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ
وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ ؛ ای پسران قبیله - گروه
انصار - آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا
می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای
دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرت و
ذخیره اید، و دارای ابزار و قوه اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست،
صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد
خواهی من را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت
معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید
که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید: با عرب
پیکار کرده و متحمل رنج و شدت‌ها شدید، و با امت‌ها رزم نموده و
با پهلوانان به نبرد برخواستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار،
تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره
های شرک آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و
آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین
کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس

«نیاز به حامی»

از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب

نشستید»^{۸۴}

- نحوه برخورد خدا با گناه اجتماعی با فردی کاملاً متفاوت هست. امام صادق ع فرمود: «إِنَّ الْمُعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَضُرَّ إِلَّا عَامِلَهَا، وَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَلَمْ يَغَيِّرْ عَلَيْهِ أُضْرَتْ بِالْعَامَّةِ؛ گناه را هرگاه بنده پنهانی مرتکب شود به کسی جز صاحب آن زیانی نمی‌زند و هرگاه آشکارا انجامش دهد و مردم او را منع نکنند، آن گناه به عموم مردم آسیب خواهد رساند»^{۸۵}. بعضی از گناهان هست که به فرد ضربه می‌زند بعضی از گناهان هست به جامعه ضربه می‌زند. باید مقابل گناهان اجتماعی ایستاد. چون می‌دانی جامعه خیلی مهم هست. مثلاً چرا با اینکه ترک نماز فرمود در حد و اندازه‌های کفر پیش می‌رود. ترک نماز حضرت فرمود بدتر از شراب خواری هست. اما تا به حال با هیچ بی‌نمازی برخورد نشده است. اما کسی شراب خواری علنی کند جامعه اسلامی با او برخورد می‌کند؟ چون به جامعه ضرر زده. بی‌حجاب هم همین‌طور هست. اگرچه بی‌نمازی خیلی بدتر از بی‌حجابی هست.

^{۸۴}. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۳.

^{۸۵}. ثواب الاعمال، ص ۲۶۱.

«نیاز به حامی»

اما چرا با بی حجابی برخورد می شود؟ چون بی حجاب، آزادی روانی جامعه را سلب می کند. به جامعه ضربه می زند. بعد فرمود: «وَذَلِكَ أَنَّهُ يُذِلُّ بِعَمَلِهِ دِينَ اللَّهِ وَ يَقْتَدِي بِهِ أَهْلُ عَدَاوَةٍ»^{۸۶}. چون گناه آشکار دهن کجی به دین هست و دلیل کردن دین هست و علاوه بر این دیگران هم احساس امنیت می کنند که گناه کنند.

۳. ما مقدرات جمعی داریم

- دلیل سوم برای اینکه ما لازم هست که نسبت به جامعه فوق العاده حساس و هوشیار باشیم، این است که همان طور که من و شما مقدرات فردی داری، مقدرات جمعی داریم. یعنی خداوند بخش مهمی از رزق و روزی ما و منافع ما را به صورت جمعی، نه فردی تامین می کند. خداوند می فرماید اگر جامعه ای ایمان بیاورد و تقوا پیشه کند. خدا برکات را از آسمان و زمین بر این جامعه نازل می کند. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»^{۸۷} حالا جامعه ای بی تقوایی کرد، چوبش را جمع می خورد. هر چند عده ای

^{۸۶}. همان.

^{۸۷}. الأعراف، ۹۶.

«نیاز به حامی»

خوب هم در این جامعه باشند دیگر چه اهمیتی دارد. خشک و ترمی سوزند.

پیامبر در مدینه مردم را به گروه های ده نفر تقسیم کردند

- ما باید در جمع های کوچک تمرین کنیم تا روحیه جمعی پیدا کنیم. دین ما دینی است که خیلی اجتماعی هست و به جامعه می پردازد. علامه طباطبایی تعبیری دارد عجیب هست می فرماید اسلام تنها دینی است که اینقدر اجتماعی است. اسلام در تمام شئونش اجتماعی هست حتی در عبادات فردی هم روحی از اجتماعی بودن در آن دمیده شده است.^{۸۸} پیامبر روز اول ۱۲ رئیس انتخاب کرد نام این ها شد نقباء، بعد مردم مدینه را به گروه های ده نفر تقسیم کرد. نام این گروه ها زیر دست اینها شد عریف. از روز اول پیامبر تیم تشکیل داد. بعد اینها هر

^{۸۸} علامه طباطبایی: «هیچ شکی نیست در اینکه اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و این معنا را به صراحت اعلام کرده و در هیچ شانی از شئون بشری مساله اجتماع را مهمل نگذاشته رابطه ای که اسلام بین فرد و اجتماع قائل است در هیچ دینی و ملتی سابقه ندارد. هویت و شخصیت مستقل برای اجتماع در اسلام قائل شده است... اسلام مهم ترین احکام و شرایع خود از قبیل حج و جهاد و نماز و انفاق را و خلاصه تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داد. اسلام تمامی شئونش اجتماعی است»

«نیاز به حامی»

کدام سر گروهی داشتند که مشکلات خودشان را با ما فوق خودشان مطرح می کردند و حل می کردند.^{۸۹}

سبک زندگی اسلامی، مبتنی بر جمع و جامعه پذیری

- اساس فکر کار جمعی، در سبک زندگی اسلامی، هست. برای دیگران بودن، دلسوزی برای دیگران، خیرخواهی برای دیگران، پیامبر فرمود: «إدین خیرخواهی است، دین خیر خواهی است، دین خیرخواهی است. گفتند برای چه کسی ای رسول خدا! فرمودند: برای خدا و رسولش و کتاب خدا و امامان مسلمانان و برای مومنین و آحاد جامعه؛ إِنَّ الدِّينَ النَّصِيحَةُ إِنَّ الدِّينَ النَّصِيحَةُ إِنَّ الدِّينَ النَّصِيحَةُ قَالُوا لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِكِتَابِهِ وَأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَعَامَّتِهِمْ.»
- بعد یکی از ثمرات این دلسوزی می دانید چیست؟ حضرت فرمود: «برای هیچ مسلمانی حلال نیست که به برادر مسلمانش کلاهی را

^{۸۹} المبسوط، طوسی، ج ۲، ص ۷۵؛ المبسوط، سرخسی، ج ۱۰، ص ۲۷؛ تذکرة الفقهاء، حلی، ج ۹، ص ۲۷۰؛ المجموع، نووی، ج ۱۹، ص ۲۸۰. در سال نهم هجری (سال وفود) نیز رسول خدا ص برای گروه‌های ده نفر پرچم می‌نهاد، مانند وفد بنی عبس؛ رک: الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۹۶؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۱، ص ۳۵۹؛ سبل الهدی و الرشاد، ج ۶، ص ۳۵۷.

^{۹۰} . روضه الواعظین، ج ۲، ص ۴۲۴.

«نیاز به حامی»

بفروشد که می‌داند در آن عیبی است مگر آن‌که آن را بیان کند و برای دیگرانی که آن عیب را می‌دانند و شاهد خرید خریدار و بی‌خبری وی از عیب هستند، پوشاندن آن عیب از وی جایز نیست. عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الدِّينُ النَّصِيحَةُ وَ أَنَّهُ قَالَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَبِيعَ مِنْ أَخِيهِ بَيْعًا يَعْلَمُ فِيهِ عَيْبًا إِلَّا بَيْنَهُ وَ لَا يَحِلُّ لغيرِهِ إِنْ عَلِمَ ذَلِكَ الْعَيْبَ أَنْ يَكْتُمَهُ عَنِ الْمُشْتَرِي إِذَا أَرَاهُ اشْتَرَاهُ وَ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ.^{۹۱} یعنی می‌شود جامعه ما به چنین روحیه جمعی دست پیدا کند؟ ضرر دیگران را ضرر خودش بداند؟ منفعت دیگران را منفعت خودش ببیند؟

سبک زندگی غربی فردگرا است نه جمع‌گرا

- سبک زندگی غربی، مبتنی هست بر فردگرایی، جامعه را نابود کردند، بعد جامعه که نابود شد هر کسی به زندگی خودش پرداخت، به دیگری کاری نداشت، اشراری مثل نظام سرمایه داری بر سرشان مسلط می‌شود. بزرگترین منافع، که منافع ملی هستند را مثل آب خوردن به تاراج می‌برند. اگر جامعه، جامعه نشد به معنای حقیقی کلمه این منافع ملی

^{۹۱}. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۷.

«نیاز به حامی»

در دست اشراری قرار می‌گیرد که با آنها بزرگترین جنایت‌ها را علیه ملت‌ها انجام می‌دهند و از دست کسی هم کاری بر نمی‌آید.

حمایت تربیتی در بستر خانواده، برانگیختن حس اجتماعی خواهی

- یکی از حمایت‌های تربیتی که در خانواده، فرزندان ما دریافت می‌کنند. حمایت اجتماعی هست. یعنی بچه در خانه فرا می‌گیرند که چگونه با اجتماع ارتباط برقرار کنند. این سومین حمایت تربیتی هست که باید در خانواده فرزند بیاموزد و به کار بگیرد با فنون و تکنیک‌های که خواهیم گفت.

تکنیک برانگیختن حس خوب ما یک خانواده هستیم!

- یکی از تکنیک‌های اجتماعی تربیت کردن فرزندان، تکنیک برانگیختن حس هویت «ما یک خانواده هستیم» است. ما برای اینکه فرزندان را نسبت به جامعه حساس باشیم و احساس مسئولیت جمعی داشته باشیم باید از خانه شروع کنیم. در خانه باید زیاد این حرف‌های تکرار کنند که ما یک جمع هستیم. بچه‌ها یک غیریتی دارند نسبت به اینکه پدر و مادر به آنها می‌گویند ما یک خانواده هستیم. چنین حسی را

«نیاز به حامی»

باید در خانه بیدار کرد و آن را تبدیل به شعار کرد. من نداریم همه ما هستیم. ما اشتباه کردیم ما پیروز شدیم ما شکست خوردیم. یکی از خوبی های خانه این هست که سفره بچه ها را در کنار هم جمع می کند. ما را معنا می بخشد. الان فرهنگ غلطی شده است هر کسی جداگانه غذا می خورد کم کم سفره از خانه ها جمع شده است. این مای خانواده را تضعیف می کند.

۱. تشویق و تنبیه جمعی جایگزین تشویق و تنبیه فردی

- اولین کار در خانه این است که به جای تشویق و تنبیه فردی، می توانیم تشویق و تنبیه جمعی داشته باشیم. هرکسی خطاء کرد فقط او را تنبیه نمی کنیم بگوییم جمع شما را تنبیه می کنیم. البته کلا تشویق و تنبیه زیاد و معین و فوری خوب نیست به شخصیت فرد ضربه می زند اما بهترین جایگزین که کمترین آسیب را دارد تشویق و تنبیه جمعی است. بچه ها نسبت به همدیگر حساس می شوند. احساس مسئولیت می کنند این احساس مسئولیت از سر محبت، خطای دیگران را خطای خودشان حساب می کنند. در چنین جامعه ایی مثل آب خوردن می توان امر به معروف و نهی از منکر را جا انداخت.

«نیاز به حامی»

- یکی از آسیب های تک فرزندی همین هست. خانه ای که یک فرزند بیشتر ندارد چطور توقع داریم که احساس حساسیت نسبت به جامعه و خانواده پیدا کند. او تک هست. او کمتر مای در خانواده را می فهمد.
- تشویق و تنبیه جمعی، یک راه برانگیختن حس اجتماعی کودک در خانواده است. این روش تربیتی خدا هست که گاهی و بلکه بسیاری از اوقات به صورت جمعی بندگانش را تشویق یا تنبیه می کند. « خداوند متعال به شعیب پیامبر وحی فرمود که: من صد هزار نفر از مردم تو را عذاب خواهم کرد: چهل هزار نفر بدکار را، شصت هزار نفر از نیکانشان را. شعیب عرض کرد: پروردگارا! بدکاران سزاوارند اما نیکان چرا؟ خداوند عزوجل به او وحی فرمود که: آنان با گنهکاران راه آمدند و به خاطر خشم من به خشم نیامدند؛ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ شُعَيْبُ النَّبِيِّ أَنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ دَاهِنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغْضَبُوا لِيغْضِبِي»^{۹۲}

^{۹۲}. کافی، ج ۵، ص ۵۶.

«نیاز به حامی»

- امام صادق ع می فرماید: «خداوند صدقه سر نماز خوان ها، بلا و تنبیه را از سر بی نمازها بر می دارد. خدا به خاطر زکات دهنده ها بلا را از سر کسانی که زکات نمی دهند بر می دارد و ... ؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَيُدْفَعُ بِمَنْ يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَيَّ تَرَكَ الصَّلَاةَ لَهَلَكُوا وَإِنَّ اللَّهَ لَيُدْفَعُ بِمَنْ يُزَكِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُزَكِّي وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَيَّ تَرَكَ الزَّكَاةَ لَهَلَكُوا وَإِنَّ اللَّهَ لَيُدْفَعُ بِمَنْ يَحُجُّ مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يَحُجُّ وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَيَّ تَرَكَ الْحَجَّ لَهَلَكُوا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ»^{۹۳} فَوَاللَّهِ مَا نَزَلَتْ إِلَّا فِيكُمْ وَ لَا عَنِّي بِهَا غَيْرُكُمْ^{۹۴}! اینها نمون های از برخورد جمعی خدا با ماست.

۲. دلسوزی بچه ها بر یکدیگر در خانواده نه بی تفاوتی!

- دومین کار در خانه این است که اعضای خانواده، خواهر برادر، پدر و مادر نسبت به همدیگر دلسوزی باشند نه اینکه بی تفاوت عبور کنند. اگر بچه ای خطا کرد، اول با زبان نرم، داداش و خواهر به او تذکر دهند، در بعضی خانه

^{۹۳}. بقره، ۲۵۱.

^{۹۴}. کافی، ج ۲، ص ۴۵۱.

«نیاز به حامی»

ها، اگرچه اهل خانه در یک خانه هستند ولی اهل خانه با همدیگر قهر هستند. فرمود مثل حیوانات که سر در آخور می کنند و به بقیه حیوانات کاری ندارند نباشید. این حالت، حالت آدم های بد هست. هر دفعه صاحب چراگاه یکی از این چهاربایان را به کشتارگاه می برد و ذبح می کند، و بقیه هم بی تفاوت هستند. «إِنَّ بَعْدَ اثْتِلَافِ قُلُوبِ الْفُجَّارِ إِذَا التَّقَوَّاءُ - وَ إِنِّ أَنْظَهُرُوا التَّوَدُّدَ بِالسِّنْتِهِمْ - كَبَعْدِ الْبَهَائِمِ مِنَ التَّعَاطُفِ وَإِنَّ طَالَ اعْتِلَافُهَا عَلَى مَدْوَدٍ وَاحِدٍ^{۹۵}! بعضی ها برای «زندگی چراگاهی» چه کلاسی هم قائلند! باید ساختارهای سبک زندگی را عوض کنیم. در تمدن غرب آدم ها با همدیگر کار ندارند. اول هم در محیط خانه.

- اگر بچه ای در محیط خانه، تنبلی کرد، اتاقتش را کثیف کرد و یا اتاقتش را مرتب نکرد. همه احساس مسئولیت کنند بروند او را کمک کنند در نظافت اتاق. بچه ها معمولا با این پاسخ که به من چه؟ یا او اتاق را کثیف کرده از کمک کردن به خواهر و بردارشان فرار می کنند. باید مادر به او بگوید عزیزم ما یکی هستیم. بگویند این جا محل زندگی ماست. بچه شاید مقاومت کنند،

^{۹۵}. تحف العقول: ۳۷۳.

«نیاز به حامی»

باید منطق ما بودن، خوشگل بودن ما بودن، زشت بودن تنها بودن را به آنها نشان دهیم.

چگونه فرزندان را عدالت پیشه و عدالت خواه تربیت کنیم؟

- بعد از اینکه بچه ها نسبت به اجتماع حساس شدند. حالا نوبت به این می رسد که ما چگونه فرزندان را عدالت پیشه و عدالت خواه تربیت کنیم؟

رعایت عدالت توسط پدر

- اولین عدالت، عدالتی هست که پدر در محیط خانه باید رعایت کند. البته پدر به عنوان مدیر خانواده، باید حرمت او توسط مادر حفظ شده باشد تا عدالت او، به چشم بیاید. بچه ها از عدالت پدر، لذت ببرند. محترم بودن پدر در خانه، پایه تربیت فرزندان بر محور عدالت پیشگی هست.
- پدری که محترم هست، مادری محبوب هست حالا می شود درباره عدالت صحبت کرد. فرمود: «عدالت از عسل شیرین تر است. «إِنَّ الْعَدْلَ أَحْلَى مِنْ

«نیاز به حامی»

العسل^{۹۶} عدالت مثل شهد شیرین هست. اما این شهد شیرین اگر از ناحیه پدر محترم و مادر محبوب به کام بچه ها ریخته شود. غوغا می کند.

عدالت در محبت ورزی

- اولین شیوه برانگیختن حس عدالت خواهی، رعایت عدالت توسط پدر هست. عدالت فقط با گفتگو حل نمی شود باید عملیاتی در خانه محقق شود. و اولین عدالتی که پدر باید در خانه رعایت کند، عدالت در محبت ورزی هست. البته قبل از این که عدالت در محبت ورزی را توضیح دهیم لازم هست معنای عدالت را توضیح دهیم.

معنای درست عدالت

- خیلی ها عدالت را مساوی تساوی می گیرند. این برداشت غلطی از عدالت هست. عدالت یعنی رعایت تناسب. شما به همراه ۲ فرزند پسر یا دختر ۷ ساله و ۲۰ ساله خودتان می روی لباس فروشی برای خرید لباس، بعد از اینکه برای هر کدام لباسی را انتخاب کردید به فروشند می گوئید سایز مناسب هر کدام را بیاور. سایز هر کدام متفاوت هست.

^{۹۶}. کافی، ج ۱، ص ۵۴۲.

«نیاز به حامی»

نه دختر نه پسر هیچکدام به شما اعتراض نمی کنند که چرا اندازه لباس ها با هم فرق می کند و نمی گویند شما عدالت را رعایت نکردی بلکه بی عدالتی آن هست که برای پسر ۷ ساله سایز ۲۰ ساله بگیری و برعکس که البته هیچ آدم عاقلی اینکار را نمی کند و واقعا خنده دار هست.

عدالت یعنی رعایت تناسب ها و تفاوت ها

- پس عدالت یعنی رعایت تناسب، دیدن تفاوت های بین فرزندان. بعضی از پدر و مادرها دچار کور رنگی تربیتی می شوند. همان مادری که آنقدر حساس هست به آب دادن شمعدانی هایش، می داند به کدام گیاهش هر روز آب برساند، به کدام گیاهش هفتگی آب برساند، اما وقتی به فرزندانش می رسد به یک باره فراموشی عجیب و غریبی می گیرد کلا از حافظه اش پاک می شود که در عالم تفاوت ها زندگی می کند.

- پدر و مادری که مهارت درک تفاوت بین فرزندان خودش فعال نکرده باشد، او را در تربیت نابود می کند. نمی تواند استعداد های متفاوت بچه هایش را شناسایی کند و رشد دهد. فکر می کند همه بچه ها یک جور

«نیاز به حامی»

هستند. و خداوند به زنان و بانوان قدرت عجیبی داده که تفاوت ها را ببینند. مثلا خانم ها می دانند، دو رنگ شبیه به هم چه تفاوت هایی دارند. این رنگ با آن رنگ چه تفاوتی دارد؛ بسیاری از مردان در این زمینه، تقریبا شوت هستند.

- البته برای اینکه مادر، بتواند تفاوت ها را درک کند، علاوه بر آموزش و آگاهی نیاز به لطافت روحی دارند. چقدر لطافت روح می خواهد، تا اینکه چشم دیدن تفاوت ها را داشته باشیم! مادر خودخواه نمی تواند تفاوت ها را ببیند، مادری که خودخواه باشد، کور می شود نمی تواند تفاوت ها رو تشخیص بدهد! پیامبر فرمود: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ» ؛ علاقه تو به یک چیز موجب کور شدن و کور شدن تو می شود^{۹۷}

عدالت پدر در تقسیم محبت

- اولین عدالتی که باید در خانه نسبت به فرزند رعایت شود، توسط پدر، عدالت در محبت هست. پدر باید مثل نهري در خانه، محبت را جاری کند در جای خودش، قید مهمی زدم در جای خودش؛ امام صادق(علیه

^{۹۷}. الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰.

«نیاز به حامی»

السلام) می فرماید: «خداوند مرد را به خاطر شدت محبت و دوستی
فرزندش مورد رحمت خویش قرار می دهد؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَرْحَمُ
الرَّجُلَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَاهُ»^{۹۸}

- ما الان دچار پدیده ای شده ایم به عنوان «فرزندان سالاری»، هم افراط
در محبت هم تفریط در محبت، اگر فرمودند ۷ سال دوم دوران ادب
هست، کافی هست که شما به جای ادب، محبت را پر رنگ کنید. این
یعنی عدالت در محبت را نوزیدی. اگر در ۷ سال اول، که دوران
سروری و شکوفایی گرایشات و علاقه های فرزندان هست. بچه ها را
غرق در محبت نکردیم، محبت را کوپنی کردیم. محبت کردن را منوط
به تشویق و تنبیه کردیم. اگر اینکار خوب را انجام بدهی دوست دارم
اگر اینکار بد را انجام بدهی بدم می آید. بچه الان چون محتاج محبت
شماست به خاطر جلب محبت شما، اینکار خوب را انجام می دهد یا
آن کار بد را ترک می کند اما فردا که بزرگ شد می فهمد باید همه
کارهای خودش را براساس دل بخواهی هایش انجام بدهد، حالا دیگر

^{۹۸}. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۷۷.

«نیاز به حامی»

شما را آنقدر دوست ندارد یا دوست داشتن شما برایش اینقدر مهم نیست، برای دوست داشتنی های دیگر با روی خوبی ها می گذارد.

• عدالت در محبت، کار ساده ای هست؟ اگر عدالت یعنی رعایت تناسب

نه تساوی. گاهی عدالت در محبت، به محبت نکردن به فرزند هست.

و این از عجایب عدالت در محبت هست. «به خداوند سوگند، من در

ارتباط با بعضی از فرزندانم، شخصیت او را می سازم، او را روی زانوی

خود می نشانم و بسیار به او محبت می کنم. زیاد به او اهمیت می دهم و

او را به عنوان نعمت خداوند بزرگ می بینم. با آنکه این همه احترام و

محبت، شایسته فرزند دیگر من است، اما این نوع کارها را می کنم تا

او به عوارضی مبتلا نشود، جان فرزند شایسته ام از شر او مصون باشد

و با او رفتاری را که برادران یوسف با وی نمودند، نمایند. جَعْفَرُ بْنُ

مُحَمَّدٍ قَالَ وَالِدِي عَ وَاللَّهِ إِنِّي لَأُصَانِعُ بَعْضَ وُلْدِي وَأَجْلِسُهُ عَلَى فَخِذِي

وَأُنْكِرُ لَهُ الْمَخَّ وَأَكْسِرُ لَهُ السُّكَّرَ وَإِنَّ الْحَقَّ لَغَيْرِهِ مِنْ وُلْدِي وَلَكِنْ

مُخَالَفَةً [مُحَافَظَةً] عَلَيْهِ مِنْهُ وَمِنْ غَيْرِهِ - لَا [لِنَلَا] يَصْنَعُوا بِهِ مَا فَعَلَ

يُوسُفَ وَإِخْوَتَهُ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ سُورَةَ إِلَّا أَمْثَالًا لَكِنْ لَا يَجِدُ بَعْضُنَا بَعْضًا

كَمَا حَسَدَ يُوسُفَ إِخْوَتَهُ وَبَغَوْا عَلَيْهِ فَجَعَلَهَا رَحْمَةً عَلَيَّ مِنْ تَوْلَانَا وَدَانَ

«نیاز به حامی»

بِحُبِّنا وَ حُجَّةٍ عَلَيَّ أَعْدائُنَا مَنْ نَصَبَ لَنَا الْحَرْبَ وَالْعَدَاوَةَ^{۹۹} می خواهی عدالت در محبت به ورزی به بچه ای که سزاور محبت ورزیدن هست نباید محبت به ورزی.)

- بعضی از پدرها، عدالت در محبت ورزیدن ندارند، باز می گویم عدالت یعنی رعایت تناسب ها و ظرائف ها و ظرفیت ها، مثلاً فرمود اگر هدیه خریدی اول به دخترت بده. این عین عدالت هست. چرا؟ چون نیاز روحی دختر به محبت بیشتر هست که در سبقت در هدیه دادن تجلی پیدا می کند. هر که بامش بیشتر برفش بیشتر.

دومین شیوه برانگیختن حس عدالت خواهی در فرزندان: مبارزه پدر و مادر با دل بخواهی هایش

- دومین شیوه برانگیختن حس عدالت خواهی در فرزندان، این است که بچه ها در خانه ببینند که پدر و مادر اهل مبارزه با دل بخواهی های

^{۹۹}. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۶.

^{۱۰۰} « مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ، كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ، وَلِيَبْدَأَ بِالْإِنَائِثِ قَبْلَ الذُّكُورِ. » (ثواب الأعمال: ص ۲۳۹ ح ۱)

«نیاز به حامی»

خودشان هستند. امیرالمومنین در ویژگی های متقین می فرمایند:

«فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَىٰ عَنِ نَفْسِهِ»^{۱۰۱}

- پدر و مادر اگر می خواهند، حس عدالت طلبی بچه ها را بر انگیزند، باید اهل خود کنترلی باشند. خودکنترلی یعنی شما یک چیزی را دوست داشتی دست برداشتی و لبخند زدی. این گوهر مرکزی تقواست. ماماها باباهای محترم، نماز شما الگو نیست می گوید بابا ماما نماز را دوست داشت خواند، من دوست ندارم نمی خوانم.
- بچه در مکتب پدر و مادر کجا تربیت می شود؟ آنجا که ماماها پا روی دلش گذاشت. دلش ساخت اما گذاشت.
- نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در عروسی فاطمه زهرا سلام الله علیها یک دست پیراهن نو به دخترش داده بود تا در شب عروسی بپوشد. هنگامی که موکب عروس رهسپار خانه حضرت علی علیه السلام بود، زن سائلی پیش آمد، و در برابر عروس اظهار احتیاج نمود. فاطمه سلام الله علیهم که در آن وقت دو پیراهن داشت: یکی کهنه

^{۱۰۱}. نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

«نیاز به حامی»

و دیگری نو، به مصداق آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»^{۱۰۲}

- هرگز به نیکی دست نمی‌یابید و از نیکان نمی‌شوید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید. پیراهن نو را به فقیر بخشید. فاطمه علیها السلام مظهر تقوا و ایثار، همراهان را به دور خود جمع کرد، و بی‌درنگ «لباس عروسی» را از تن در آورد و به آن زن فقیر بخشید.
- ابن عباس نقل نموده که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بیمار شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی علیه السلام گفتند: چه خوب است که برای بهبودی فرزندان نذری کنی. علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها و فضه - کنیز آن دو بزرگوار - نذر کردند که اگر کودکان بهبودی یافتند، سه روز روزه بدارند. بچه‌ها بهبودی یافتند و اثری از کسالت باقی نماند. حضرت علی علیه السلام سه من جو قرض گرفت و فاطمه سلام الله علیها یک من آن را آرد کرده، از آن نان درست کرد و سهم هر کسی را جلویش گذاشت تا افطار کند. در همین حال سائلی به در خانه آمد و

^{۱۰۲}. آل عمران، ۹۲.

«نیاز به حامی»

گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله وسلم . من مسکینم، مرا طعام دهید! خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره نیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم یتیمی بر در خانه آمد و غذا خواست و آن‌ها غذای شان را به او دادند. در شب سوم اسیری آمد و همان عمل را نسبت به او کردند. صبح روز چهارم علی علیه السلام دست امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را گرفت و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمد. آن حضرت وقتی بچه‌ها را دید که از شدت گرسنگی ضعیف شده‌اند، گریه کرد. در این هنگام جبرئیل با سوره دهر بر آن حضرت نازل شد. آیاتی که در سوره انسان درباره ابرار نازل شده، در شان فاطمه سلام الله علیها و خانواده اوست که نشان می‌دهد ارزش ایشان و اطعام آنان به خاطر نهایت اخلاص در راستای کسب رضایت پروردگار می‌باشد و لذا می‌فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا؛ و غذایی را که از شدت احتیاج دوست می‌داشتند، به مسکین و یتیم و اسیر عطا

«نیاز به حامی»

کردند و گفتند: شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم؛ نه از

شما عوضی می‌خواهیم و نه انتظار سپاس و ثنایی داریم.^{۱۰۳}

• بچه باید مبارزه با هوای نفس را ببیند. مبارزه با دلم می‌خواهد. پدر غذا را دوست دارد اما پا روی دلش می‌گذارد. مادر لباس را دوست دارد اما پا روی دلش می‌گذارد

• خانم‌ها وقتی ناراحت می‌شوند منفی حرف می‌زنند، خانم‌های در تربیت فرزند موفق ترند که لحظه ناراحتی حرف منفی نزنند. چرا مبالغه آمیز حرف زدی؟ بچه ای که چنین مامانی داشته باشد تربیتش تقریباً محاله! پدر و مادر محترم! موقع عصبانیت تنبیه نکن «لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ»^{۱۰۴} بچه فکر می‌کند داری خودت را تخلیه می‌کنی. عزیزم یک ساعت دیرتر ناهار می‌خوریم چون مشقت را سر موقع نوشتی. آدم می‌تواند با محبت تنبیه کند.^{۱۰۵}

^{۱۰۳}. انسان، ۸، و ۹.

^{۱۰۴}. غرر، ۷۷۰.

^{۱۰۵} علیرضا پناهیان، گوهر مرکزی تربیت در دوران دبستان، تهران، سال ۱۳۹۵.

«نیاز به حامی»

- سیاسیون، به عنوان مربیان جامعه، اگر بخواهند عدالت را پیشه کنند، خیلی باید اهل مبارزه با هوای نفس خودشان باشند. رفاه طلبی مسئولین نقطه مقابل عدالت خواهی هست. بعد می بینی مسئولی که اهل مبارزه با هوای نفس نیست، به هر دلیل منطقی و غیر منطقی علیه عدالت و مبارزه با فساد حرف می زند. آدم ها در سیاست خود حقیقی خودشان را لو می دهند. فرمود «فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمُ جَوَاهِرِ الرَّجَالِ وَالْأَيَّامُ تُوضِحُ لَكَ السَّرَائِرَ الْكَامِنَةَ ؛ در دگرگونیهای احوال و زمانه است که گوهر مردان شناخته می شود، و روزگار نیت های پنهان را برای تو آشکار می سازد.» کافی هست یک مدتی به یک آقا یا خانمی مسئولیت بدهی، خودش را در این مدت بدجوری لو می دهد.

عدالت مسئولین در سطح زندگی مشخص می شود

- عدالت مسئولین به این هست که سطح زندگی خودشان را در حد فقیرترین افراد جامعه بیاورند. امیرالمؤمنین فرمود: «حاکمان جامعه باید زندگی خودشان را در پایین ترین سطح مردم جامعه قرار دهند؛ تا فقرا

۱۰۶. کافی، ج ۸، ص ۲۳.

«نیاز به حامی»

دلشان گرم باشد و بی تاب نکند؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ
الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ؛ كَيْ لَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ.^{۱۰۷}

نان علی، خوردنی نیست

- دو نفر از یاران امام علی ع نقل می کنند که وارد خانه حضرت شدیم و در پیش رویش ظرفی [بافته شده] از لیف بود که درون آن، یک یا دو گرده نان جو قرار داشت و سبوس های آن، در نان پیدا بود می گوید من دیدم حضرت اینقدر این نان سفت بود که حضرت با زانویش می شکست و با نمک می خورد. به فضّه، گفتیم: آیا این آرد را برای امیر مؤمنان، الّک نکرده ای؟ گفت: او گوارا بخورد و گناهش به گردن من باشد؟! حضرت فرمود لبخندی زد و فرمود: «من دستور داده ام که الّک نکند». گفتیم: چرا، ای امیر مؤمنان؟ فرمود: «این، برای تواضع نفس، مناسب تر است و موجب می شود که مؤمن، به من اقتدا کند و من به دوستانم ملحق شوم. [شاید منظور حضرت دوستان شهیدش هست که زاهدانه زندگی کردند و از دنیا رفتند]». «دَخَلْنَا عَلَى عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَبَيْنَ يَدَيْهِ طَبَقٌ مِنْ خَوْصٍ عَلَيْهِ قُرْصٌ أَوْ قُرْصَانِ مِنْ شَعْبِرٍ وَ أَنَّ أَسْطَارَ

^{۱۰۷}. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹.

«نیاز به حامی»

النُّخَالَةَ لَتَبِينُ فِي الْخُبْزِ، وَهُوَ يَكْسِرُهُ عَلَى رُكْبَتِهِ، وَيَأْكُلُهُ بِمِلْحِ جَرِيشٍ.
فَقُلْنَا لِجَارِيَةٍ سَوْدَاءَ اسْمُهَا فِضَّةٌ: أَلَا نَخَلْتِ هَذَا الدَّقِيقَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟!
فَقَالَتْ: أَيْ يَأْكُلُ هُوَ الْمَهْنَاءُ وَيَكُونُ الْوِزْرُ فِي عُنُقِي؟ فَتَبَسَّمْ وَقَالَ: أَنَا أَمْرَتُهَا
أَنْ لَا تَنْخَلِيهِ. قُلْنَا: وَلِمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟! قَالَ: ذَلِكَ أَجْدَرُ أَنْ يُذِلَّ النَّفْسَ،
وَيَقْتَدِيَ بِبِيِ الْمُؤْمِنِ وَالْحَقِّ بِأَصْحَابِي^{۱۰۸}: امیرالمومنین علیه السلام در
حکومتش نه به دنبال نانی برای خودش بود نه نامی.

امام علی ع در پنج سال حکومت، آجری روی آجری نگذاشت

- امام باقر ع می فرماید: «امیرالمومنین پنج سال بر مردم حکومت کرد و آجری بر آجر و خشتی بر خشتی ننهاد؛ وَلَقَدْ وَلِيَ النَّاسَ خَمْسَ سِنِينَ فَمَا وَضَعَ آجْرَةً عَلَى آجْرَةٍ وَلَا لَبِنَةً عَلَى لَبِنَةٍ^{۱۰۹}»
- حضرت خطاب به مردم بصره بعد از جنگ جمل فرمود: «ای مردمان بصره! از چه می خواهید بر من خُرده گیرید؟». به لباس و ردایش اشاره کرد و فرمود: «به خدا سوگند، این دو از نخریسی همسرم است. از چه

^{۱۰۸}. ربيع الأبرار: ج ۲ ص ۶۹۳.

^{۱۰۹}. کافی، ج ۸، ص ۱۳۰.

«نیاز به حامی»

می‌خواهید بر من خُرده گیرید ای بصریان؟» یعنی ببیند مسئول شما چقدر پاک دست هست.

- بعد اشاره کرد به کیسه‌ای که در دستش بود و خرجی‌اش در آن قرار داشت. فرمود: «به خدا سوگند، این، از محصولات من در مدینه است. پس اگر از نزد شما بیرون روم و بیش از آنچه می‌بینید با من باشد، پس نزد خداوند، از خیانتکارانم». «مَا تَتَّقِمُونَ مِنِّي يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ؟ وَ أَشَارَ إِلَى صُرَّةٍ فِي يَدِهِ فِيهَا نَفَقَتُهُ فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا هِيَ إِلَّا مِنْ غَلَّتِي بِالْمَدِينَةِ؛ فَإِنَا خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِكُمْ بِأَكْثَرِ مِمَّا تَرَوْنَ فَأَنَا عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَائِنِينَ»^{۱۱۰}
- یعنی طوری امیرالمؤمنین رفتار می‌کند کسی هوس نکند مسئول و سیاست‌مدار شود. بگوید ولما کن تو رو خدا بگذار زندگی خودمان را بکنیم. شاید بعضی‌ها بگویند چرا این حرف‌ها را به ما می‌زنید بروید به مسئولین بزنید؟ چون من و شما هستیم که مسئولین را انتخاب می‌کنیم. مسئولینی انتخاب کنیم ظرفیت این را داشته‌اند که زندگی خودش را در سطح پایین قرار دهد.

^{۱۱۰}. الجمل، ص ۴۲۲.

«نیاز به حامی»

مسئول عادل به خودش سخت می گیرد نه مردمش

• مسئول عادل به خودش سخت می گیرد نه مردمش. هرچقدر امیرالمؤمنین به خودش سخت می گیرد به مردم آسان می گیرد. فرمود «امام علی ع به مردم نان و گوشت می داد به خودش نان و روغن می خورد!؛ وَيُطْعِمُ النَّاسَ خُبْزَ الْبُرِّ وَاللَّحْمَ، وَيَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ فَيَأْكُلُ الْخُبْزَ وَالزَّيْتُ»^{۱۱۱} این سیره شخصی حضرت هست، سیره سیاسی حضرت هم همین طور هست.

• فرمود در دوران حکومت حضرت این گونه شده بود که: «در کوفه کسی نیست، جز آن که از رفاه برخوردار است. پایین ترین مردمان کوفه از نظر جایگاه [اقتصادی، چنان است که] نان گندم می خورد و در سایه می نشیند و از آب فرات می نوشد؛ ما أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِمًا؛ إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنْزِلَةٌ لِيَأْكُلُ مِنَ الْبُرِّ وَيَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ»^{۱۱۲}

^{۱۱۱}. همان.

^{۱۱۲}. المناقب لابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۹۹.

«نیاز به حامی»

- حضرت زهرا س فرمود از حکومت علی بن ابی طالب ع نترسید، علی به خودش سخت می گیرد به شما سخت نمی گیرد. اگر کار را به علی (ع) بسپارید، ایشان به شما سهل می گیرد. «وَمَا تَقْمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ تَقْمُوا وَاللَّهُ مِنْهُ نَكِيرٌ سَيْفُهُ وَشِدَّةٌ وَطَأْتُهُ وَنَكَالٌ وَقَعْتَهُ وَتَنْمُرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عِزٍّ وَجَلٍّ وَاللَّهُ لَوْ تَكَافَأُوا عَنْ زِمَامِ نَبِيِّهِ رَسُولُ اللَّهِ ص لَأَعْتَلَقَهُ وَ لَسَارَ بِهِمْ سَيْرًا سُجْحًا لَا يَكْلُمُ خَشَاشَهُ وَلَا يَتَعْتَعُ رَاكِبُهُ... إِلَّا بِغَمْرِ الْمَاءِ وَرَدَعِهِ سَوْرَةَ السَّاعِبِ»^{۱۱۳}

^{۱۱۳} . معانی الاخبار، ص ۳۵۵.

«نیاز به حامی»

جلسه پنجم: «حمایت های سیاسی» که فرزند در خانواده دریافت می

کند؟

پیام: درک سیاسی داشتن، تصمیم درست سیاسی، سیاست ورزی نه سیاست بازی.

انتخابات صحیح

مشکل اصلی مردم مدینه چه بود؟

- ما در شب شهادت حضرت زهرا س، شما را می خواهیم ببریم وسط ماجرای فاطمیه، آن مشکل اصلی مردم مدینه چه بود که موجب شد فاطمه س پشت در بیاید؟ آیا مردم نماز نمی خواندند؟ آیا روزه نمی گرفتند؟ چرا مردم مدینه به دعوت حضرت زهرا س پاسخ مثبت نمی دادند؟ فاطمه (س) با آن عواطف و احساساتی که داشتند و مردم با احساسات و گریه های حضرت زهرا س گریه می کردند می فرمود: «انصروا اللهَ فَإِنَّ ابْنَ نَبِيِّكُمْ؛ خدا را یاری کنید؛ من دختر شما پیغمبر شما هستم»^{۱۱۴} این جمله حضرت زهرا س یک دعوت است. چرا مردم مدینه به این دعوت حضرت زهرا س، پاسخ نمی دادند؟

^{۱۱۴}. الاختصاص، ص ۱۸۴.

«نیاز به حامی»

- امام صادق (ع) فرمود: «هیچ کسی او را یاری نکرد، یک نفر هم قول همکاری و همیاری نداد؛ فَمَا أَعَانَهَا أَحَدٌ وَ لَا أَجَابَهَا وَ لَا نَصَرَهَا»^{۱۱۵} آقا خیلی عجیب هست. در شهر پیامبر، این فاطمه نیاز به حامی داشته باشد و کسی او را اجابت نکند؟ مگر فاطمه یک شخصیت ناشناخته شده بود؟! نه فاطمه یک جایگاه بالای اجتماعی داشت. تک فرزند و تنها یادگار آن رسول الله. با آن هم احترامی که رسول الله ص به فاطمه داشتند. هر وقت فاطمه می آمد به قامت می ایستد.^{۱۱۶} این فاطمه همان فاطمه هست که سوره هل اتی در شان او نازل شده است. مردم مگر حافظه خودشان را از دست داده اند؟ یا جایگاه فاطمه س را فراموش کرده اند؟ پس چرا کسی حتی یک نفر هم جواب نمی دهد.
- بنده یک غریبه هستم در یک شهری می روم درخواستی می کنم دو نفر جواب می دهد. حالا فاطمه سلام الله علیها در شهر پدرش پیامبر خدا، همه می شناسند فاطمه کیست؟ چه جایگاهی دارد. آیات قرآن

^{۱۱۵}. الاختصاص، ص ۱۸۴.

^{۱۱۶}. «كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ بَهَا وَ قَامَ إِلَيْهَا فَأَخَذَ بِيَدِهَا وَ قَبَّلَ يَدَهَا وَ أَجَدَّ سَهَا فِي مَجْدٍ سَهٍ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا رَحَبَتْ بِهِ وَ قَامَتْ إِلَيْهِ وَ أَخَذَتْ بِيَدِهِ فَقَبَّلَتْهَا» (بشاره المصطفى،

«نیاز به حامی»

در شان فاطمه نازل شده است. چرا در چنین شهری فاطمه باید بگوید خدا را یاری کند. این نیاز به حامی، توسط فاطمه دختر بیغمیرتان درخواست می شود. شما پیمان بستید که همان طور که پیامبر را حمایت کنید، خانواده پیامبر را حمایت کنید. پس چرا خبری نشد؟

- این مردم همان مردمی هستند که با چشم خود دیدند رسول خدا ص در شش ماه پایانی عمرشان هر روز بعد از نماز صبح، می آمد درب خانه امیرالمومنین و با صدای بلند می فرمود: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه» یعنی اهل بیت را گم نکنید. چنین فاطمه با چنین جایگاهی دارد هیچ کسی یاریش نکند؟! واقعا عجیب هست. مگر فاطمه از مردم چه می خواست که احدی حاضر نبود فاطمه س را یاری کند؟

عدم فهم سیاسی از ولایت، اصلی ترین مشکل مردم مدینه

- مردم مدینه نه تارک الصلاه بودند نه روزه خوار، یکی از اصلی ترین مشکلات مردم مدینه این بود که فهم سیاسی از ولایت نداشتند. فاطمه (س) با آن قدر و عظمت، فدا شد تا مردم ولایت را فهم کنند. و اصلا

«نیاز به حامی»

فاطمه س فدا شد به خاطر اینکه مردم فهم درستی از ولایت نداشتند.^{۱۱۷}

- ما موضوع خیلی مهمی را مورد توجه قرار دادیم، ببینید فاطمه س با آن عظمت، با آن شکوه، هزینه یک موضوع کوچک نمی شود. خدا می خواهد فاطمه س را هزینه کند، وقتی می خواهد خدا فاطمه س را هزینه کند، پس باید آن موضوع خیلی مهم باشد. آن موضوع مهم چیست؟ فاطمه فدا می شود برای اینکه مردم ولایت را به درستی بفهمند. و فهم درستی از ولایت پیدا کنند.

فهم درست ولایت؛ ولایت یعنی سیاست

- حالا فهم درست از ولایت چیست؟ فهم درست ولایت این است که ولایت یعنی سیاست؛ تار و پود ولایت چیزی جز سیاست و قدرت و حاکمیت نیست. مراقب باشید آدرس غلط به شما ندهند. اگر ما از ولایت یاد سیاست نفی کنیم یعنی ما هم فهم درستی از ولایت نداریم.

^{۱۱۷} علی‌رضا پناهیان، فاطمیه بزرگ تهران، سال ۱۳۹۴.

«نیاز به حامی»

پیوند ناگسستنی بین ولایت و سیاست برقرار است. حضرت امیر فرمود:
ولایت معنایی ندارد جز حکومت بر امت؛ «فَمَا الْوَلَايَةُ غَيْرَ الْإِمَارَةِ عَلَى
الْأُمَّةِ» اداره جامعه مسلمین.

عدم درک سیاسی، یعنی فرق نگذاشتن بین نظام ولایی با نظام غیر ولایی

- مشکل دوم مردم مدینه این بود که فرق زیادی بین نظام مدیریتی ولایی و نظام مدیریتی غیرولایی نمی گذاشتند. این یعنی عدم درک سیاسی؛ می گفتند حالا چه فرقی می کند چه کسی بر سر مسند قدرت قرار بگیرد؟ علی جوان هست نوبت به او خواهد رسید؛ برخی از آنها خطاب به امام می گفتند که اگر زودتر آمده بودی با تو بیعت می کردیم. «قَالَتْ جَمَاعَةٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، لَوْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ سَمِعْتَهُ مِنْكَ الْأَنْصَارُ قَبْلَ بَيْعَتِهَا لِأَبِي بَكْرٍ مَا اخْتَلَفَ فِيكَ اثْنَانِ»^{۱۱۸} یا یکی از سران انصار بعد از شنیدن سخنان حضرت درباره مواضع سیاسی خودشان و اینکه حضرت سزاوارترین فرد به حکومت هستند گفت: «ای ابوالحسن! به خدا سوگند، اگر مردم، این سخن را پیش از بیعت از تو شنیده بودند،

^{۱۱۸}. سلیم، ج ۲، ص ۶۵۱.

^{۱۱۹}. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۳۶.

«نیاز به حامی»

دو نفر هم بر سر تو اختلاف نمی‌کردند و همه مردم با تو بیعت می‌نمودند؛ اما تو در خانه‌ات نشستنی و در این کار، حاضر نشدی و مردم پنداشتند که تو نیازی به خلافت نداری. اکنون هم بیعت با این پیرمرد، رخ داده [و به انجام رسیده است] و تو، اختیار کار خود را دارد؛ «أَبَا الْحَسَنِ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ هَذَا الْكَلَامَ سَمِعَهُ النَّاسُ مِنْكَ قَبْلَ الْبَيْعَةِ لَمَا اخْتَلَفَ عَلَيْكَ رَجُلَانِ، وَلِبَايَعَكَ النَّاسُ كُلَّهُمْ، غَيْرَ أَنَّكَ جَلَسْتَ فِي مَتْرِكٍ وَلَمْ تَشْهَدْ هَذَا الْأَمْرَ، فَظَنَّ النَّاسُ أَنْ لَا حَاجَةَ لَكَ فِيهِ»^{۱۲۰}

- فریادهای فاطمه زهرا س بر سر مردم این بود که فاصله بین نظام ولایی با نظام غیر ولایی را به مردم بفهماند. حضرت زهرا س عمق فاجعه نظام غیر ولایی را به مردم می‌خواست نشان دهد. می‌فرمود: در نظام غیر ولایی، شما را بشارت می‌دهم به شمشیرهای عریان و هرج و مرجی که فراگیر و دائمی است و ستمی که از ناحیه ظالمین به شما می‌رسد آنچنان که اموال عمومی حیف و میل می‌شود و اجتماع شما درو می‌شود. «أَبْشِرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَهَرْجٍ دَائِمٍ شَامِلٍ وَاسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ،

^{۱۲۰}. الاحتجاج: ج ۱ ص ۱۸۲ ح ۳۶

«نیاز به حامی»

يَدْعُ فَيَتَّكِمُ زَهِيْدًا، وَ جَمَعَكُمْ حَصِيْدًا^{۱۲۸} همه ضرر می کنید. از هستی ساقط می شوید. اقتصاد شما نابود می شود.

- خیلی فرق می کند سیاست و اداره زندگی مردم دست امیرالمومنین باشد یا دیگری؟ ولی متأسفانه مردم به ماجرای غصب حاکمیت، خیلی غیرسیاسی نگاه می کردند. و کلا مردم مدینه غیرسیاسی بودند. می گفتند حالا یا علی نوبت به شما هم می رسد. مشکل مردم مدینه نداشتن فهم سیاسی بود. و از دیدن آینده وحشتناک سیاسی خودشان ناپینا بودند. بصیرت سیاسی نداشتند. هشدارهای سیاسی حضرت زهرا س را هم جدی نمی گرفتند.

آسیب غیر سیاسی بودن مردم؛ آلت دست قرار گرفتن اهداف کثیف سیاسیون

- مهم ترین آسیب غیرسیاسی بودن مردم می دانید چیست؟ مردمی که غیرسیاسی باشند، خیلی ظرفیت دارند آلت دست اهداف کثیف سیاسیون خبیث قرار بگیرند. بعضی ها را دیدید چه ژست غیرسیاسی می گیرند. از عوام تا برخی از علماء، می گویند: «ما که سیاسی نیستیم.

^{۱۲۸}. دلائل الامامه، ص ۱۲۸.

«نیاز به حامی»

باید به اونها گفت تو مثل آب خوردن می توانی هدف سیاسیون قرار بگیری و وقتی می گویی من که غیرسیاسی هستم، نمی دانی این خودش یک موضع گیری سیاسی است. ضمن اینکه من نمی فهمم کسی می گوید من با سیاست کاری ندارم یعنی چه؟ یعنی شما با ولایت کار نداری؟ یعنی شما برایت فرقی نمی کند حکومت دست چه کسی باشد؟ احکام خدا تعطیل شود. پس تو با مردم بی خیال مدینه چه فرقی می کنی؟ مردم مدینه بی خیال سیاست بودند برای همین قربانی مقاصد شوم سیاسی دیگران قرار گرفتند.

علت اصلی مظلومیت ولایت احترام به فهم مردم

• هنوز هم فهم درستی از ولایت، نشده است. از بس ما به شرح و بسط ولایت نپرداختیم. علت اصلی مظلومیت ولایت احترام به فهم مردم است. آیا ما ساز و کار اعمال ولایت توسط ولی خدا را توضیح دادیم که مانع چنین سوء برداشت هایی از ولایت شویم؟ حضرت امیر فرمود: اگر تقوا نبود من سیاست مدارترین فرد در عرب بودم؛ «لَوْ لَا التَّقَى لَكُنْتُ أَدهَى الْعَرَبِ»^{۱۲۲} یعنی من براساس تقوا مدیریت می کنم. در

۱۲۲. کافی، ج ۸، ص ۲۴.

«نیاز به حامی»

مدیریت به مدل تقوا به انسان ها خیلی احترام گذاشته می شود. کرامت انسانی، فهم انسانی رعایت می شود. خودت چقدر می فهمی؟ معاویه زور می گوید . امیرالمومنین سخن می گوید. روشنگری می کند. توضیح می دهد. فرمود شما فکر می کنید ما به شما زور می گویم نه»^{۱۲۳}

نَلَزِمُكُمْوَهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ^{۱۲۳}»

• ولایت نه تنها زور نمی گوید و دیکتاتوری عمل نمی کند. بلکه آنقدر مراعات مردم را می کند تا آنجا که از مردم زور می شوند. امیرالمومنین فرمود: مردم از ظلم حاکمانشان می ترسند و من علی خود حاکم هستم، از ظلم مردم بر خودم می ترسم؛ «لَقَدْ أَصْبَحَتِ الْأُمَّمُ تُخَافُ ظُلْمَ رِعَاتِهَا وَ أَصْبَحَتْ أَخَافُ ظُلْمَ رِعِيَّتِي» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷) مگر یا علی شما چگونه مدیریت می کنی که مردم جرات پیدا می کنند به شما ظلم و تعدی کنند؟ شما چقدر مردم را رعایت می کنی که مردم احساس امنیت می کنند و شما و جایگاه شما را مراعات نمی کنند؟

۱۲۳ . هود، ۲۸.

«نیاز به حامی»

ولایت جذاب ترین بخش دین

- ما هنوز نتوانستیم ولایت را آنچنان که هست، به جهان معرفی کنیم. جذاب ترین بخش دین ماست. به خدا اگر بتوانیم به زیبایی ولایت را توضیح دهیم. همه عاشق مرام ما خواهند شد. از شرق تا غرب شیفته مکتب ما خواهند شد. ما هنوز نتوانستیم برای مردم توضیح دهیم دنیا بدون ولایت روی امنیت جانی مالی اقتصادی و شادی را نخواهد دید.

۱۲۴

- ما افتادیم در دعوای کلامی درباره ولایت و نتوانستیم کارکردهای ولایت را توضیح دهیم. دعوای کلامی سر جایش خوب ولی کی نوبت به بیان کارکردهای ولایت می رسد؟ امام حسن مجتبی ع فرمود: به جانم سوگند اگر مردم هنگام رحلت رسول خدا حکومت را به ما اهل بیت می سپردند و از ما پیروی می کردند از بالا و پایین می خورند بعد فرمود آنچه که مردم از دست دادند بیشتر از آن چیزی بود که ما از دست دادیم؛ لَعْمَرِي لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ قَبْضِ رَسُولِ اللَّهِ ص سَلَّمُوا

۱۲۴ علیرضا پناهیان، بی تو به سر نمی شود، ۱۳۹۹.

[.gsc.tab=6224#ht t p://panahian.ir/post/](https://panahian.ir/post/gsc.tab=6224#ht t p://panahian.ir/post/)

«نیاز به حامی»

لَنَا وَ اتَّبَعُونَا وَ قَلَدُونَا أُمُورَهُمْ لَأَكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ لَمَّا طَمَعَتْ [فِيهَا] أَنْتَ يَا مُعَاوِيَةَ فَمَا فَاتَهُمْ مِنْ أَكْثَرُ مِمَّا فَاتَنَا مِنْهُمْ»^{۱۲۵}

اگر کار را به ولایت نسپرید زمین و آسمان با شما قهر خواهند کرد، فرمود: «ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ» نظام غیر ولایی اصلاً قدرت حل مشکلات را به صورت ریشه ای نخواهد داشت. چنین ساختاری نمی تواند عدالت را برقرار کند. پیامبر (ص) فرمود: فاطمه جان به کسی که جانم در دست اوست سوگند که مهدی این امت کسی است که زمین را لبریز از عدالت می کند بعد از آنکه زمین از ظلم و بیداد پر شده است و دیگر جایی برای ظلم و جور وجود ندارد. «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّتِي يَمَلَأُ اللَّهُ بِهَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^{۱۲۶}

غیبت یعنی عدم احساس ضرورت نظام ولایی

- غیبت امام زمان، معنایش این است که شما بفهمید، نمی توانید بدون مدیریت ولایی، بدون نظام ولایی تمام مشکلات خودتان را حل کنید.

^{۱۲۵} . سلیم، ج ۲، ص ۷۷۲.

^{۱۲۶} . سلیم، ج ۱، ص ۵۶۷.

«نیاز به حامی»

بلکه گرفتار و لبریز از ظلم و ستم خواهید شد. تا به این بلوغ سیاسی نرسید حضرت تشریف فرما نمی شوند. چقدر فهم ساده و سختی است که ولایت نباشد، منافع شما تامین شدنی نیست. از این جهت سخت است که شیطان می ترساند؛ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^{۱۲۷}. نکند حکومت دست ولایت بایفتد سخت گیری کند. حضرت زهرا فرمود: «ترسید علی بر خودش سخت می گیرد بر شما سخت نمی گیرد».

- مهم ترین مساله حیات بشر، از آغاز تا فرجام، از دیروز تا امروز، محور حیات بشر، مساله ولایت است. مدیریت در دست چه کسی است؟ نباید به سادگی از کنار ولایت عبور کرد. نگذارید موضوع دیگری ذهن شما را درگیر خودش کند.

عصیان مردم مدینه نه شراب خواری نه هرزگی، بلکه عصیان سیاسی بود

- عصیان مردم مدینه، نه شراب خواری بود نه هرزگی فردی، عصیان مردم مدینه، بدتر از اینها بود، عصیان سیاسی بود. مردم مدینه خودشان

^{۱۲۷}. آل عمران، ۱۷۵.

«نیاز به حامی»

را بی نیاز از نظام ولایی و مدیریت ولایت می دانستند. همان حس استغنائی که به تعبیر قرآن انسان را به طغیان می کشاند. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى»^{۱۲۸} «اما می توانیم خودمان، بدون تکیه به خدا، با قهر از آسمان، مشکلات اقتصادی، معیشتی و... خودمان را حل کنیم. وقتی چنین حسی شکل گرفت. آغاز همه بدبختی ها و بردگی هاست، وقتی امیرالمومنین بین مردم جایگاه سیاسی و اجتماعی ندارد، طواغیت می توانند موج سواری کنند.

سیاست گریزی، اخلاق سامری امت

- یک نوع سیاست گریزی، فاصله گرفتن از در بین عده ایی از علاقمند به اخلاق و معنویت و دین وجود دارد شبیه اخلاق سامری این امت یعنی حسن بصری که امیرالمومنین درباره او فرمود او سامری این امت هست. سامری این امت قائل به دخالت در امور سیاسی نبود و می گفت لا قتال جنگ نه جنگ نه «أَمَا إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ سَامِرِيٌّ وَ هَذَا سَامِرِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَمَا إِنَّهُ لَا يَقُولُ لَا مِساسَ وَ لَكِنْ يَقُولُ لَا قِتَالَ»^{۱۲۹} در مجلس

^{۱۲۸} . علق، ۶ و ۷.

^{۱۲۹} . الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷۲.

«نیاز به حامی»

او نباید از مسائل سیاسی اجتماعی حرف زد. «الأشعث: كُنَّا إِذَا أَتَيْنَا
الْحَسَنَ لَا نَسْأَلُ عَنْ خَيْرٍ وَلَا نَخْبِرُ بِشَيْءٍ / وَإِنَّمَا كَانَ فِي أَمْرِ الْآخِرَةِ»^{۱۳۰}
هرکسی باید این سیاست گریزی را در خودش حل کند. وگرنه شبیه
حسن بصری می شود. این روحیه امروز هم در جامعه ما دیده می
شود!^{۱۳۱}

چرا باید به مسائل سیاسی توجه کنیم؟

۱. توجه به مسائل سیاسی، مصداق زمانه شناسی

- چرا باید به فهم سیاسی برسیم، اصلاً چرا باید به مسائل سیاسی توجه کنیم؟ توجه به مسائل سیاسی از جنس توجه به مسائل زمانه هست. پیغمبر به اباذر فرمود: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ. عَاقِلٌ آگَاهٌ بِه مسائل زمانه اش هست»^{۱۳۲}

^{۱۳۰}. الطبقات، ج ۷، ص ۱۲۳.

^{۱۳۱} علیرضا پناهیان، تنها مسیر برای زندگی به تدریج، ۲، سال ۱۳۹۴.

<http://panahian.ir/post/?gsc.t=۲۲۷۷#ht t p://panahian.ir/post/>

^{۱۳۲}. الخصال، ج ۲، ص ۵۲۵.

«نیاز به حامی»

• فرمود: «کسی که عالم به زمانش باشد؛ اشتباهات به او هجوم نمی آورد؛ الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْلُؤَابِسُ»^{۱۳۳} حالا اگر کسی عالم به زمانش نباشد، اشتباهات به او هجوم نمی آورد؟ حتما دچار اشتباهات فاحشی خواهد شد. فهم سیاسی، شناخت ساز و کار سیاست ما را از اشتباهات مصون می کند. چرا امام فرمود به عالم زمانه شناس مراجعه کنید؟ عالمی که می گوید من غیر سیاسی هستم، یعنی من زمان شناس، نیستم حتما دچار اشتباهات فراوان می شود. دیگران را هم به اشتباه می اندازد.

• انسان زمان شناس، هیچ وقت هول برش نمی دارد. حضرت امیر می فرماید: «انسانی که عارف به زمان خودش هست اصلاً تعجب نمی کند از حوادث؛ أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ»^{۱۳۴} اینقدر همیشه همه چیز برایش قابل پیش بینی است. فهم سیاسی داشته باشی، غافل نگیر نمی شوی. سیاست مداران کلاش نمی توانند سر تو کلاه نمی گذارند.

^{۱۳۳}. کافی، ج ۱، ص ۲۷.

^{۱۳۴}. غرر، ص ۲۰۹.

«نیاز به حامی»

۲. توجه به مسائل سیاسی، روش قرآنی

- چرا باید به مسائل سیاسی توجه کنیم؟ توجه به مسائل سیاسی یک روش قرآنی هست. ما از قرآن یاد گرفتیم. شما قرآن را نگاه کنید. بخش زیادی از آیات شان نزول دارند شان نزول یعنی چی؟ یعنی در جامعه پیغمبر اتفاقی افتاد بلافاصله آیه نازل شده است. بخش قابل توجه ای از قرآن زمانه شناسی زمان پیامبر هست. قرآن آدم را سیاسی می کند.

دقت کن چه چیزی را می بوسی؟ مسائل زمان پیغمبر را

- بنده شما دعوت می کنم به دقت ساده حداقل بخش چشم گیری از قرآنی که می بوسی و می گذاری روی سرت؟ بدان چه چیزی را می بوسی؟ شما حرف های سیاسی و مسائل روز جامعه پیغمبر را داری می بوسی. دقت کن چی را می بوسی!
- قرآن مقدس به بیان مسائل روز می پردازد. بیان مسائل روز، یعنی مسائل سیاسی. چندتا آیه قرآن اخلاقی اند چند آیه سیاسی؟ برو بشمار ببین فرق زمین تا آسمان هست. ب. بخش قابل توجه ای از آیات قرآن

«نیاز به حامی»

درباره اتفاقات سیاسی اجتماعی زمانه پیغمبر است. مثل اخبار جنگ‌ها مثل سوره احزاب، یا خیانت‌ها یا خدمات فردی و جمعی جامعه نبوی. و قرآن مثل یک خبرگزاری فعال حوادث زمانه پیغمبر را برای مردم زمانش و ما اطلاع‌رسانی می‌کند. و می‌توان گفت اولین خبرنگار فعال خود خدا و پیغمبر خداست. و این قدر خبرگزاری مثل قرآن از منافقین افشاگری کرد که دیگر منافقین جرأت نمی‌کردند در خلوت خودشان حرف بزنند می‌گفتند ولما کن تو رو خدا، الآن ما اینجا حرفی می‌زنیم فردا صبح آیه‌ای نازل می‌شود، تیتیر می‌شود و آبروی ما را می‌برد.» امام صادق ع: مَا زَالَ الْقُرْآنُ يَنْزِلُ بِكَلَامِ الْمُنَافِقِينَ حَتَّى تَرَكَوْا الْكَلَامَ وَ اِقْتَصَرُوا بِالْحَوَاجِبِ يَغْمِزُونَ فَقَالَ بَعْضُهُمْ مَا تَأْمَنُونَ اَنْ تَسْمَوْا فِي الْقُرْآنِ فَتَفْتَضِحُوا اَنْتُمْ وَ عَقِبُكُمْ^{۱۳۵} اصلاً در قرآن رسماً یک سوره به نام جریان مخالف و معاند درون نظام نبوی داریم یعنی منافقین. «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ اَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُبَيِّنُ لَهُمْ مَا فِي قُلُوبِهِمْ؛ منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای بر ضد آنان نازل گردد، و به آنها از اسرار درون

قلیشان خبر دهد.»^{۱۳۶}

^{۱۳۵}. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۰۰.

^{۱۳۶}. آل عمران، ۶۴.

«نیاز به حامی»

• این قدر توجه به مسائل سیاسی اجتماعی مهم و مقدس هست که مقدس‌ترین کتاب ما، یعنی قرآن آیات فراوانی درباره مسائل سیاسی و اجتماعی دارد. حتی اشکالی ندارد شما سری هم به خبرگزاری‌های غربی هم بزنید این هم روش قرآنی هست و کاری مقدس چراکه در قرآن خدا حرف‌های شیطان و کفار را هم نقل می‌کند. «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ...^{۱۲۷} أَلَيْسَ لَكَ بِمَنْ يَكْفُرُ بِمَا كُفَرْتَ بِهِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَلِئِمَّ يُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُفْرِ» اگر شما مقدسی، آقای مقدس و مذهبی نمی‌توانی بی تفاوت به مسائل اجتماعی سیاسی باشی و صوفی مسلکان کاری به مسائل سیاسی نداشته باشی. مثل حسن بصری‌ها که شاگردهایش می‌گفتند ما وقتی در حلقه حسن بصری بودیم حق نداشتیم از مسائل سیاسی اجتماعی حرف بزنیم. «كُنَّا إِذَا أَتَيْنَا الْحَسَنَ لَا نَسْأَلُ عَنْ خَيْرٍ وَلَا نَخْبِرُ بِشَيْءٍ وَإِنَّمَا كَانَ فِي أَمْرِ الْأَخْرَةِ»^{۱۲۸}

• در مقدس‌ترین کتاب ما مزخرف‌ترین حرف‌های کفار و منافقین و شیطان را نقل و نقد می‌کند. و تو نمی‌توانی بی‌خیال این آیات بشوی و بروی سراغ آیات عرفانی یا اخلاقی قرآن فقط! تو اگر مقدسی بسم‌الله

^{۱۲۷}. احزاب، ۱۲.

^{۱۲۸}. الطبقات، ج ۷، ص ۱۲۳.

«نیاز به حامی»

بگو ببینم چند آیه امروز خواندی؟ قبول باشد! حالا امروز چند تا خبرگزاری را مطالعه کردی؟!

- چقدر خوب می‌شد اگر هرروز یک ساعت مثل قرائت قرآن که مأموریم روزانه چند آیه تلاوت کنیم، وقت می‌گذاشتیم تیترها و متن‌های خبرگزاری‌ها را مطالعه می‌کردیم و این کار را جزء برنامه‌های عبادی روزانه خودمان قرار می‌دادیم. همین کار قشنگی که بعضی از مساجد انجام می‌دهند. ورودی مسجد روزنامه نصب می‌کنند.

با عملکرد بد سیاسیون چطور سیاست، سفید هست؟

- آقا بعضی از سیاسیون از بس بد عمل کرده اند حالا مردم را از سیاست بهم زده اند؟ بله قبول دارم بعضا بعضی از سیاسیون اینقدر بد عمل کردند نگاه به سیاست شده یه نگاه سیاه. مثل اینکه از بس مسلمون‌ها بد عمل کردن دیگه هرکی می‌خواد اسلام بیاره می‌گه ولمون کن تو رو خدا این چه اسلامی هست. در حالی که واقعا اینطوری نیست.

«نیاز به حامی»

چرا سیاست محل کسب نورانیت هست؟

• ریشه سیاه دیدن سیاست، عملکرد سیاه برخی سیاسیون هست. در حالی که سیاست ساحت نورانیت هست. چرا سیاست محل کسب نورانیت هست؟ چون در وسعت و امکانات، هیچ کسی به اندازه یک سیاست مدار نمی تواند خدمت کند. یک نفر مگر به چند نفر می تواند، خدمت کند؟ حالا یک سیاست مدار، فرصت خدمت به چند میلیون آدم را پیدا کرده است؟ خدمت به میلیون ها انسان مومن و مسلمان، معنویت ندارد؟ اینجا اعداد ارقام نجومی هست. ثواب های نجومی می دهند به سیاست مدار خدمت گذار. فرمود: «امام عادل بهتر از باران بهاری درشت است برای جامعه ؛ إِمَامٌ عَادِلٌ خَيْرٌ مِنْ مَطَرٍ وَأَبَلٍ» (غرر، ۸۰). در روایت دیگری فرمود فردای قیامت مقربترین جایگاه از آن حاکم صالحی هست که به عدل رفتار کرده. «أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَأَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ وَأَدْنَاهُمْ مِنْهُ مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِمَامٌ عَادِلٌ»^{۱۳۹}

۱۳۹. عوالی، ج ۱، ص ۳۷۲.

«نیاز به حامی»

• پیامبر فرمود: کسی که صبح کند در حالی که اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد مسلمان نیست «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^{۱۴۰} این یک روایت فوق العاده سیاسی است. ترجمه امور مسلمین چیست؟ یعنی آقا عراق چی شد؟ بالاخره داعشی ها موصل را خالی کردند یا نه؟ یمن چی شد؟ بحرین چی شد؟ صبح بلند شوید و این حال را نداشته باشی مسلمان نیستی.

• بعثت یعنی درگیری با طاغوت پیامبران آمده اند بگویند خدا را عبادت کنید و اجتناب از طاغوت کنید «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^{۱۴۱}

کار اخلاقی انبیاء فرع کار سیاسی آنها است.

• خدا وقتی موسی را مبعوث کرد فرمود: «أَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ»^{۱۴۲} اصلا کار پیغمبران درگیری با طغیان گران است. کار اخلاقی فرع کار سیاسی است در واقع مبعوث شد تا با طاغوت درگیر شود. از بعثت

۱۴۰. کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

۱۴۱. النحل، ۳۶.

۱۴۲. طه، ۲۴.

«نیاز به حامی»

رهبری سیاسی شروع شد. از طاغوت اجتناب کنید یعنی نگذارید کسی بر شما سلطه پیدا کند. کار اخلاقی انبیاء فرع کار سیاسی آنها است.

سیاست، شأن امامت

- سیاست شأن امامت است. حرم امام رضاع می روی نمی گیی سلام بر تو ای سیاست مدار بزرگ از بس به ما گفتند : امام رئوف امام عطوف بله این درست هست ولی امام رضاع می فرماید: «عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ مُسْتَحِقٌّ لِلرِّئَاسَةِ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ؛ امام علم سیاست دارد سزاور ریاست هست و اطاعتش واجب است»^{۴۳} در زیارت جامعه می خوانیم «سَاسَةَ الْعِبَادِ».

حمایت سیاسی فرزندان در بستر خانواده از منظر حمایت تربیتی

- آخرین حمایتی که فرزندان در بستر خانواده دریافت می کنند از منظر حمایت های تربیتی، حمایت سیاسی هست. فهم سیاسی داشتن، مقدس دانستن سیاست، درک درست سیاست.

۱۴۳. تحف العقول، ص ۴۴۱.

«نیاز به حامی»

سیاسی بودن پدر و مادر

- اگر پدر و مادر سیاسی باشند، در رفتار آنها نمود پیدا می کند. بچه ها هم حساس به موضوع سیاست می شوند. مثلا وقتی بچه ببیند پدر و مادر نسبت به اخبار حساس هستند. کم کم او هم حساس می شود. این یک کار رو بنایی هست. خانواده سیاسی، بچه را سیاسی بار می آورد.

- البته سیاسی بودن، به این معنا نیست که خانواده وارد دعوای سیاسی شود. مثل دعوای استقلال، پرسپولیس بلکه منظور حساس بودن نسبت به سیاست، فهم سیاسی داشتن، اصلا عدم ورود به دو قطبی های کاذب سیاسی. خودش عین سیاست هست.

تکنیک تربیت سیاسی فرزندان: «مطالعه تاریخ و داستان های تاریخی»

- اما یک کار زیربنایی، و تکنیک تربیت سیاسی فرزندان این است که آنها را با مطالعه تاریخ و داستان های تاریخی مانوس کنیم. مطالعه داستان های تاریخ، خیلی کمک می کند که بچه سیاسی بار ببینند. تاریخ با سیاست در هم آمیخته شده است.

«نیاز به حامی»

- داستان های قرآن که تماما داستان های تاریخی هستند، یک وجه بیشتر ندارد. اصل داستان در ذهن ما برای سرگرمی هست اما در قرآن ماجرا فرق می کند. خدا داستان نمی گوید که ما سرگرم بشویم بلکه می فرماید. فرمود: «قصه های تاریخی را برای آن بازگو شاید تفکر

کنند؛ فَأَقْصِصِ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^{۱۴۴}

- مطالعه تاریخ و داستان های تاریخی، به شما قدرت تحلیل سیاسی می دهد؛ بدون مطالعه تاریخ نمی توان مسائل سیاسی روز را تحلیل کرد. تاریخ شبیه اتاق تشریح است. کسی که می خواهد پزشک جراح شود از همان ابتدا بیمار را زیر دستش نمی گذارند بلکه اول او را به اتاق تشریح می برند. آنجا وقتی با جزئیات آشنا شد بعد به او اجازه می دهند که بیماری را جراحی کند. کسی هم بخواهد تحلیل سیاسی کند اول باید برود به اتاق تشریح یعنی تاریخ بخواند. چرا که تاریخ گذشته در آینده تکرار می شود. و قطعات زمان شبیه یکدیگرند. امیرالمومنین به حارث همدانی فرمودند: «از حوادث گذشته دنیا برای

^{۱۴۴}. اعراف، ۱۷۶.

«نیاز به حامی»

باقی مانده و آینده عبرت گیر، چرا که بعضی از آن شبیه بعضی دیگر است و پایش به آغازش باز می گردد و تمام آن متغیر و ناپایدار است؛ وَاعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشْبِهُ بَعْضًا وَآخِرَهَا لَاحِقٌ بِأَوَّلِهَا^{۱۴۵} یا فرمودند: با آنچه در گذشته واقع شده، نسبت به آنچه واقع نشده استدلال کن؛ زیرا امور جهان شبیه به یکدیگرند؛ اسْتَدِلَّ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ^{۱۴۶}

- امیرالمومنین در ابتدای نامه ۳۱ که شامل مسائل اخلاقی و اجتماعی فراوانی است به امام حسن مجتبی ع می فرماید: «پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم، و در اخبارشان اندیشیدم، و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام، پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم، و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیانبارش شناسایی کردم، سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را، و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم، و ناشناخته‌های آنان را دور کردم؛

^{۱۴۵}. نهج البلاغه، نامه ۶۹.

^{۱۴۶}. نهج البلاغه، ص ۴۰۰.

«نیاز به حامی»

أَيُّ بُنَىٰ إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرٌ مِّنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي
أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرَّتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّىٰ عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ
بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَتَيْتُهُ إِلَىٰ مِّنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلَاهِمُ إِلَىٰ آخِرِهِمْ
فَعَرَفْتُ صَفْوَةَ ذَلِكَ مِّنْ كَدْرِهِ وَ نَفْعَهُ مِّنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخَلَصْتُ لَكَ مِّنْ كُلِّ
أَمْرٍ [جَلِيلَةٍ] نَخِيلَهُ وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ»^{۱۴۷}

جالب این جاست که حضرت می فرماید حسنم اگرچه تاریخ علم مفیدی است ولی زاوئد زیادی دارد که نباید متوقف آن شد و از آن عبور کرد. من قسمت مفیدش را برایت برگزیدم. این راهزن مطالعه تاریخ ماست. ولی اگر تاریخ دست چین شود به شدت پر منفعت است.

- برای اینکه فرزندان ما دارای قدرت تحلیل مسائل روز خود شوند و فریب نخورند؛ باید در سبب مطالعات خانواده های ما مطالعات سود مند تاریخی به وفور یافت شود. این از نان شب برای بچه های ما لازم است. نهضت مطالعات داستان های تاریخی با نثر روان برای کودکان ما راه بیندازیم. بسته های جذاب از داستان های تاریخی اولیای خدا برای فرزندان خودمان تهیه کنیم و خودمان به صورت خانوادگی به

^{۱۴۷}. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

«نیاز به حامی»

تاسی به امیرالمومنین به مطالعه آنها به صورت دسته جمعی
بپردازیم. تاریخ تماشای تجربه شکست ها و پیروزی های و مسیر آدم
ها و جوامعی است که می تواند ما و جامعه ای ما؛ یکی از آنها باشند.

ضعف در حافظه تاریخی، عامل فریب دادن سیاسیون کلاش

- ما ملتی هستیم که حافظه تاریخی ضعیفی داریم. ملتی که حافظه تاریخی ضعیفی داشته باشد کلاه های گشادی سرش می گذارند. پس فردا انتخابات هست. فقط کافی هست مروری بر حافظه تاریخی خودمان کنیم. خواهیم دید که ما از چرا در انتخابات اشتباه می کنیم؟ چرا جو انتخابات بر جامعه آنقدر حاکم می شود که کلاش های سیاسی، با عوام فریبی مثل آب خوردن، سیاست را عرصه سیاهی می کنند.
- جریان سربلندی ها، مثل آب خوردن در جامعه موج ایجاد می کنند؟ چون ما خیلی غیر سیاسی هستیم. از زد و بندهای سیاسی خبر نداریم. انتخابات پیش رو، محل امتحانات سیاسی ماست. ما به صورت جمعی چقدر فهم سیاسی داریم؟ ما به صورت جمعی چقدر درک سیاسی داریم؟ چقدر منافع مشترک می فهمیم؟ چقدر از سیاست سردر می آوریم.

«نیاز به حامی»

چگونه به رشد فهم سیاسی مردم کمک کنیم؟ به چالش کشیدن شیوه غرب

گرایی در سیاست ورزی

- چگونه به فهم سیاسی مردم کمک کنیم؟ ما در عرصه انتخابات حرف‌های بسیار روشنی داریم که می‌توانیم در گفتگوهای چهره به چهره، با هم‌وطنان خود مطرح کنیم. مثلاً اینکه شیوه غرب‌گرایی-از هر نوعش؛ چه سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی- در کشور ما جواب نمی‌دهد، چون اصلاً خودِ غرب به بن‌بست رسیده است!
- باید بن‌بست‌ها و جنایات غرب در حق مردم خودش و مردم جهان تبیین شود. نگوئید این مطالب که واضح هستند! خیلی‌ها مرعوب تبلیغات غربی‌ها هستند و فکر می‌کنند همه چیز در غرب گل و بلبل است.
- اگر ما بتوانیم آثار زیان‌بار غرب‌زدگی را تبیین کنیم، مملکت را از دست غرب‌گرایان نجات خواهیم داد. اکثراً گرفتاری‌های ما بخاطر ساده‌لوحی غرب‌گرایانی است که دائماً به خاطر مرعوب شدن در برابر غرب و یا اطمینان نابجا به غرب به کشور ضربه زده‌اند.

«نیاز به حامی»

● در گفتگو با مردم، یکی از حرف‌هایی که می‌توانید مطرح کنید این است که بگویید: «هر موقع غرب‌گراها در این کشور قدرت پیدا کردند، غربی‌ها به ما بیشتر ضربه زدند» مثلاً وقتی بنی‌صدر رئیس‌جمهور شد، به ما حمله نظامی کردند. یا وقتی دولت دست بازرگان بود، می‌خواستند با حوادثی مثل کردستان مملکت را تجزیه کنند. در دولت‌های غرب‌گرا ما را دچار شدیدترین تحریم‌ها کردند و پس از فتنه ۸۸ وقتی دیدند غرب‌گرایان قدرت ایجاد شورش دارند، تحریم‌ها را به شدت افزایش دادند. این مطلب اخیر را خود امریکایی‌ها تصریح کردند.

● باید به تک تک مردم بگوییم اگر غرب‌گرایی ادامه پیدا کند، باید منتظر ضربات سهمگین‌تر باشیم. هر یک رأی به جریان غرب‌گرا، در واقع رأی علیه امنیت و رفاه مردم است. آنها می‌خواهند کشور ما را مثل مصر کنند که در بست در اختیار آمریکا است و اوضاعش را می‌بینید که چگونه فقر از در و دیوار آن بالا می‌رود!

^{۱۴۸} علیرضا پناهیان، چگونه روشنگری کنیم؟ چه بگوییم؟ و چگونه؟، سال ۱۳۹۶.

«نیاز به حامی»

فاطمه (س) سیاسی ترین بانوی اسلام

- فاطمه س، سیاسی ترین بانوی اسلام هستند. مگر می شود در فاطمیه پیام از فضائل حضرت زهرا س بگویم اما از بزرگترین فضیلت حضرت یعنی سیاسی بودن حضرت سخن نگوئیم؟
- خطبه فدکیه حضرت زهرا س یک خطبه سیاسی اجتماعی هست. خطبه فدکیه ناظر به مسائل روز جامعه مدینه هست. خطبه با بانوان انصار یک خطبه سیاسی اجتماعی هست.
- حضرت زهرا س با پهلوی شکسته شروع می کرد به درب خانه انصار و مهاجرین رفتند و به درک و فهم سیاسی مردم کمک می کرد؛ حضرت روشنگری می کرد. در این چهل روز در میانه های راه دیدند که هیچ کس جوابشان را نداد ولی خسته نشدند. تا آخر رفتند. سی و نهمین روز هم گذشت باز اینکار را رها نکردند، با اینکه هیچ کس جواب نداده بود، روز آخر هم رفتند. صبح و شب رفتند. آن هم همه عزتشان را در این راه گذاشتند. تمام اعضای خانواده فعالیت کردند. اگرچه مردم او را کمک نکردند اما ایشان داشتند مردم را کمک می کردند تا تصمیم درستی بگیرند.

«نیاز به حامی»

• حضرت زهرا س سیاسی ترین بانوی اسلام هستند گریه های شان سیاسی بود وگرنه نمی آمدند بزرگان مدینه اعتراض کنند چه خبر هست، این قدر فاطمه گریه می کند؟ تهدید کنند به فاطمه بگویند یا شب گریه کند یا روز. اگر گریه را قطع نکنند بلایی سر فاطمه می آوریم. حضرت فرمود علی جان به آنها بگو فاطمه بزودی از میان شما می رود.^{۱۴۹} چرا خواص مدینه از گریه های فاطمه س ناراحت هستند؛ بگذارید فاطمه گریه کند؟ نه گریه فاطمه جنس آن فرق می کند، آبروی ما را برده است. حتی قبر مخفی شان هم یک حرکت سیاسی بود. شبانه دفن کردن هم یک اعتراض سیاسی بود. حتی بعدها این مدل اعتراض سیاسی هم باب شد. در وصیت نامه خودشان نوشتند نمی خواهیم امتی که عهد و پیمان سیاسی خودشان را با پدرم شکستند در تشیع جنازه من شرکت کنند!

۱۴۹ « خَلَّ عَلَى فَاطِمَةَ عَ وَ هِيَ لَا تُفِيقُ مِنَ الْبُكَاءِ وَ لَا يَنْفَعُ فِيهَا الْعَزَاءُ فَلَمَّا رَأَتْهُ سَكَتَتْ هُنَيْمَةً لَهُ فَقَالَ لَهَا يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّ شُبُوخَ الْمَدِينَةِ يَسْأَلُونِي أَنْ أَسْأَلَكَ إِمَّا أَنْ تَبْكِينَ أَبَاكَ لَيْلًا وَ إِمَّا نَهَارًا فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا أَقَلَّ مَكْتَبِي بَيْنَهُمْ وَ مَا أَقْرَبَ مَغِيبِي مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِهِمْ فَوَاللَّهِ لَا أَسْكُتُ لَيْلًا وَ لَا نَهَارًا أَوْ أَلْحَقَ بِأَبِي رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهَا عَلِيُّ ع أَفْعَلِي يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ مَا بَدَأَ لَكَ» (بحار، ج ۴۳، ص ۱۷۷)

۱۵۰ «لَا يُصَلِّي عَلَيَّ أُمَّةٌ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ» (هدایه الکبری، ص ۱۷۸)

«نیاز به حامی»

روضه

- وصیت نامه سیاسی حضرت زهرا خواندنی هست امشب، امشب برای داغ های دل فاطمه گریه کنیم و دادهای فاطمه. فدای گریه های مادر بشوم که کسی مادر را درک نکرد. یکی از خانم ها پرسید یا فاطمه حال شما چطور هست؟ حضرت فرمود در داغ و غم ها هستم. عرضه داشت علت ناراحتی شما چیست؟ فرمود دو موضوع هست. یک فقدان پیامبر و دیگر ظلم به وصی.^{۱۵۱} نه اینکه برای از دست دادن پدرم گریه می کنم نه خاطر ظلم به شوهرم. نه جنس گریه و ناله های حضرت زهرا سیاسی بود.

^{۱۵۱} «قِيلَ لِفَاطِمَةَ عَ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا ابْنَةَ الْمُصْطَفَى قَالَتْ أَصْبَحْتُ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُمْ قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ لَنَفْسَتِهِمْ بَعْدَ إِذْ عَجَنْتَهُمْ فَأَنَا بَيْنَ جَهْدٍ وَ كَرْبٍ بَيْنَهُمَا فَقَدَ النَّبِيُّ ص وَ ظَلَمَ الْوَصِيَّ.» (جامع الاخبار، ص ۹۱)